

# گزارش راهبردی

تبیین مفهوم گزارش راهبردی بر مبنای اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی



۲۵



شورای راهبردی الگوی  
پیشرفت اسلامی

دوره ۹ جلسه‌ای  
۱۳ لغایت ۲۳ آذر ۱۳۹۵  
مباحث دوران تحلیل ذهنی  
قارگاه مطالعاتی نصرت



## شناسنامه

### عنوان دوره

تبیین مفهوم گزارش راهبردی  
از منظر اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

### ارائه دهنده

حجت الاسلام والمسلمین کشوری

### تدوین گر

حامد ملک زاده

### تاریخ برگزاری دوره

۱۳ لغایت ۲۳ آذر ۱۳۹۵

### مکان برگزاری

قرارگاه عملیاتی نصرت

### حاضرین در دوره

کارشناسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### مشخصات اثر

۱۱۸ صفحه (قطع رحلی)

### تاریخ انتشار

اردیبهشت ۱۳۹۶

### ویراست اول



سه سطح اصلی  
ارتقاء مطالعه گری  
جریان آمان خواه  
انقلاب اسلامی

کارنامه خوانی  
بانک سوالات جهت ساز

تبدیل شدن انتخابات به موضوعی برای به چالش کشاندن اصول انقلاب اسلامی  
تولد نظریات مولد مصداق ضد ارزش در محیط های علمی و پژوهشی

کارنامه خوانی ابزار مطالعه جهت گری صحیح از نامزدهای انتخاباتی  
تطبیق نظامات ذهنی مسئولین با نظریات غلط تولید شده در محیط های علمی

طرح پرسش جهت ساز: ابزار تغییر جهت در بخش های علمی و تحول در علوم انسانی

جایگاه گزارش راهبردی

جایگاه گزارش راهبردی در میان سطوح ارتقاء مطالعه گری

گزارش راهبردی: ابزار به چالش کشاندن تصمیمات غلط مسئولین

اهمیت گزارش راهبردی

جایگاه گزارش راهبردی در میان سطوح فکر

گزارش راهبردی: ابزار تصمیم سازی مسئولین، پس از تصدیق مسئولیت

جایگاه گزارش راهبردی

جایگاه گزارش راهبردی در فرایند تربیت کارشناس

نقطه اوج تدوین در مرحله سوم از فرایند تربیت کارشناس

اهمیت گزارش راهبردی

عدم ورود جریان های دینی به صحنه مدیریت تحولات و عدم تدوین گزارش راهبردی: علت یک تازی جریان توسعه در تصمیم های مدیریتی کشور

تثبیت علم در ذهن یک کارشناس

بخش های گزارش راهبردی

بخش اول

تیین ملاک های تدبر در فضای ذکر

بخش دوم

سنجش نسبت بین تصمیم اتخاذ شده توسط مدیر با ملاک های تدبر

دوری از کلی گویی و ابهام

بخش سوم

مدیریت زمینه های اتخاذ تصمیم به وسیله ملاک های تدبر

ایجاد ارتباط بین زیرساخت های رشد در نسبت با مسئله پیش رو

بخش چهارم

تیین ارتباط بین نزدیک ترین جهت ساز به (تعمیل شبکه جهت سازهای مرتبط با مسائل)

مراقبت از عدم بخشی نگری: ویژگی قسمت چهارم گزارش راهبردی

بخش پنجم

نمایش مشکلات پرازش شبکه جهت سازها

واقع بینانه شدن گزارش راهبردی: نتیجه تدوین بخش پنجم گزارش راهبردی

تبدیل شدن انتخابات به موضوعی برای به چالش کشاندن اصول انقلاب اسلامی

تولد نظریات مولد مصداق ضد ارزش در محیط های علمی و پژوهشی

طرح پرسش جهت ساز: ابزار تغییر جهت در بخش های علمی و تحول در علوم انسانی

کارنامه خوانی ابزار مطالعه جهت گری صحیح از نامزدهای انتخاباتی

تطبیق نظامات ذهنی مسئولین با نظریات غلط تولید شده در محیط های علمی

گزارش راهبردی: ابزار تصمیم سازی مسئولین، پس از تصدیق مسئولیت

تیین مفهوم گزارش راهبردی بر مبنای اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی  
آذر ۱۳۹۵  
دوره ۹ جلسه ای

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی  
پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه  
www.nro-di.blog.ir

لزوم سنجش یک تصمیم با زیرساخت های رشد و غی: به علت عدم توانایی سنجش مستقیم تصمیم با مقایسه رشد و غی

لزوم در نظر گرفتن سطح فکر افراد در تیین حقایق

لزوم انتخاب مدیرانی با ظرفیت فکری مناسب به علت آسان تر شدن مسیر تقویت تدبر در آنها

عاقبت اندیشی در تصمیمات

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده

بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس

عاقبت سنجی کارها و تصمیمات با ملاک های بیان شده



# فهرست اجمالی



جلسه اول	۱
گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقاء سطح فعالیت‌های جریان مطالبه‌گر ارزش‌های انقلاب اسلامی	
جلسه دوم	۱۷
گزارش راهبردی؛ نظام مفاهیم تقویت‌کننده تدبیر	
جلسه سوم	۲۹
بررسی ارتباط تدبیر با سایر سطوح فکر (۱)	
جلسه چهارم	۴۱
بررسی ارتباط تدبیر با سایر سطوح فکر (۲)	
جلسه پنجم	۵۹
تبیین سطح دوم گزارش راهبردی (تبیین نسبت تصمیم با ملاک تدبیر)	
جلسه ششم	۷۳
تبیین سطح سوم گزارش راهبردی (تبیین چگونگی مدیریت زمینه‌های تصمیم غلط)	
جلسه هفتم	۸۵
تبیین سطح چهارم گزارش راهبردی (بررسی ارتباط شبکه جهت‌سازهای مرتبط)	
جلسه هشتم	۹۹
تبیین سطح پنجم گزارش راهبردی (تبیین تصویر تصمیم)	
جلسه نهم	۱۱۱
بررسی تصمیمات اولویت‌دار جهت تدوین گزارش راهبردی	

# توضیح اجمالی



بررسی آثار و نتایج و همگونی تصمیمات اتخاذ شده توسط تصمیم گیران و مسئولین کشور با جهت حرکت انقلاب اسلامی و آرمان‌های اصیل جمهوری اسلامی همواره از دغدغه های مهم نخبگان انقلاب اسلامی و مردم بوده است. نوع مطالبات مورد انتظار جریان اصیل انقلاب اسلامی نیز همواره معطوف به تحقق این اهداف بوده است. بنابراین ارتقاء سطح مطالبه‌گری در فضای انقلاب اسلامی متوقف بر فهم سه متغیر بهینه‌ساز مطالبه‌گری در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

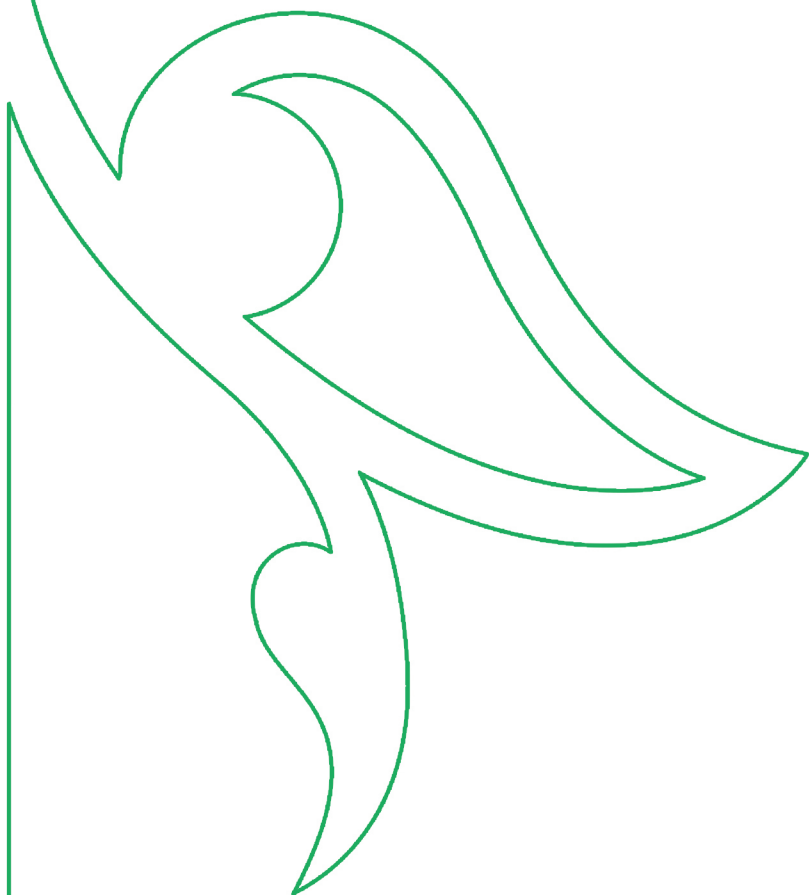
۱. مطالبه از مسئولین پس از تصدی مسئولیت یا اصطلاحاً تصمیم‌سازی برای مسئولین؛ این نوع مطالبه‌گری مربوط به تدوین گزارش‌های راهبردی خواهد بود و در این دوره بحثی، این نوع از مطالبه‌گری یا تصمیم‌سازی تشریح خواهد شد.

۲. نوع دیگری از مطالبه‌گری و تصمیم‌سازی در فضای علمی است که این نوع مطالبه‌گری به معنای طرح پرسش جهت‌ساز است. اگر ما معتقدیم که علوم دانشگاهی، علوم سکولار و ضد جهتی بوده و موضوعات جهت‌ساز را پردازش نمی‌کنند، سؤال این است که راهکار تغییر این علوم چیست؟ بدون تردید اگر ما بتوانیم نظامی از سؤالات به چالش کشاننده را تولید کرده، پرورش داده و در محیط دانشگاه پردازش کنیم، این کار مقدمه‌ای برای تحول در علوم انسانی خواهد بود و بنابراین خود این موضوع، یک معنا از مطالبه‌گری خواهد بود.

۳. یک نوع مطالبه‌گری دیگر نیز متصور است که در دوران جهت‌ساز انتخابات موضوعیت دارد. در این دوره از طرح کارنامه‌خوانی جهت مطالبه‌گری استفاده می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان بیان داشت که گزارش راهبردی یکی از سه ابزار اصلی بهینه نمودن مطالبه‌گری برای جریان نخبگانی انقلاب اسلامی است. کارایی این ابزار در زمان تفهیم آثار تصمیم برای تصمیم گیران و مسئولین کشور ظهور و بروز خواهد یافت. گزارش راهبردی شامل پنج ساختار کلی است که به‌صورت تفصیلی در مباحث به شرح و بسط آن‌ها پرداخته شده است.

این دوره از ۱۳ الی ۲۳ آذر ماه سال ۱۳۹۵ در قرارگاه مطالعاتی نصرت و در طی ۹ جلسه با حضور کارشناسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار شد.

# جلسه اول



گزارش راهبردی؛  
ابزار ارتقاء سطح فعالیت‌های جریان  
مطالبه‌گر ارزش‌های انقلاب اسلامی

## شناسنامه جلسه اول



عنوان  
گزارش راهبردی؛  
ابزار ارتقا سطح فعالیت‌های جریان مطالبه‌گر ارزش‌های انقلاب اسلامی

تاریخ نشست  
۱۳ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۱۰ صفحه (قطع رحلی)

اولین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۹۵ با موضوع "گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقا سطح فعالیت‌های جریان مطالبه ارزش‌های انقلاب اسلامی" برگزار شد.

در این جلسه به تبیین اهمیت ارتقاء مطالبه‌گری در میان جریان آرمان‌خواه انقلاب اسلامی پرداخته شد و در جهت ارتقاء سطح مطالبه‌گری، سه موضوع مورد بررسی قرار گرفت؛ اولین سطح از سطوح سه‌گانه ارتقاء مطالبه مربوط به تصحیح نظریات مولد مصادیق ضد ارزش در محیط‌های علمی و پژوهشی اختصاص دارد. با توجه به تبعیت ذهنی مسئولین و تصمیم‌گیران نظام از نظریات تولیدشده در محیط‌های علمی و پژوهشی، شرط تصحیح جهت نظریات ضد ارزش، طراحی فهرستی از پرسش‌های جهت‌ساز در خصوص فرایندهای اداره دینی جامعه است. دومین سطح از سطوح سه‌گانه ارتقاء مطالبه مربوط به زمان انتخابات به‌عنوان یک دوره حساس و انتخاب مسئولانی است که نسبت به ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی پایبندی بیشتری دارند و میزان تعهد مسئولین به آرمان‌های انقلاب اسلامی از طریق طرح کارنامه‌خوانی قابل‌سنجش و اندازه‌گیری است. همچنین طرح کارنامه‌خوانی از بروز انحراف در مطالبات زمان انتخابات جلوگیری خواهد نمود.

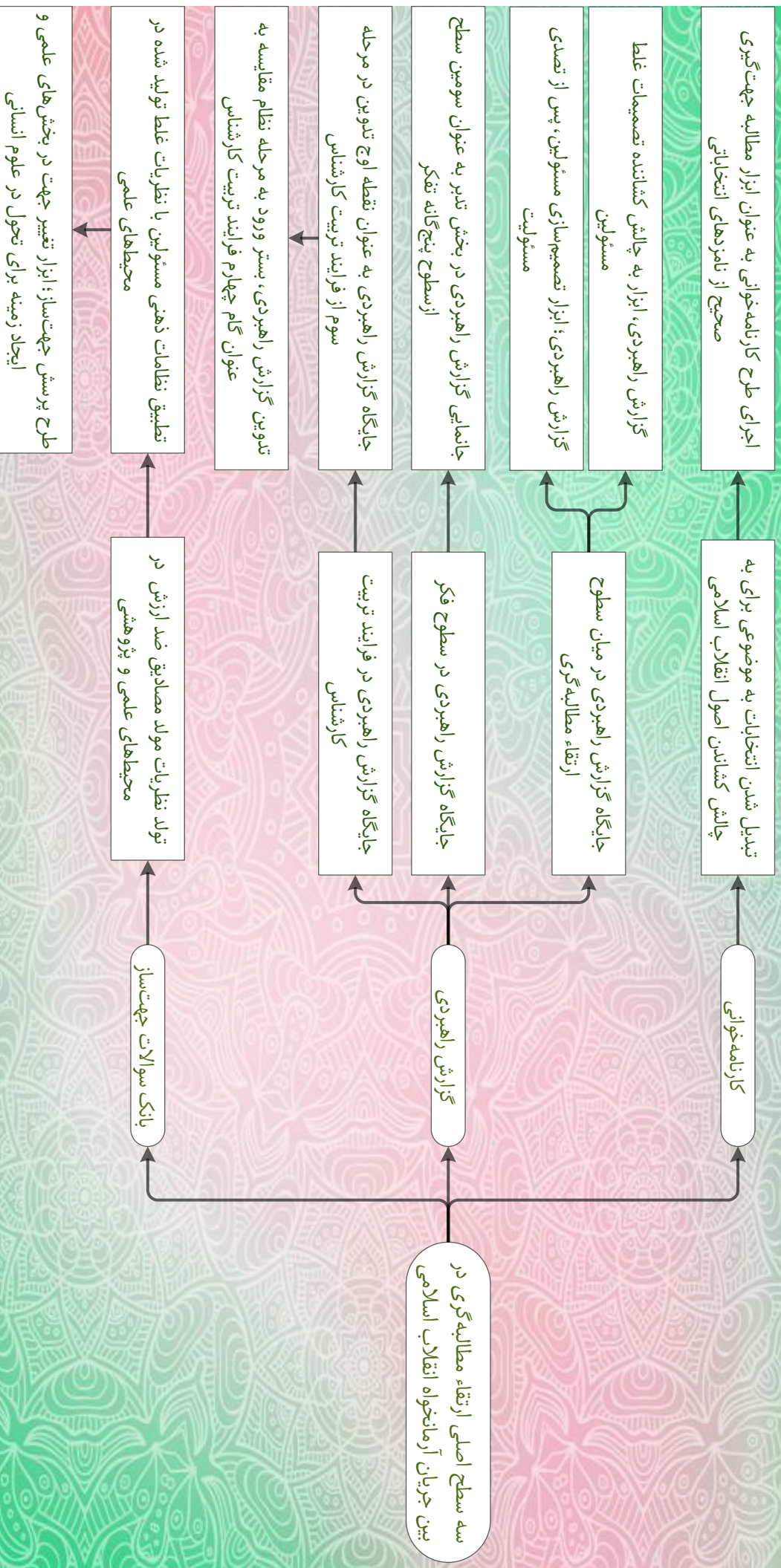
سومین سطح از سطوح سه‌گانه ارتقاء مطالبه مربوط به زمان تصدی مسئولین در پست‌های مهم نظام و پایش تصمیمات آن‌ها است. گزارش راهبردی به‌عنوان ابزار تصحیح جهت تصمیمات مسئولین به سمت تقویت آرمان‌های انقلاب اسلامی به کار می‌رود. در این نشست جایگاه گزارش راهبردی در سطوح پنج‌گانه تفکر و همچنین در فرایندهای پنج‌گانه کارشناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز بررسی شده است.



## فهرست اجمالی

۱	۱. گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقاء مطالبه‌گری جریان آرمان‌خواه در فضای فکری انقلاب اسلامی
۳	۲. ارتقاء مفهوم مطالبه‌گری از مطالبه‌گری مصداقی به مطالبه‌گری بر مبنای الگوهای اداره جامعه؛ پیشنهاد نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۵	۳. مراقبت از عدم محدودسازی مطالبات به مشکلات مصداقی و توجه ویژه به ریشه ایجاد مشکلات
۶	۴. بهینه نمودن وضعیت مطالبه‌گری در جمهوری اسلامی، یک ستون از ۹ ستون حاضر در نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۶	۵. جایگاه گزارش راهبردی به‌عنوان نقطه اوج تدوین در مرحله سوم از فرایند تربیت کارشناس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۹	۶. عدم وجود قدرت اثرگذاری بر تصمیمات مسئولین ارشد نظام در مراحل تربیتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها
۱۰	۷. اولویت مدیریت تحولات بر مدیریت ریشه‌های علمی، علت بالاتری بودن ضریب گزارش راهبردی بر بانک سؤالات جهت‌ساز

## جلسه اول: گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقا سطح فعالیت‌های جریان مطالبه‌گر ارزش‌های انقلاب اسلامی



بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد صلى الله عليه و آله و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الأرضين ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

### ۱. گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقاء مطالبه‌گری جریان آرمان‌خواه در فضای فکری انقلاب اسلامی

به فضل الهی امروز اولین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم گزارش راهبردی از منظر اولین نقشه‌الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت<sup>۱</sup> را برگزار می‌کنیم. همان‌طور که دوستان اولین نقشه‌الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطلع هستند؛ بحث گزارش راهبردی یکی از ارکان جریان مطالبه در فضای فکری انقلاب اسلامی است؛ یعنی اگر بخواهیم سطح مطالبه‌گری را در فضای انقلاب اسلامی ارتقا بدهیم باید علاوه بر مطالبه‌گری به معنای موجود، دو سطح دیگر نیز به مفهوم مطالبه‌گری اضافه کنیم.

سطح اول، مطالبه‌گری در فضای مسئولین است که در واقع نوشتن گزارش راهبردی به معنای مطالبه فنی از مسئولین در جمهوری اسلامی است. سطح دیگر، مطالبه‌گری در فضای علمی است که در واقع طرح سؤالات جهت‌ساز در فضای علمی به معنای ارتقا مفهوم مطالبه محسوب می‌شود. معنای دیگری از مطالبه‌گری نیز در نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث شده است که در دوران جهت‌ساز انتخابات موضوعیت دارد و ما از این سطح، به طرح «کارنامه‌خوانی» تعبیر کرده‌ایم.

۱/۱. «گزارش راهبردی، بانک سؤالات جهت‌ساز، کارنامه‌خوانی» سه سطح اصلی مطالبه‌گری در فضای انقلاب اسلامی

۱. این شورا سه کار اصلی را در دستور کار خود قرار داده است: ۱. معرفی «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» در قالب سه نوع نشست ۲. برقراری ارتباط میان محورهای ۲۷ گانه «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» و ساختارهای نظام جمهوری اسلامی ایران ۳. ارائه پیوست‌هایی برای اثرگذاری در روند تدوین برنامه ششم توسعه.

گفت‌وگویی حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) با هفته‌نامه ۹ دی، مهر ۱۳۹۱



در واقع با مکانیسم کارنامه‌خوانی بر اساس شاخص‌های انقلاب اسلامی باید به سمت انتخاب مسئولین و نمایندگان اصلاح برای تصدی پست‌های مختلف جمهوری اسلامی برویم.

بنابراین در مجموع در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سه سطح مطالبه مطرح شده است:

۱. مطالبه از مسئولین بعد از تصدی مسئولیت یا اصطلاحاً تصمیم‌سازی برای مسئولین که از قالب این نوع مطالبه‌گری به نوشتن گزارش‌های راهبردی تعبیر کرده‌ایم و در این دوره بحثی می‌خواهیم این نوع از مطالبه‌گری یا تصمیم‌سازی را شرح بدهیم. گزارش راهبردی؛ ابزار تصمیم‌سازی مسئولین، پس از تصدی مسئولیت ۱/۱/۱

۲. نوع دیگری از تصمیم‌سازی وجود دارد به نام مطالبه‌گری و تصمیم‌سازی در فضای علمی که این نوع مطالبه‌گری به معنای طرح پرسش جهت‌ساز است. اگر ما معتقدیم علوم دانشگاهی، علوم سکولار و ضد جهتی بوده و علومی هستند که موضوعات جهت‌ساز را پردازش نمی‌کنند، [سؤال این است که] راهکار تغییر این علوم چیست؟ آیا باید همایش گذاشته و میانی حاکم بر علوم انسانی موجود را به چالش کشیده و بحث‌های تفصیلی بکنیم؟ شاید این بحث‌ها در جای خود مفید باشند ولی بدون تردید اگر ما بتوانیم نظامی از سؤالات به چالش کشاننده را تولید کرده، پرورش داده و در محیط دانشگاه پردازش کنیم، این کار مقدمه‌ای برای تحول در علوم انسانی<sup>۲</sup> خواهد بود و بنابراین خود این موضوع، یک معنا از مطالبه‌گری خواهد بود. مطالبه‌گری در محیط علمی به معنای طرح پرسش جهت‌ساز و پرسش به چالش کشاننده است. طرح پرسش جهت‌ساز؛ ابزار تغییر جهت در بخش‌های علمی و ایجاد زمینه برای تحول در علوم انسانی ۱/۱/۲

۳. یک نوع مطالبه‌گری دیگر نیز متصور است که در دوران جهت‌ساز انتخابات موضوعیت دارد. فضای انتخابات در جمهوری اسلامی با فضای انتخابات در سایر کشورها تفاوت دارد؛ فضای انتخابات در سایر کشورها حداکثر رقابت دو حزب با یکدیگر است؛ مثلاً دموکرات‌ها و جمهوری‌خواه‌ها یک جهت‌گیری واحد را پذیرفته و در تاکتیک‌ها اختلاف دارند و بر اساس این تفاوت تاکتیکی، رقابتی را شروع می‌کنند و بالاخره یکی از این احزاب رأی می‌آورد. کارنامه‌خوانی؛ ابزار مطالبه جهت‌گیری صحیح و مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی از نامزدهای انتخاباتی ۱/۱/۳

اما در فضای جمهوری اسلامی انتخابات در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای برای به چالش کشیدن جهت‌گیری انقلاب است، [در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای] برای به چالش کشیدن ارزش‌هایی است که انقلاب اسلامی بر اساس این نظام ارزش‌ها و نظام شاخص‌ها به وجود آمده است؛ بنابراین یکی از محافظت‌های ما در دوران انتخابات باید این باشد که نمایندگان و نامزدهای انتخابات، برای رأی گرفتن از مردم به بهانه فرایند انتخابات این ارزش‌ها را به چالش نکشند؛ در طول چهار دهه عمر بابرکت انقلاب اسلامی ما کم‌وبیش مشاهده کرده‌ایم که در دولت‌ها و مجالس مختلف و حتی در شورای شهر کسانی رأی آورده‌اند که از ابزار نمایندگی، برای تغییر در جهت‌گیری‌های

۲. ما بخصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم؛ در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۲/۸/۸



انقلاب اسلامی استفاده کرده‌اند؛<sup>۳</sup> بنابراین ما به‌عنوان نیروهای انقلاب باید مواظب باشیم که فضای انتخابات به فضایی برای به چالش کشیده شدن جهت‌گیری انقلاب تبدیل نشود، به فضایی برای به چالش کشاندن شاخص‌های هویت اسلامی تبدیل نشود.

چگونه این موضوع را مدیریت کنیم؟ در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی مسئله طرح کارنامه‌خوانی مطرح شده است. طرح کارنامه‌خوانی در واقع مطالبه جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های انقلاب از نمایندگان است که می‌خواهند از مردم رأی بگیرند، [طرح کارنامه‌خوانی،] مشروط شدن فرایند انتخاب اصلاح به میزان تعهد افراد به جهت‌گیری اسلامی انقلاب است. پس ما در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سه نوع مطالبه و تصمیم‌سازی را بحث کرده‌ایم.

گزارش راهبردی، اولین نوع از مطالبه‌گری و تصمیم‌سازی است. یعنی مطالبه‌گری و تصمیم‌سازی نسبت به مسئولین بعد از انتخاب آن‌ها، یعنی ایجاد یک فضای مواظبت عمومی بر ذهنیت مسئولین به این غرض که بعد از انتخاب خودشان برخلاف جهت‌گیری انقلاب و نظام ارزشی اسلامی جامعه عمل نکنند. البته اگر بخواهیم حین انتخاب مسئولین وارد مطالبه‌گری شویم، راه حل این موضوع طرح کارنامه‌خوانی است. اگر بخواهیم بنیادهای تمدن مدرنیته را به چالش بکشیم، راه حل این کار بانک سؤالات جهت‌ساز است.

۱/۱/۱۲. تعریف گزارش  
راهبردی به‌عنوان ابزار حفظ  
جهت‌گیری مسئولین بر مبنای  
اصول نظام

## ۲. ارتقاء مفهوم مطالبه‌گری از مطالبه‌گری مصداقی به مطالبه‌گری بر مبنای الگوهای اداره جامعه؛ پیشنهاد نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ولی در مجموع هر سه فعالیت، نوعی تصمیم‌سازی و مطالبه محسوب می‌شوند؛ یعنی اگر مفاد خانه ۲ از بلوک ۲ مورد عمل قرار گیرد مفهوم تصمیم‌سازی و مطالبه‌گری در جمهوری اسلامی ارتقا می‌یابد.

البته در حال حاضر ما در جامعه خود جریان مطالبه‌گری داریم؛ اگر تریبون‌های نماز جمعه را به‌درستی تحلیل کنیم متوجه می‌شویم که تریبون‌های نماز جمعه به‌نوعی به تریبون‌های مطالبه نیازمندی‌های مردم تبدیل شده‌اند، به تریبون‌هایی برای مطالبه جهت‌گیری‌های صحیح انقلاب اسلامی تبدیل شده‌اند.<sup>۴</sup> این نوع مطالبه‌گری در حال حاضر وجود دارد. همچنین تشکل‌های دانشجویی نیز در حال حاضر مطالبه می‌کنند. بالاخره در حال حاضر تشکل‌های دانشجویی در مسئله برجام و غیر برجام از مسائل مهمی که به رفع نیازهای مردم مرتبط است مطالبه‌گری می‌کنند. مطالباتی که در ماه‌های اخیر بر سر قراردادهای مضر <sup>۵</sup>IPC اتفاق افتاد، یک نوع مطالبه‌گری بود؛ بنابراین اصل مسئله مطالبه‌گری وجود دارد؛ اما اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی یک دغدغه را برای ساماندهی فضای مطالبه‌گری در انقلاب اسلامی مطرح کرده است. [اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی] به

۲/۱. مقابله با آثار سوء  
تصمیم‌های مسئولین؛ فرض اول  
فضای مطالبه‌گری

۳. ر.ک: ۱. مجلس ششم از تقلب تا تحسن؛ روح‌الله اژدری، ۱۳۹۴، انتشارات قدر ولایت/۲. اصلاح‌طلبی سکولار؛ مهدی جمشیدی، ۱۳۹۲، انتشارات ستوس

۴. خطبه نماز جمعه آن است که از دل و مغز فعال امام‌جمعه می‌جوشد و تراوش می‌کند، بر زبان او می‌آید و بایان بلیغ و فصیحی، برحسب نیاز مردم، آن را به مردم منعکس می‌کند. هر وقتی یک خلأیی وجود دارد، هر وقتی یک نیازی وجود دارد؛ این نیاز را باید شناخت. باید آن چیزی را هم که این نیاز را برطرف می‌کند شناخت؛ آن داروی فکری، آن طعام فکری و تغذیه فکری‌ای هم که این نیاز را برطرف می‌کند و اشباع می‌کند طرف مقابل را باید شناخت و بایان خوب بایستی بیان کرد. این آن چیزی است که به نظر من، در مورد مسئله امامت جمعه سراسر کشور ۱۳۹۴/۱/۱۴

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۹۴/۱/۱۴

۵. ر.ک: عصر نفت - ۱۳۹۵/۶/۲۳؛ چرا IPC سراب سرمایه‌گذاری است؟ و همچنین: مستند من تکنوکرات هستم، سفیر فیلم



دنبال این است که با ارائه طرح‌ها و مدل‌های متفاوت، مفهوم مطالبه‌گری را از مطالبه‌گری مصداقی به مطالبه‌گری در حد الگوهای اداره جامعه ارتقا دهد.

چرا ما باید فضای مطالبه‌گری را ارتقا دهیم؟ چون دو فرض وجود دارد؛ فرض اول این است که مسئولین در اثر فقدان تصمیم‌سازی و مطالبه‌گری صحیح، تصمیم غلطی را اتخاذ کنند و ما فضای مطالبه را در جهت مقابله با آثار سوء تصمیمات گرفته‌شده مدیریت کنیم. در حال حاضر وضعیت، تقریباً به این شکل است؛

۲/۱/۱. تدوین نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا و مقابله با آن پس از اجرا؛ نمونه‌ای از فرض اول مطالبه‌گری

یعنی مثلاً ما ابتدا در اثر غفلت‌های خودمان اجازه می‌دهیم که مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا<sup>۱</sup> را تدوین نماید و در این مرحله هیچ نوع مطالبه و تصمیم‌سازی توسط جبهه انقلاب اسلامی اتفاق نمی‌افتد؛ اما بعد از اینکه دولت یازدهم بر سر کار می‌آید و نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا را مبنای عمل قرار می‌دهد و در اثر عمل به این نظریه در رأکتور اراک سیمان ریخته می‌شود، تازه افکار عمومی جامعه متوجه عمق فاجعه شده و در این مرحله به مطالبه‌گری ورود پیدا می‌کنند.

۲/۲. مقابله با تفکرات ضد جهت انقلاب اسلامی، پیش از تبدیل شدن آن‌ها به تصمیم؛ فرض دوم مطالبه‌گری

ولی اگر بخواهیم فنی‌تر رفتار کنیم بهتر است زمانی که در نظام اندیشه‌های مدیران ما سیمان ریخته شده و نظام اندیشه‌های مدیران ما مسدود می‌شود<sup>۲</sup> مطالبه‌گری را آغاز کنیم.

۲/۲/۱. شناخت زمان‌های شکل‌گیری تصمیمات، برای پایش و تصحیح آن‌ها؛ مهم‌ترین اصل در تحقق فرض دوم

آفت‌ها در نظام تصمیم‌سازی از کجا ایجاد می‌شود؟ زمانی که مسئول در حال تصمیم‌گیری است. پس شما باید فضای تصمیم‌سازی را در لحظه و فصلی که مسئولین تصمیم می‌گیرند مدیریت کنید تا جلوی برخی معایب از ریشه گرفته شود.

۲/۳. مقابله با مبانی تفکرات ضد جهت، پیش از ورود آن‌ها به عرصه تصمیم‌سازی؛ فرض سوم فضای مطالبه‌گری

یا اینکه یک گام بالاتر بروید و وقتی تئوری‌های غلط در دانشگاه‌های ما مطرح می‌شوند، این تئوری‌ها را با نظام سؤالات به چالش بکشید تا اساساً پرورش نیروی انسانی مبتنی بر تفکرات غلط غربی به چالش کشیده شود. این کار، بنیادین‌تر است. به‌عنوان مثال بنده همیشه از دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام تقاضا کرده‌ام که دوره چهل‌روزه‌ای را برگزار کنند تا کلیات منکیو<sup>۳</sup> را در حوزه اقتصاد نقد کنیم، یعنی دقیقاً زمانی که دانشجویی ما در حال یادگرفتن این است که چگونه در حوزه اداره جامعه عمل کند و فکر اسلامی را از غیر اسلامی تشخیص دهد؛ ما بیست سؤال از منکیو و

۶. ر.ک: مقاله اصلی مجموعه مقالات کنفرانس ملی چشم‌انداز بیست‌ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، اسفند

۱۳۸۶

۷. *امام خامنه‌ای*: هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید *(بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۵/۱)*... ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ *(بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶)*

۸. نیکلاس جورج منکیو (Nicholas Gregory Mankiw)؛ متولد ۱۹۵۸ در نیوجرسی آمریکا. دکترای اقتصاد از دانشگاه پرینستون؛ صاحب دو کتاب اقتصاد خرد و اقتصاد مقدماتی؛ اصلی‌ترین نظریه‌پرداز مکتب نئوکینزی‌ها



طرفداران منکیو بیرسیم. اگر ما این کار را انجام دهیم پرورش نیروی انسانی بر اساس فکر غربی را به چالش کشیده‌ایم.

۲/۲/۱/۱. تدوین یک گزارش راهبردی، تشکیل ستاد پرورش افکار در فصل تدوین برنامه ششم و تبیین جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی برای نمایندگان؛ نمونه‌ای از تحقق فرض دوم

یا اینکه حداقل یک گام جلوتر بیاوریم و زمانی که مدیران تصمیم می‌گیرند -مثلاً زمانی که فصل تدوین برنامه ششم است - یک گزارش راهبردی برای نمایندگان مجلس منتشر کرده و اشکالات برنامه ششم را بگوییم و اجازه ندهیم که آن‌ها تصمیم غلط بگیرند. زیننده جبهه فکری - فرهنگی انقلاب نیست که اجازه دهد تصمیماتی گرفته شوند و مطالبه‌گری را به آثار سوء ناشی از تصمیمات مبتنی بر توسعه غربی محدود کند. البته بنده نمی‌گویم این روند مطالبه‌گری متوقف شود، بلکه می‌گویم اکتفای به این حد، کار غلطی است. اگر به حافظه تاریخی خود مراجعه کنید، حتماً این خبر پیدا می‌شود که در یک‌شب (چند شب) سرد زمستانی، جنبش عدالت‌خواه تهران مقابل شهرداری تهران رفته و به هیئت کارتن‌خواب‌ها درآمدند و شب تا صبح لرزیدند و خبر این حرکت، رسانه‌ای شد و پس از آن مسئله گرم‌خانه‌ها در شهر تهران به صورت جدی‌تر مورد توجه مسئولین قرار گرفت<sup>۹</sup>. خُب حالا این کار، کار خوبی بود یا بد؟ قطعاً کار خوبی بود؛ یعنی این نوع از مطالبه‌گری باعث شد که مسئولین ما به کارتن‌خواب‌ها توجه کنند. ولی سؤال اصلی این است که این کارتن‌خواب‌ها و این فقرای مطلق محصول چه چیزی هستند؟ اگر قدری دقت کنید متوجه خواهید شد که محصول برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه غربی هستند؛ چراکه توسعه غربی فقر تولید می‌کند.<sup>۱۰</sup> خُب ما در کوتاه‌مدت باید اقداماتی مثل اقدامات جریان عدالت‌خواه را انجام دهیم. من همین‌جا به شما این وعده را بدهم که ان‌شاءالله قرار است به کمک شما یکی از این اقدامات کوتاه‌مدت را انجام دهیم؛ برای اینکه به این مسئله توجه ایجاد کنیم که چه فاجعه‌ای توسط جریان توسعه‌گرا در کشور رقم می‌خورد و چه مشکلاتی ایجاد می‌گردد. باید این کارها را انجام داد؛ ولی وقتی فکر می‌کنیم، می‌بینیم ریشه‌هایی نیز وجود دارد؛ مثلاً ریشه تولید محرومیت و فقر، برنامه‌های [پنج‌ساله] توسعه است.

### ۳. مراقبت از عدم محدودسازی مطالبات به مشکلات مصداقی و توجه ویژه به ریشه ایجاد مشکلات

پس باید موقع تدوین برنامه‌های توسعه ستاد پرورش افکار درست کنیم برای اینکه مسئولین را متوجه آفات ضد عدالت، ضد خانواده و ضد سایر شاخص‌های هویت اسلامی برنامه‌های توسعه کنیم.

۹. ۵ شب کارتن‌خوابی دانشجویان جنبش عدالت‌خواه در مقابل شهرداری و استانداری تهران و کمیته امداد امام خمینی جهت اعتراض به عدم سامان بخشی کارتن‌خواب‌های تهران در آذر ۱۳۸۳ منجر به ایجاد گرم‌خانه‌هایی برای اسکان کارتن‌خواب‌ها در شب‌های سرد سال شد.

۱۰. الف) به عنوان نمونه می‌توان به کتاب بانکداری فقرا اثر محمد یونس رجوع نمود؛ در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «به هر جا که رجوع می‌کردم نسخه‌ها و کاربرگ‌های بانک جهانی را به عنوان تنها کمک به من نشان می‌دادند در حالی که وقتی در آمریکا بودم با کارشناسان این نهاد بارها حرف زده بودم و می‌دانستم که مراجعه به نسخه بانک جهانی یعنی افتادن در دره عمیق فقر...» *بانکداری فقرا: محمد یونس، دفتر نشر معارف؛ ص ۹۳.*

ب) *برنامه‌های بانک جهانی در کره جنوبی؛ کره جنوبی از سال ۱۹۸۶ دیگر هیچ‌یک از برنامه‌های بانک جهانی را به علت گسترش وابستگی و فقر اقتصادی عملیاتی نکرد و به فکر تدوین یک برنامه بومی افتاد:*

*World Bank (1979), the east Asian miracle, economic growth and public policy, oxford university press, New York*

ج) گسترش فقر توسط برنامه‌های توسعه در آفریقا:

*Poverty and Development in Africa* و <http://www.theafricanmagazin.org/weaknesses.php>



ببینید! حرف بنده این است که باید مطالبه‌گری را یک‌قدم ارتقا دهیم. خُب حالا چگونه ما در فصل تصمیم‌گیری مسئولین مطالبه‌گری کنیم و چگونه تصمیم‌سازی کنیم؟ قالب این تصمیم‌سازی، گزارش راهبردی است که بنده می‌خواهم در این جلسات آن را توضیح دهم.

یا اینکه -همان‌طور که عرض کردم- یک گام بالاتر رفته و تئوری‌های حاکم بر تصمیم‌گیری مسئولین توسعه‌گرا را به چالش بکشیم؛ یعنی به دانشگاه‌ها رفته و نظامی از سؤالات جهت‌ساز را در آنجا پردازش کنیم تا نظریات و تئوری‌های حاکم بر جریان توسعه‌گرا در خود دانشگاه به چالش کشیده شود. پس مطالبه در هر سه سطح متصور است. لذا این سلسله جلسات، جلسات بسیار مهمی است؛ بنده خواهش می‌کنم توجه کنید! اگر مقدمات، تدوین و انتشار این جلسه به نحو عالی صورت گیرد، ما به جبهه فکری - فرهنگ انقلاب یک توجهی داده‌ایم مبنی بر اینکه حتماً باید نسبت به ارتقای مفهوم مطالبه‌گری و تصمیم‌سازی یک تحول جدی رخ دهد. حالا البته ممکن است بعداً اندیشمندان دیگری بیایند و مثلاً ارتقای مفهوم مطالبه‌گری را دقیق‌تر از نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث کنند، مشکلی ندارد؛ ولی اصل ماجرا این است که ما نباید جریان مطالبه‌گری را به مصادیق و مشکلاتی که الآن به صورت مصداقی وجود دارد محدود کنیم، باید به ریشه‌ها هم پردازیم.

ریشه‌ها هم دو چیزند: ۱. نظریات مولد مصادیق ضد عدالت و ضد خانواده و ۲. تصمیمات مولد آن. تصمیمات مولد را به وسیله گزارش راهبردی به چالش می‌کشیم و نظریات مولد محرومیت، فاصله طبقاتی و فروپاشی نهاد خانواده را با نظام سؤالات به چالش خواهیم کشید. من خواستم به‌عنوان ورودی بحث عرض کنم که مفهوم گزارش راهبردی ابزاری برای مطالبه‌گری از مسئولین در فصل تدوین تصمیمات آنان است.

مشهورترین فصل‌های تصمیم‌گیری مسئولین هم دو زمان هستند؛ البته اختصاصی به این‌ها ندارد ولی این دو مشهورند. یکی بودجه‌های سالیانه است که مهم‌ترین تصمیم در سال محسوب می‌شود و جبهه فکری فرهنگی انقلاب باید نسبت به این مقوله عکس‌عملی بسیار جدی از خود نشان دهد. یکی هم برنامه‌های توسعه پنج‌ساله<sup>۱۱</sup> است، در کشور ما برنامه‌های میان‌مدت، پنج‌ساله هستند؛ در این‌ها هم باید دقت اتفاق بیفتد. ما از این نوع از مطالبه -یعنی مطالبه‌ای که در زمان اتخاذ تصمیم انجام می‌گردد- به نوشتن گزارش راهبردی تعبیر کرده‌ایم؛ این نکته اول.

#### ۴. بهینه نمودن وضعیت مطالبه‌گری در جمهوری اسلامی، یک ستون از ۹ ستون حاضر در نقشه راه

پس از مجموع نه ستون موضوعات مطرح در اولین نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک ستون برای بهینه کردن وضعیت مطالبه‌گری در جمهوری اسلامی تعریف شده است؛ این نکته اول بحث بود.

۳/۱. وجود نظریات مولد  
۳/۱/۱. گزارش راهبردی، ابزار به چالش کشاننده تصمیمات و تشکیل نظام سؤالات حفظ جهت، ابزار به چالش کشاننده نظریات مولد

۲/۲/۱/۲. فصل تدوین بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های پنج‌ساله، مهم‌ترین فصل‌های تصمیم‌گیری مسئولین

۱۱. برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به مجموعه برنامه‌های میان‌مدتی گفته می‌شود که به صورت پنج‌ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. جهت اطلاعات بیشتر به سایت مرکز پژوهش‌های مجلس بخش قوانین و مقررات، برنامه‌های توسعه ۵ ساله مراجعه فرمایید.





نکته دومی که باید عرض کنم این است که ما همیشه در جلساتِ دیگر گفته‌ایم که گزارش راهبردی، تدوین<sup>۱۲</sup> را بهینه می‌کند و در نقطه اوجِ تدوین قرار دارد. الآن با توضیحاتی که عرض کردم معنای این موضوع واضح‌تر می‌شود؛ یعنی یک کارشناس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در گام سوم کارشناسی خود روش نوشتن را به‌نحوی که بر تصمیمات مسئولین تأثیر بگذارد یاد می‌گیرد.

##### ۵. جایگاه گزارش راهبردی به‌عنوان نقطه اوج تدوین در مرحله سوم از فرایند تربیت کارشناس

اگر شما فرآیند پنج‌گانه تربیت کارشناس را مدنظر قرار داده و الآن تصور کنید، باید بدانید که این گام سوم - یعنی تدوین ناظر بر تأثیرگذاری بر تصمیمات مسئولین - به تحقق گام چهارم [کارشناسی] کمک می‌کند؛ گام چهارم، گام نظام مقایسه است؛ یعنی اگر شما بخواهید وارد فضای نظام مقایسه شود حتماً به‌عنوان زیرساختِ نظام مقایسه، باید قدرتِ نوشتن گزارش‌های راهبردی را داشته باشید.

ببینید! بحث را واضح‌تر کنم: ما در بسته بحثی‌ای که در نقشه راه برای تعریف فرآیند کارشناسی داریم، یک سؤال مطرح کرده‌ایم و شما با این سؤال آشنا هستید. ما سؤال پرسیده‌ایم که کارشناس و فقیه کیست؟ این سؤال، سؤال سوم از هرم سؤالاتِ اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است؛ یعنی وقتی یک نفر وارد فضای کارشناسی الگوی پیشرفت اسلامی می‌شود ما در ابتدا بحثی را برای او مطرح می‌کنیم تحت این عنوان که اساساً الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ این بسته اول مباحث است و در این بسته خود الگوی پیشرفت را برای

او توضیح می‌دهیم و می‌گوییم که الگوی پیشرفت اسلامی، ابزار دولت‌سازی است و بدون الگوی پیشرفت جامعه‌سازی اتفاق نمی‌افتد و غیره؛ این یک بسته از مباحث است.

در بسته دوم مباحث، این موضوع را مطرح می‌کنیم که الگوی پیشرفت باید چه فرآیندی را طی کند تا محقق شود یا اصطلاحاً بسته افق‌نمایی [را شرح می‌دهیم]. بعد از این دو بسته، وارد بسته تربیت کارشناس می‌شویم تا به فردِ علاقه‌مند به الگو توضیح دهیم که چگونه باید کار پژوهشی انجام دهد تا کارشناس الگو شود. ما در این بسته پنج مرحله را تعریف می‌کنیم تا یک نفر کارشناس شود؛

علت اینکه بسته تربیت کارشناس را به‌عنوان بسته سوم معرفی می‌کنیم چیست؟ علت این است که مدل تربیت کارشناس با نگاه الگو یک مدل مبتنی بر اختیار هست، یعنی دستور اسلام مبنی بر اینکه مواظب محتواهای آموزش‌تان باشید یک دستور شخصی بوده و قابل تفویض نیست. خواهش می‌کنم کمی بیشتر دقت کنید! هم در حوزه‌های علمیه و هم در دانشگاه‌ها یک اشتباه در حال رخ دادن است؛ کسی که می‌خواهد کارشناس شود، فرآیند کارشناسی و محتوای کارشناسی را به اساتید و مدیران خودش تفویض می‌کند. درحالی‌که ما در قرآن داریم « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ »؛<sup>۱۳</sup> خود انسان باید « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ » باشد و خود دقت کند که چه چیزی به او خورانده می‌شود. طبق

۱۲. رک: جزوه راهنما(راهنمای تدوین کارشناسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، متن جلسه تبیین افق تدوین توسط حجت الاسلام کشوری(دبیر شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، آذر ۱۳۹۴ است که در آن به تبیین افق کمیته تدوین اشاره شده است.

۱۳. سوره مبارکه عبس، آیه ۲۴

روایت، مراد از طعام در این آیه قرآن، علمی است که انسان یاد می‌گیرد<sup>۱۴</sup>. معنای این روایت آن است که خود کسی که می‌خواهد فقیه و کارشناس شود توجه کند که در هر لحظه چه چیزی را یاد می‌گیرد. لذا اینکه برخی نظام آموزشی را از پیش می‌نویسند و بعد دیگران را وادار می‌کنند که در این ساختار درس بخوانند، خلاف این توصیه صریح است. نظام آموزشی باید به شکلی باشد که خود کسی که قرار است کارشناس یا فقیه گردد را از ابتدا این فرآیند کارشناسی آشنا کند. همان‌طور که عرض کردم این موضوع یک تکلیف قابل تفویض نیست؛ بلکه خود شما باید دقت کنید که چه چیزی به شما خورنده می‌شود، اعتماد در این قضیه جایز نیست. لذا وقتی شما باب روایات کتاب منیة‌المرید<sup>۱۵</sup> را مشاهده می‌کنید [این موضوع را می‌بینید]. البته منیة‌المرید بخشی از روایات تعلیم و تعلم را تجمیع کرده است و شما باید بخش دیگر را در سایر مجامع روایی بیابید و مطالعه کنید<sup>۱۶</sup>.

به فهم فقهی بنده مراحل کارشناس شدن پنج مرحله است، یعنی نظام کارشناسی پنج مرحله دارد. مرحله اول، حسن‌الاستماع است، مرحله دوم تضارب، مرحله سوم، مرحله تدوین یا کتابت است، مرحله چهارم نظام مقایسه و پنج‌مین مرحله نیز مرحله حسن‌السؤال محسوب می‌شود؛ یعنی ما چه کرده‌ایم؟ به کسی که می‌خواهد مراحل تربیت کارشناس را طی کند گفته‌ایم خودت باید بر روی این مراحل مواظبت کنی تا بتوانی آن‌ها را به انتها برسانی، برخلاف همه روال‌های آموزشی که الآن وجود دارد. من نمی‌فهمم که چرا خلاف آیات و روایاتمان عمل می‌کنیم؟! همچنین متوجه نمی‌شوم چرا افراد وقتی می‌خواهند غذا بخورند خودشان در مورد غذا تفحص جدی می‌کنند ولی وقتی قرار است وارد مباحث علمی شوند این را به‌صورت جدی تفویض می‌کنند؟! معنای این کار چیست؟ یعنی مسئولیت آموزش و علم‌آموزی به عهده اساتید و مدیران ما است که این نگاه خلاف ظهور آیه و روایت است. در آن روایت عجیب فرمودند: مواظب باشید که پای درس چه کسی می‌نشینید؛ زیرا پای درس هرکسی نشستن یا به معنای عبادت الله است و یا به معنای عبادت شیطان<sup>۱۷</sup>. مسئله

۵/۴/۲. پنج مرحله فرایند کارشناسی شامل: حسن‌الاستماع، تضارب، تدوین، نظام مقایسه، حسن‌السؤال؛ لزوم مراقبت شخصی کارشناسان از طی شدن مراحل کارشناسی

۵/۴/۲/۱. انتخاب عبادت الله یا عبادت‌الشیطان؛ علت تأکید بر مراقبت فردی از محتوا و مراحل کارشناسی

۱۴. الإمام الباقر عليه السلام - في قوله تعالى «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» - : عِلْمِهِ الَّذِي يَأْخُذُهُ وَمِمَّنْ يَأْخُذُهُ.

امام باقر عليه السلام درباره آیه «انسان باید به خوراک خود بنگرد» - فرمود: یعنی دانشی را که می‌آموزد، مواظب باشد از چه کسی فرا می‌گیرد.  
برقی، احمد بن محمد بن خالد، تاریخ وفات: ۲۷۴ ق یا ۲۸۰ ق، المحاسن، محقق / مصحح: محدث، جلال‌الدین، دارالکتب الاسلامیة، قم، ج ۱، ص: ۲۲۰

۱۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، تاریخ وفات: ۹۶۶ ق، منیة‌المرید، محقق / مصحح: مختاری، رضا ناشر، مکتب‌الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق

۱۶. البته منیة‌المرید جزء کتب جانبی حوزوی هست و طلبه‌ها آن را می‌خوانند؛ ولی نظام آموزشی ۱۸۰ درجه خلاف این توصیه‌ها عمل می‌کند؛ خصوصاً نظام آموزشی‌ای که الآن دارد باب می‌شود. قبلاً در حوزه‌ها این‌گونه بود که طلبه خودش استاد خودش را انتخاب می‌کرد؛ این ساختار به روایاتی که گفتم نزدیک‌تر است. طلبه باید خودش مراحل کارشناسی را در ذهنش تصویر کند، اصلاً نظام آموزشی باید این‌ها را به او بگوید. لذا ان‌شاءالله بعدها که خواستیم حوزه علمیه و دانشگاه مطلوب اسلامی راه بیندازیم، شرح تفصیلی روایات کتاب منیة‌المرید جزء اولین مباحثی است که دانش‌آموزان و طلبه‌ها باید یاد بگیرند؛ چون قواعد علم‌آموزی، جدال احسن، بحث، مباحثه، تضارب و چگونگی ارتباط با استاد را بحث کرده است؛ بنابراین عرض بنده این است که [فرایند تربیت کارشناس]، یک تکلیف شخصی است و لذا ما در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سعی کرده‌ایم به این توصیه‌ها عمل کنیم. چطور این کار را انجام داده‌ایم؟ در بسته سوم مباحث - یعنی هنوز وقتی که کارشناس به‌صورت عمیق وارد مباحث الگوی پیشرفت نشده است - به او می‌گوییم مسئولیت دوران کارشناسی با خود شماست و قابل تفویض به مدیران دوره کارشناسی نیست. لذا روی این مبنا پنج مرحله کارشناسی تعریف کرده‌ایم.

۱۷. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْأَزْمِنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَصْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.



خیلی مهمی است. ما را در مهم‌ترین مصداق تدبیر<sup>۱۸</sup>، به تدبیر در حوزه علم دعوت کرده‌اند. باید با خود فکر کنیم که آیا هم‌اکنون که پای درس این فرد نشستیم این کار در نهایت به عبادت شیطان منتهی می‌شود یا نهایت آن به عبادت الهه؟ در واقع این، معنای همان روایت پیامبر است که فرمود: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُنْ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَإِنْ يَكُنْ غَيًّا فَانْتَهُ»<sup>۱۹</sup>. حضرات معصومین روایت را به ما فرموده‌اند و در ادامه با حوزه علم نیز تطبیق داده و فرموده‌اند مواظب باشید که پای درس چه کسی می‌نشینید؛ زیرا انتهای این علم‌آموزی یا عبادت الهه است که مصداق رشد است و یا انتهای آن عبادت شیطان می‌شود که این مصداق غی است. ما به جای آنکه گروه هدف خود را به تدبیر در عاقبت دوره کارشناسی‌ای که می‌خواهد طی کند - چه در حوزه چه در دانشگاه - دعوت کنیم به او می‌گوییم شما بیاید این سرفصل‌های درسی را بیاموزید، امتحان بدهید تا ما به شما مدرک بدهیم؛ یعنی ما جامعه را وادار نمی‌کنیم که سطح تدبیر و فکر او ارتقا پیدا کند. البته بنده در این مقام نیستم که پنج مرحله کارشناسی را توضیح دهم، بلکه این نکته مهم را عرض می‌کنم که علت اینکه بسیاری از طلبه‌ها و دانشجویان ما یک مسیر علمی را می‌پیمایند اما وقتی با آن‌ها مصاحبه کنید می‌گویند: ای کاش این مسیر را نمی‌آدم، علت اصلی نظام آموزشی است و متأسفانه در ادامه هم نمی‌توان آن را جبران نمود.

الگوی پیشرفت اسلامی فرد را دعوت می‌کند که در دوره کارشناسی تدبیر کرده و ببیند می‌خواهد چه چیزی را طی کند. اگر این تدبیر به معنای واقعی توسط فردی جدی گرفته شد - البته وظیفه مدیران آموزشی این است که این مطلب را به دانش‌آموختگان خود بگویند - جای گزارش راهبردی مشخص می‌شود؛ ما می‌گوییم در گام سوم کارشناسی شما توفیق پیدا می‌کنید که مطلب خود را به گونه‌ای ارائه نمایید که بر تصمیمات غلط مسئولین تأثیر بگذارد و این یک توانمندی سطح بالاست که ما در دوره انقلاب اسلامی به آن نیاز داریم.

همان‌طور که بنده در جزوه افق‌نمایی و در همان جلسه افق‌نمایی برای کمیته تدوین بحث کردم، نوشتن گزارش راهبردی افق کمیته تدوین است؛ یعنی اگر کسی بخواهد مرحله کتابت و تدوین - که سومین مرحله تربیت کارشناس است - را به نحو احسن به اتمام برساند، باید قدرت نوشتن گزارش راهبردی را پیدا کند.

---

هر که به گوینده‌ای گوش سپارد، او را بندگی کرده است؛ اگر آن گوینده از خداوند عزوجل بگوید شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از طرف شیطان بگوید شیطان را عبادت کرده باشد.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص: ۴۳۴

۱۸. تدبیر سومین سطح از سطوح پنج‌گانه تفکر است. تفکر دارای ۵ سطح است: تأمل، تعقل، تدبیر، تجرب و تفقه  
 ۱۹. «إِنَّ رَجُلًا آتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: لَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؟» حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ الرَّجُلُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَاتِنِي إِذَا أُوصِيْتُ، إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُنْ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَإِنْ يَكُنْ غَيًّا فَانْتَهُ عَنْهُ.» «مردی از رسول خدا ﷺ درخواست کرد تا او را نصیحت کند. پیامبر فرمود: آیا اگر تو را نصیحت کنم به آن عمل می‌کنی؟ سه مرتبه این سؤال را از آن شخص پرسیدند و او هر سه بار عرضه داشت: بله؛ یا رسول الله ﷺ فرمودند: به تو سفارش می‌کنم اگر تصمیم بر کاری گرفتی، به عاقبت آن بیندیش؛ پس اگر آن کار باعث رشد و پیشرفت تو بود به آن عمل کن و اگر باعث توقف و انحراف بود، از آن صرف نظر کن»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، محقق / ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۴۹.

امروز بحث کردم که چرا گزارش راهبردی مهم است؛ یعنی [در صورت نوشتن گزارش راهبردی] در حالی که هنوز سطح چهارم و پنجم کارشناسی را طی نکردید، قدرت نوشتنی که منجر به تأثیرگذاری بر ذهنیت مسئولین می‌شود را پیدا می‌کنید؛ یعنی زیرساخت مرحله نظام مقایسه را به دست می‌آورید. این، نکته مهمی است.

#### **۶. عدم وجود قدرت اثرگذاری بر تصمیمات مسئولین ارشد نظام در مراحل تربیتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها؛ یکی از معضلات حال حاضر نظام آموزشی**

حالا بنده در اینجا سؤالی می‌پرسم؛ آیا در این ده سالی که طلبه‌های ما در حوزه‌های علمیه رایج درس می‌خوانند، این قدرت تبلیغی برای آن‌ها ایجاد می‌شود که بتوانند بر مسئولین به‌عنوان رأس نظامات اجتماعی تأثیر بگذارند؟ آیا کسانی که در دانشگاه درس می‌خوانند این قدرت را پیدا می‌کنند که بتوانند بر ذهنیت مسئولین، تأثیرگذاری در راستای جهت داشته باشند؟ این قدرت در سومین مرحله (کارشناسی الگو) حاصل می‌شود. این هم نکته دوم پیرامون فرایند مفهوم گزارش راهبردی در تربیت کارشناس؛ بنابراین گزارش راهبردی انتهای مرحله سوم دوره کارشناسی است. اگر مرحله سوم به نحو احسن اتفاق بیفتد، زیرساخت مرحله چهارم - نظام مقایسه - است.

ممکن است در اینجا سؤالی در ذهن افراد پیش بیاید و بنده در همین جا به این سؤال پاسخ بدهم. قدرت حسن‌السؤال - که ابزار مطالبه و تصمیم‌سازی در محیط‌های علمی است و نه در محیط‌های تصمیم‌گیری - چه زمانی ایجاد می‌شود؟ قدرت حسن‌السؤال در مرحله پنجم است که اسم آن را هم مرحله حسن‌السؤال گذاشته‌ایم؛ بنابراین قدرت تأثیرگذاری بر تصمیمات مسئولین در مرحله سوم کارشناسی به دست می‌آید و قدرت تأثیرگذاری در محیط‌های علمی در مرحله پنجم کارشناسی به دست می‌آید. توجه کنید که ما خیلی روشن در حال بحث از عاقبت دوره کارشناسی هستیم و دعوت می‌کنیم که در آن تدبیر کنند. کسانی که

۶/۱. مرحله سوم کارشناسی؛  
مرحله تأثیرگذاری بر ساختارهای  
اجرایی و مرحله پنجم کارشناسی؛  
مرحله تأثیرگذاری بر محیط‌های  
علمی کشور

می‌خواهند کارشناس شوند، باید تدبیر کنند و این عرایض بنده اختصاصی به بحث الگو ندارد؛ این، نگاه الگو برای حوزه آموزش است و همه باید همین‌گونه حرکت کنند. معنایی ندارد که چند هزار ساعت از وقت انسان‌ها را در دوره‌های آموزشی اتلاف کنیم و آن‌ها حتی قدرت تأثیرگذاری بر مسئولین و قدرت تأثیرگذاری بر حوزه‌های علمی را نداشته باشند.

#### **۷. اولویت مدیریت تحولات بر مدیریت ریشه‌های علمی، علت بالاتر بودن ضریب گزارش راهبردی بر بانک سؤالات جهت‌ساز**

حال ممکن است سؤال دیگری پیش بیاید که چرا در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضریب گزارش راهبردی ۴ و ضریب بانک سؤالات جهت‌ساز ۲ است؟ باینکه علی‌القاعده بانک سؤالات جهت‌ساز و فرآیند حسن سؤال ابزار مطالبه‌گری و تصمیم‌گیری در محیط‌های علمی بوده و محیط‌های علمی ریشه فضای مدیریتی هستند؛ بنابراین چرا فضای علمی را نسبت به فضای مدیریتی ضریب پایین‌تری

داده‌ایم؟ چرا گزارش راهبردی را با ضریب ۴ و بانک سؤالات را با ضریب ۲ تعریف کرده‌ایم؟ دلیل اولویت این مسئله به دلیل اولویت مدیریت تحولات نسبت به فضای علمی جامعه بازمی‌گردد؛ یعنی



همیشه در همه اعصار مدیریت تحولاتِ فعلی مهم‌ترین اولویت برای جبهه ایمان است؛ بنابراین گزارش راهبردی ضریب بالاتری پیدا کرده است.

البته در اینجا بحث‌های حاشیه‌ای دیگری هم مطرح است؛ اما بنده به همین‌ها اکتفا می‌کنم. ان‌شاءالله از جلسه فردا ما این بحث مهم - یعنی نحوه نوشتن گزارش راهبردی - را آغاز می‌کنیم. گزارش راهبردی، یکی از ابزارهای بهینه فضای مطالبه‌گری در جبهه فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی است. ۷/۱. توقف برنامه‌های توسعه و فعالیت‌های مبتنی بر الگوهای غربی با انتشار چند گزارش راهبردی استاندارد در سال

اگر ما بتوانیم در سال چند گزارش راهبردی منتشر کنیم، وزارتخانه‌ها و جریان توسعه‌گرا موفق نخواهند شد که به راحتی تئوری‌های غربی را مبنای تصمیماتشان در جمهوری اسلامی قرار دهند و در ادامه عارضه‌هایی ایجاد شود و بعد ما در یک حالت حداکثری بگوییم: چرا در شهر تهران ۴۲ درصد طلاق به وجود آمده است؟ این (طلاق) منشأ تصمیماتی بوده است و بنابراین بهتر است همان تصمیمات را به چالش بکشیم. این نکته مهمی است. این ضعف جبهه فکری - فرهنگی انقلاب و ضعف حوزه‌های علمیه است که نمی‌تواند تصمیمات غلط منجر به چالش کشیده شدن شاخص‌های هویت اسلامی را مدیریت کند. این مسئله مهمی است که باید به آن توجه کنیم. خاصیت گزارش راهبردی ارتقای فضای تصمیم‌سازی است.

از طرف دیگر هم اگر به گزارش راهبردی توجه کنیم مفهوم کارشناسی در ذهن‌ها عینی‌تر می‌شود. واقعاً چه کسی کارشناس است؟ بنده از اعضای حاضر در جلسه و تمامی افرادی که صوت و متن جلسه را بررسی خواهند کرد می‌پرسم که آیا ما می‌توانیم در حوزه و دانشگاه به فردی کارشناس بگوییم درحالی که قدرت تأثیرگذاری بر تصمیمات غلط مسئولین را ندارد؟ به نظر بنده این فرد کارشناس نیست، کارشناس کسی است که قدرت هدایت داشته باشد و بتواند تصمیمات غلط را به چالش بکشد. کارشناس و فقیه کسی نیست که فقط تصمیم غلط یا درست را بداند، بلکه باید قدرت اقامه تصمیم درست را هم داشته باشد. قدرت اقامه در سطح مسئولین توسط گزارش راهبردی تئوریزه شده است. ان‌شاءالله این موضوع را بحث خواهیم کرد و از جلسه فردا وارد بحث می‌شوم و خود مفهوم گزارش راهبردی و نحوه نوشتن آن و ماهیت آن را بیشتر تبیین می‌کنم.

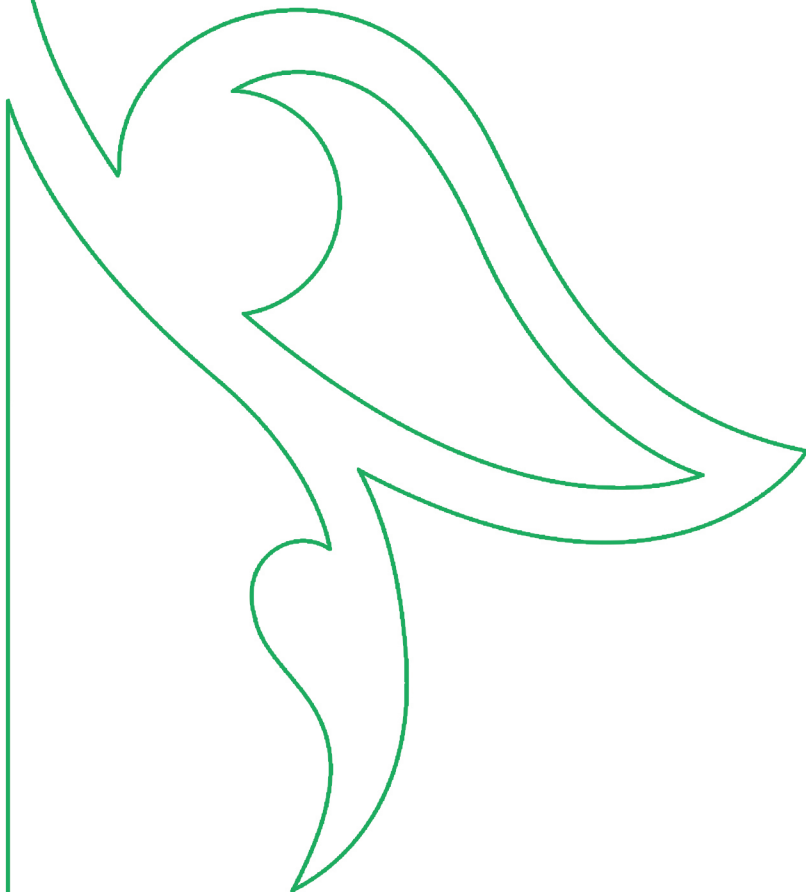
و صلی‌الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ



### فهرست تفصیلی

۱. گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقاء مطالبه‌گری جریان آرمان‌خواه در فضای فکری انقلاب اسلامی ..... ۱
- ۱/۱. «گزارش راهبردی، بانک سؤالات جهت‌ساز، کارنامه‌خوانی» سه سطح اصلی مطالبه‌گری در فضای انقلاب اسلامی ..... ۱
- ۱/۱/۱. گزارش راهبردی؛ ابزار تصمیم‌سازی مسئولین، پس از تصدی مسئولیت ..... ۲
- ۱/۱/۲. طرح پرسش جهت‌ساز؛ ابزار تغییر جهت در بخش‌های علمی و ایجاد زمینه برای تحول در علوم انسانی ..... ۲
- ۱/۱/۳. کارنامه‌خوانی؛ ابزار مطالبه‌گری جهت‌گیری صحیح و مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی از نامزدهای انتخاباتی ..... ۲
- ۱/۱/۱/۲. تعریف گزارش راهبردی به‌عنوان ابزار حفظ جهت‌گیری مسئولین بر مبنای اصول نظام ..... ۳
۲. ارتقاء مفهوم مطالبه‌گری از مطالبه‌گری مصداقی به مطالبه‌گری بر مبنای الگوهای اداره جامعه؛ پیشنهاد نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۳
- ۲/۱. مقابله با آثار سوء تصمیم‌های مسئولین؛ فرض اول فضای مطالبه‌گری ..... ۳
- ۲/۱/۱. تدوین نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا و مقابله با آن پس از اجرا؛ نمونه‌ای از فرض اول مطالبه‌گری ..... ۴
- ۲/۲. مقابله با تفکرات ضد جهت انقلاب اسلامی، پیش از تبدیل شدن آن‌ها به تصمیم؛ فرض دوم مطالبه‌گری ..... ۴
- ۲/۲/۱. شناخت زمان‌های شکل‌گیری تصمیمات، برای پایش و تصحیح آن‌ها؛ مهم‌ترین اصل در تحقق فرض دوم ..... ۴
- ۲/۳. مقابله با مبانی تفکرات ضد جهت، پیش از ورود آن‌ها به عرصه تصمیم‌سازی؛ فرض سوم فضای مطالبه‌گری ..... ۴
- ۲/۲/۱/۱. تدوین یک گزارش راهبردی، تشکیل ستاد پرورش افکار و تبیین جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی؛ نمونه‌ای از تحقق فرض دوم ..... ۵
۳. مراقبت از عدم محدودسازی مطالبات به مشکلات مصداقی و توجه ویژه به ریشه ایجاد مشکلات ..... ۵
- ۳/۱. وجود نظریات مولد مصادیق ضد عدالت و خانواده و همچنین تصمیمات مبتنی بر این نظریات؛ دو عامل ریشه‌ای ایجاد مشکلات ..... ۶
- ۳/۱/۱. گزارش راهبردی، ابزار به چالش کشاندن تصمیمات و تشکیل نظام سؤالات حفظ جهت، ابزار به چالش کشاندن نظریات مولد ..... ۶
- ۲/۲/۱/۲. فصل تدوین بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های پنج‌ساله، مهم‌ترین فصل‌های تصمیم‌گیری مسئولین ..... ۶
۴. بهینه‌نمودن وضعیت مطالبه‌گری در جمهوری اسلامی، یک ستون از ۹ ستون حاضر در نقشه راه ..... ۶
- ۵/۱. تدوین گزارش راهبردی، بستر ورود به مرحله نظام مقایسه به‌عنوان گام چهارم فرایند تربیت کارشناس ..... ۷
۵. جایگاه گزارش راهبردی به‌عنوان نقطه اوج تدوین در مرحله سوم از فرایند تربیت کارشناس ..... ۷
- ۵/۲. تشریح چستی و جایگاه الگوی پیشرفت، بسته اول مباحث الگوی پیشرفت ..... ۷
- ۵/۳. فرایند تحقق الگوی پیشرفت (بسته افق‌نمایی)، بسته دوم مباحث الگوی پیشرفت ..... ۷
- ۵/۴. ورود به بخش تربیت کارشناس پس از استماع دو بسته بحثی فوق، بسته سوم مباحث الگوی پیشرفت ..... ۷
- ۵/۴/۱/۱. غیرقابل تفویض بودن دقت در محتوای دریافتی افراد، به مدیران و اساتید ..... ۷
- ۵/۴/۱. رعایت اختیارات افراد پس از شناخت محتوای الگو؛ علت جانمایی بسته کارشناسی در مرحله سوم مباحث الگو ..... ۷
- ۵/۴/۲. پنج مرحله فرایند کارشناسی شامل: حسن‌الاستماع، تضارب، تدوین، نظام مقایسه، حسن‌السؤال؛ لزوم مراقبت شخصی کارشناسان از طی شدن مراحل کارشناسی ..... ۸
- ۵/۴/۲/۱. انتخاب عبادت‌الله یا عبادت‌الشیطان؛ علت تأکید بر مراقبت فردی از محتوا و مراحل کارشناسی ..... ۸
۶. عدم وجود قدرت اثرگذاری بر تصمیمات مسئولین ارشد نظام در مراحل تربیتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها؛ یکی از معضلات حال حاضر نظام آموزشی ..... ۱۰
- ۶/۱. مرحله سوم کارشناسی؛ مرحله تأثیرگذاری بر ساختارهای اجرایی و مرحله پنجم کارشناسی؛ مرحله تأثیرگذاری بر محیط‌های علمی کشور ..... ۱۰
۷. اولویت مدیریت تحولات بر مدیریت ریشه‌های علمی، علت بالاتر بودن ضریب گزارش راهبردی بر بانک سؤالات جهت‌ساز ..... ۱۰
- ۷/۱. توقف برنامه‌های توسعه و فعالیت‌های مبتنی بر الگوهای غربی با انتشار چند گزارش راهبردی استاندارد در سال ..... ۱۱
- ۷/۲. توانایی کارشناس شدن افراد؛ متوقف بر توانایی نگارش گزارش راهبردی ..... ۱۱

# جلسه دوم



گزارش راهبردی؛

نظام مفاهیم تقویت کننده تدبیر

## شناسنامه جلسه دوم

عنوان  
گزارش راهبردی؛  
نظام مفاهیم تقویت کننده تدبیر

تاریخ نشست  
۱۴ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۶ صفحه (قطع رحلی)

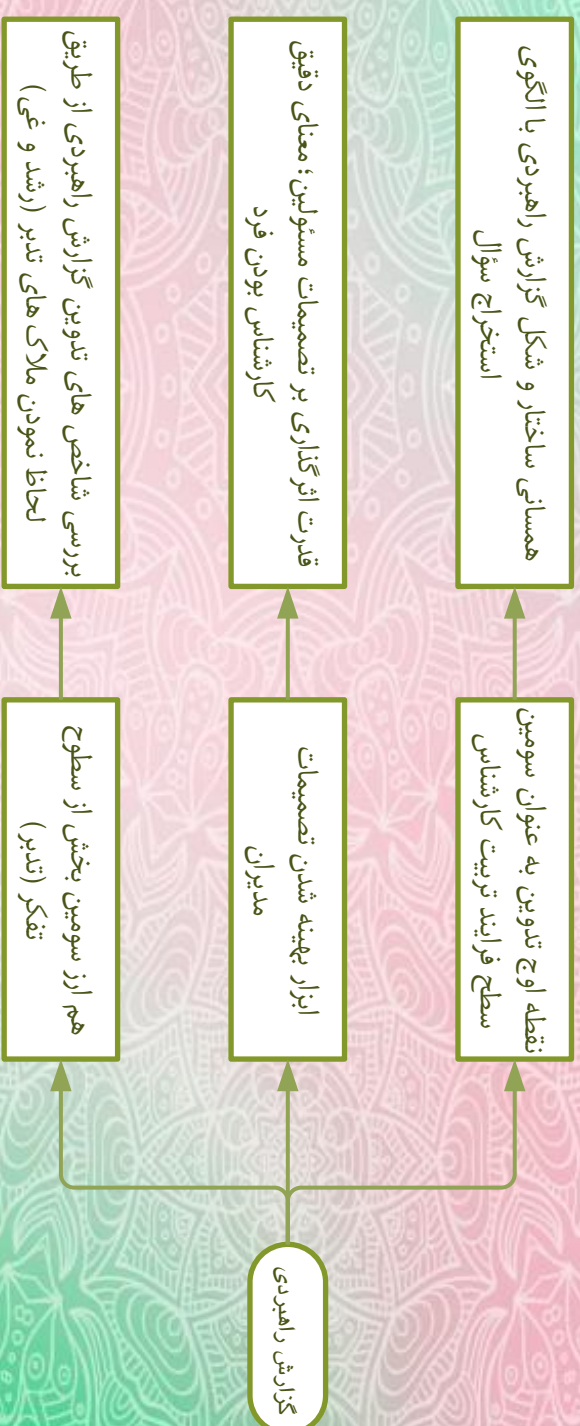
این جزوه متن پیاده شده دومین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "تعریف گزارش راهبردی به نظام مفاهیم تقویت کننده ی تدبیر" برگزار شد. در این جلسه دو مفهوم رشد و غی به عنوان ملاک های اصلی تدبیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. هم چنین جایگاه گزارش راهبردی در سطوح پنج گانه تفکر نیز بررسی شد.



## فهرست اجمالی

۱۷	۱. ارتقاء ظرفیت جریان مطالبه گر در جمهوری اسلامی و ارتقاء مفهوم کارشناسی دو کارکرد اصلی تدوین گزارش راهبردی
۱۸	۲. نظام مفاهیم منجر به ایجاد تدبیر در مسئولین؛ تعریف محوری گزارش راهبردی

## جلسه دوم: گزارش راهبردی؛ نظام مفاهیم تقویت کننده تدبیر





بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

### ۱. ارتقاء ظرفیت جریان مطالبه گر در جمهوری اسلامی و ارتقاء مفهوم کارشناسی دو کارکرد اصلی تدوین گزارش راهبردی

دیروز دو کارکرد گزارش راهبردی را بحث کردم. عرض کردم که گزارش راهبردی در درجه اول باعث ارتقاء ظرفیت جریان مطالبه گر در جمهوری اسلامی خواهد شد؛

زیرا مطالبه را از مصادیق ضد ارزش به مطالبه اصلاح تصمیمات مولد مصادیق ضد ارزش ارتقا می‌دهد. عرض کردم که به صورت کلی ما به ارتقاء ظرفیت در جبهه‌ی مطالبه گر نیاز داریم. هم‌اکنون مطالبه‌گری، به معنای مطالبه‌ی مصادیق ضد ارزش محسوب می‌شود. مثال‌هایی که جلسه قبل زدم بحث را روشن کرد. به طور مثال ما مطالبه می‌کنیم که با کارتن‌خوابی مبارزه شود، مطالبه می‌کنیم که برنامه‌ای برای کودکان کار ایجاد شود، مطالبه می‌کنیم که با فیش‌های حقوقی نجومی برخورد شود. خلاصه با مصادیق برخورد نموده و به آنها اعتراض می‌کنیم؛ در حالی که این مصادیق، زاییده تصمیماتی هستند.

۱/۱/۱. اهتمام به پردازش

حالا چگونه تصمیمات مولد این مصادیق ضد هویت اسلامی را بهینه کنیم؟ در پاسخ گفتیم که ابزار آن، گزارش راهبردی است. در کنار مطالبه‌ی مصادیق باید به صورت منظم گزارش‌های راهبردی را منتشر کرد تا مسئولین، تصمیمات غلط نگیرند. این، ضرورت اول بحث بود.

در کنار مطالبه‌ی مصادیق و نوشتن گزارش‌های راهبردی، پردازش سؤالات جهت‌ساز هم در فضای علمی، ماهیت مطالبه دارد. بنابراین در فضای نقشه راه سه نوع مطالبه را بحث می‌کنیم؛ یکی مطالبه‌ی هنگام تصمیم و مطالبه در فصل تصمیم‌گیری، یکی مطالبه در فضای علمی، یکی هم مطالبه‌گری

سؤالات جهت‌ساز در فضای

علمی و همچنین کارنامه‌خوانی

در فضای انتخابات در کنار

تدوین گزارش راهبردی؛ سه

سطح اصلی ارتقاء جریان

مطالبه‌گری



مطالبه در هنگام انتخاب مسئولین. ما این سه مطالبه را بحث کردیم. این سه نوع فعالیت به معنای فعلی مطالبه اضافه می‌شود؛ پس ارتقای ظرفیت اتفاق می‌افتد. این‌ها را دیشب بحث کردم. ضرورت دوم نوشتن گزارش راهبردی به ارتقای مفهوم کارشناسی باز می‌گردد؛ یعنی کسی که گزارش راهبردی می‌نویسد در واقع نسبت به کسی که نمی‌تواند گزارش راهبردی بنویسد کارشناس‌تر محسوب می‌شود. از این رو کسی که قدرت نوشتن گزارش راهبردی دارد می‌تواند بر تصمیمات غلط مسئولین تأثیر بگذارد. این یعنی قدرت اقامه پیدا کرده است، قدرت گسترش بحث خود را پیدا کرده است. بنابراین این بحث از حیث رشد مفهوم کارشناسی هم مهم است. شما سؤال می‌کنید چه کسی کارشناس است؟ تا الآن تصور بر این بوده کسی کارشناس است که بتواند بحث را تبیین کند؛ اما با این بحثی که اضافه می‌کنیم، معنای کارشناس ارتقا پیدا می‌کند. کارشناس کسی است که بتواند بحث را اقامه کند. از جمله ابزارهای اقامه همین بحث گزارش راهبردی است. این‌ها مطالبی بود که در جلسه گذشته بیان شد.

۱/۲. قدرت اثرگذاری بر تصمیمات غلط مسئولین (اقامه بحث)؛ معنای دقیق کارشناس بودن  
۱/۲/۱. تدوین گزارش راهبردی؛ ابزار کارشناس برای اثرگذاری بر تصمیمات غلط مسئولین

## ۲. نظام مفاهیم منجر به ایجاد تدبیر در مسئولین؛ تعریف محوری گزارش راهبردی

حالا خود گزارش راهبردی چیست که این دو کارکرد را به ارمغان می‌آورد؟ ببینید؛ گزارش راهبردی در یک جمله یعنی نظام مفاهیمی که منجر به ایجاد تدبیر در مسئولین می‌شود. بنابراین گزارش راهبردی ماهیتاً ماهیت تدبیر داشته و در سطح سوم وعاء فکر معنا می‌شود. یعنی مسئولین در حال تصمیم‌گیری هستند و ما با ابزار گزارش راهبردی آنها را نسبت به عواقب تصمیمات‌شان متذکر می‌کنیم.

۲/۱. جایگاه گزارش راهبردی در سطح سوم (تدبیر) وعاء فکر

در جلسات دوره‌ی برنامه‌ریزی در دانشگاه شریف<sup>۱</sup> عرض کردم که اساساً فکر قبل از تصمیم را تدبیر می‌گوییم و [گزارش راهبردی] هم یک نوع فکر قبل از تصمیم است؛ یعنی به وسیله‌ی گزارش راهبردی، قبل از تصمیم‌گیری در مسئول فکر عمیق‌تری اتفاق می‌افتد. از این رو در سطح سوم تفکر محسوب می‌شود. بنابراین در واقع هر آنچه که در ایجاد تدبیر موضوعیت دارد، در ماهیت گزارش راهبردی هم موضوعیت دارد. بنابراین ما باید تا پایان جلسات، ابعاد تدبیر را بشکافیم. هر درکی که از تدبیر و ابعادش پیدا کردیم، همان درک را در نوشتن متن به‌کارگیری می‌کنیم و این کار باعث می‌شود که مسئولین بعد از خواندن گزارش ما بیشتر به عاقبت تصمیم‌های خود فکر کنند. بنابراین گزارش راهبردی ماهیتاً ابزار ایجاد تدبیر در مسئولین است. این هم تعریف ساده‌ی گزارش راهبردی؛ یعنی ما می‌خواهیم کمک کنیم که تدبیر عمیق‌تری در فصل تصمیم‌گیری اتفاق بیافتد. گاه می‌گویید که یک فرد برای زندگی خودش تصمیم می‌گیرد. بنابراین قبل از تصمیم‌گیری باید فکر کند که عاقبت تصمیم او چیست. حال این فرد مسئول شده است و تصمیم او آثار اجتماعی هم دارد. خُب بر این فرد واجب و اولی این است که قبل از تصمیم خودش فکر کند. بنابراین همه باید به او کمک کنند تا

۱. سلسله نشست‌های ۴۰ روزه در دانشگاه شریف (آبان لغایت ۲۵ آذر ۱۳۹۵)،



عاقبت تصمیم خود را بسنجد. این می‌شود مفهوم گزارش راهبردی. بنابراین ماهیت گزارش راهبردی تدبیر است.

۲/۲. همسانی ساختار و شکل  
گزارش راهبردی با الگوی  
استخراج سؤال  
حال می‌خواهیم مقداری پیرامون لوازم تدبیر بحث کنیم. نمی‌دانم که در این دوره‌ی جلسات لازم باشد که شکل و ساختار گزارش راهبردی را هم بحث کنم یا نه. زیرا همانطور که مکرر گفتم شکل و ساختار گزارش راهبردی، شکل و ساختار الگوی استخراج سؤال<sup>۲</sup> است. اصلاً همه‌جا همین‌گونه است. ما در نقشه راه ساختار دومی برای تفاهم میان خواص نداریم. پس گزارش راهبردی یک شکل نوشتن دارد که همان شکل الگوی استخراج سؤال است که اگر وقت شد توضیح می‌دهم ولی اگر وقت نشد شما به بحث‌های الگوی استخراج سؤال که در دوره‌ی برنامه‌ریزی در دانشگاه شریف مطرح کردیم ارجاع بدهید.

۲/۳. تدبیر؛ ابزار اصلاح مقاصد  
مدیران و مسئولین  
بنده می‌خواهم برای اولین بار مفهوم تدبیر را با تائنی بازشکافی کنم. اگر مفهوم تدبیر بازشکافی و بازخوانی شود، محتوای گزارش راهبردی واضح‌تر می‌شود. بنابراین در یک جمله باید گفت تدبیر، ابزار اصلاح مقاصد است؛ یعنی مدیر قصدی نموده و مقصدی را تعریف می‌کند و گزارش راهبردی باعث می‌شود که این مقصد بهینه شود.

۲/۴. رسیدن به رشد یا غی؛  
ملاک بهینه نمودن مقاصد و  
تصمیمات (ملاک تدبیر)  
چگونه یک مقصد را بهینه کنیم؟ با چه ملاک‌هایی بسنجیم؟ در گزارش راهبردی اینها را بحث می‌کنیم؛ ولی به اصل معنا توجه کنید! همان‌گونه که عرض کردم این روایت شریف نبوی، ملاک بحث است که حضرت ﷺ فرمودند: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ كَانُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَ إِنْ كَانُ غِيًّا فَانْتِهِ»<sup>۳</sup>.

۲. مفهوم بسیار مهمی داریم به نام «الگوی استخراج سؤال» ... در معارف اهل بیت راجع به مفهوم سؤال، راجع به یک سؤال خوب صحبت‌های فراوانی شده است. ما در محور دوم، به اندازه فهم اندک خودمان از روایات، روشی ارائه داده‌ایم که وقتی شما با تئوری‌های الحادی، التقاطی و غربی برخورد می‌کنید، بتوانید یک سؤال خوب از تئوری‌ایی که شما آن را قبول ندارید بپرسید. برای چه [باید سؤال خوب بپرسیم؟] زیرا ما می‌خواهیم ضعف آن تئوری را نشان بدهیم و این، بدون طرح یک سؤال خوب امکان ندارد.

به عبارت بهتر با سؤال، مسأله را از یک مسأله مفروض و یک مسأله بدیهی به یک مسأله نظری تبدیل می‌کنید. چون الآن همه این مسأله را بدیهی می‌دانند؛ کارشناسان به ما که می‌رسند می‌گویند: حاج آقا چرا شما کمک نمی‌کنید ایران توسعه پیدا کند؟! مفروض می‌گیرند که ما باید به سمت توسعه حرکت کنیم. می‌گویند: چرا شما در مقابل لوازم توسعه صف‌آرایی می‌کنید؟ اگر او از شما سؤال پرسد باید وارد بحث شوید ولی اگر شما سؤال بپرسید موضع او دچار تزلزل می‌شود و باید موضع خود را راجع به موضوعی که بحث می‌کند تثبیت نماید.

سؤال خوب، ۵۰٪ ارتباط است. سؤال خوب ذهن را درگیر می‌کند. باید یک باب ایجاد شود به نام باب السؤال، باب السؤال الحسن. از نظر اهل بیت سؤال خوب یعنی چه؟ اگر بر روی سؤال خوب کار کرده و آن را استخراج کنیم - که ما به اندازه فهم اولیه الگو آن را بیرون آورده‌ایم - می‌توانیم با انسان‌ها و «نظامات ذهنی» آنها ارتباط برقرار کنیم. هر کسی که بتواند با انسان‌ها ارتباط برقرار کند می‌تواند بر روی آنها تأثیر گذاشته و در ذهن‌شان تصرف نماید.

(جلسه اول از سلسله نشست‌های رویش کاشان؛ ۲۹ فروردین ۱۳۹۲)

۳. «إِنَّ رَجُلًا آتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؟» حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كَلِمَاتِهِ يَقُولُ الرَّجُلُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «فَإِنِّي إِذَا أَوْصَيْتُكَ، إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُنُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَ إِنْ يَكُنُ غِيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ.» (مردی از رسول خدا ﷺ درخواست کرد تا او را نصیحت کند. پیامبر فرمود: آیا اگر تو را نصیحت کنم به آن عمل می‌کنی؟ سه مرتبه این سؤال را از آن شخص پرسیدند و او هر سه بار عرضه داشت: بله؛ یا رسول‌الله. پیامبر ﷺ فرمودند: به تو سفارش می‌کنم اگر تصمیم بر کاری گرفتی، به عاقبت آن ببیندیش؛ پس اگر آن کار باعث رشد و پیشرفت تو بود به آن عمل کن و اگر باعث توقف و انحراف بود، از آن صرف‌نظر کن)

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، محقق / ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۴۹



ببینید! قبل از اتمام به یک امر باید بسنجیم که این امر و تصمیم ما و این چیزی که می‌خواهیم بر آن همت بگماریم، منجر به رشد می‌شود یا غیّ. پس ملاک، رشد و هدایت است.

حالا مسئولی می‌خواهد در حوزه‌ای تصمیمی بگیرد و ما باید تصمیم او را نسبت به رشد و غیّ بسنجیم. همان‌طور که در مباحث عرض کردیم رشد دارای زیرساخت‌های بیانی و غیر بیانی است.

بنابراین هر تصمیمی که منجر به ایجاد چالش در یکی از زیرساخت‌های هدایت شود، مصداق غیّ محسوب می‌شود. هر تصمیمی که منجر به تضعیف یکی از زیرساخت‌های هدایت باشد برابر با عدم رشد و تضعیف ابر مسئله‌ی هدایت است. پس بنا بر حدیث نبوی شریف، ملاک کلی فضای تدبیر، سنجش امور با غیّ و رشد است. اگر حدیث نبوی شریف را ملاک قرار دهیم، ملاک فضای تدبیر برای ما واضح می‌شود.

۲/۴/۱. ایجاد چالش در هر یک از زیرساخت‌های هدایت؛ مصداق غیّ

منتهی سخن در این است که شما {باید} رشد را با تشکیل خانواده‌ی روایت و غیّ را با تشکیل خانواده‌ی روایت بحث نموده و آن را عرفی معنا نکنید. ما حاصل بحثی که ما در مبانی نظری نقشه راه مطرح کردیم این است که تحقق رشد و تحقق هدایت، وابسته به تحقق زیرساخت‌های هدایت است. پس باید نسبت عوارض و فواید یک تصمیم با زیرساخت‌های هدایت سنجیده شود.

۲/۴/۲. لزوم تحلیل رشد بوسیله تشکیل خانواده روایات و اجتناب از تحلیل عرفی

اگر تصمیمی یک زیرساخت هدایت را به چالش کشید آن تصمیم، مصداق سیر به سمت غیّ است. پس آن تصمیم، تصمیم غلطی است. به طور مثال در برنامه‌ی ششم پیشنهاد شده است که سطح اشتغال بانوان سالانه ۵ درصد افزایش پیدا کند.<sup>۴</sup> حال این تصمیم درست است یا نادرست؟ آن را چگونه بسنجیم؟ باید بر روی این بحث کنیم که افزایش سالانه‌ی ۵ درصدی میزان اشتغال بانوان چه نسبتی با موضوعات جهت‌ساز پیدا می‌کند. این موضوع را باید برای مسئول تصویر کنیم.

۲/۴/۳. تحلیل افزایش سطح اشتغال بانوان در برنامه ششم بر مبنای تقویت یا تضعیف موضوعات جهت‌ساز (زیرساخت‌های هدایت): نمونه‌ای از تحلیل بر مبنای تدبیر

وقتی چنین تصویری در ذهن مسئول ایجاد شد، پخته‌تر تصمیم می‌گیرد. در حال حاضر - همان‌طور که در سخنرانی جناب آقای هاشمی آمده بود و بنده در جلسات گذشته به آن ارجاع دادم - فواید اقتصادی اشتغال بانوان را بحث نموده و بر همین اساس تجویز می‌کنند که بانوان ما شاغل شوند.<sup>۵</sup> ما باید نسبت یک تصمیم را با تمام موضوعات جهت‌ساز بسنجیم. پس باید فواید و عوارض اشتغال را نسبت به تربیت نیز بسنجیم، فواید و عوارض اشتغال بانوان را نسبت به نفی سبیل نیز بسنجیم، فواید و عوارض مسأله اشتغال بانوان را نسبت به معرفه‌الامام و مقام امامت نیز بسنجیم و ببینیم که اگر ما این کار را انجام دهیم چه اثری در این حوزه و سایر موضوعات جهت‌ساز ایجاد می‌شود.

پس ملاک بحث چیست؟ بنده یک‌بار دیگر این بحث را مرور کنم، چون این بحث، پایه مباحث ما بوده و مشابه بحث بهینه‌شدن روابط انسانی در دوره شریف است. پایه تمام دوره باید در ذهن شما خوب شکل بگیرد. پایه بحث این است که تصمیمی که یک مسئول می‌گیرد چه نسبتی با

۴. رک: متن برنامه ششم کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی، جدول شاخص‌های اشتغال

۵. دیدار مرحوم حجه الاسلام هاشمی با معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و معاونانش و چند تن از زنان مسؤول در وزارتخانه‌ها ۱۳۹۴/۳/۱۷



زیرساخت‌های هدایت دارد؟ همان‌طور که در نامه‌ی خودم به حوزه تراریخته‌ها نوشتیم<sup>۶</sup>، روش تحقیق ما اینگونه است که وقتی می‌خواهیم ببینیم که آیا تکنولوژی‌ای را انتخاب و وارد کنیم یا نه، نمی‌توانیم در الگوی اسلامی تخصیص تکنولوژی، نسبت آن تکنولوژی را فقط با حوزه اقتصاد بسنجیم و وقتی ورود تکنولوژی‌ای بهره‌وری را بالا بُرد، ما معتقد باشیم که ورود این تکنولوژی به دلیل ارتقا بهره‌وری درست است، خیر؛ باید نسبت تکنولوژی را با تمام جهت‌سازها بسنجیم.

مشکل اصلی تفکر توسعه غربی این است که جهت‌سازها را بخشی و ناقص پردازش می‌کند. اصلاً دعوی اصلی ما این است که نباید تنها بخشی از ابعاد فطرت و فقر پردازش شوند؛ چون این کار منجر به عدم تعادل می‌شود. پس باید تمام ابعاد فطرت و ابعاد فقر را پردازش کنیم. اگر تصمیمی که می‌گیریم را فقط با حوزه اقتصاد بسنجیم به صورت نانوخته گفته‌ایم که فقط فقر اقتصادی و معیشتی باید پردازش شود. درست است؟ وقتی شما یک تصمیم را فقط با حوزه معیشت می‌سنجید یعنی فقط پردازش حوزه معیشت برای شما موضوعیت دارد و در نتیجه باقی ابعاد فطرت پردازش نمی‌شوند و فرد دچار عدم تعادل می‌گردد. پس در مدل بحث باید نسبت بین یک تصمیم را با تمام جهت‌سازها سنجید. چون [پردازش] تمام جهت‌سازها، ضمانت پردازش تمام ابعاد شخصیت و فقر هستند و در نتیجه نیازهای انسان به صورت همه‌جانبه تأمین خواهد شد. این پایه بحث است.

پس وقتی شما سؤال می‌کنید که گزارش راهبردی را چگونه بنویسیم، پاسخ این است تمام گزارش راهبردی نسبت‌سنجی یک تصمیم با موضوعات جهت‌ساز است، این تعریف گزارش راهبردی است. مثلاً قرار است تصمیمی در حوزه تراریخته‌ها اتخاذ شود. برای اینکه ببینیم تراریخته‌ها را بر سر سفره مردم بیاوریم و آن را تجاری‌سازی کنیم یا نه، باید گزارش راهبردی بنویسیم. نوشتن گزارش راهبردی به چه معناست؟ یعنی نسبت این تصمیم را با تمام زیرساخت‌های رشد و هدایت بسنجیم. در اینصورت می‌توانید تشخیص دهید که این تصمیم درست است یا نه. «فإن كان رشداً فأمضه»؛ رشد و هدایت دارای زیرساخت است و به همین دلیل ما نسبت یک تصمیم را با زیرساخت‌های هدایت سنجیده و می‌توانیم تشخیص دهیم که رشد است یا نه.

پس ماهیت گزارش راهبردی تدبیر است و ملاک تدبیر نیز رشد می‌باشد و خود رشد نیز زیرساخت‌هایی دارد. پس باید تصمیمات را با زیرساخت‌های رشد بسنجیم، این ماهیت بحث است. بنابراین یک قسمت گزارش راهبردی، بحث از ملاک‌های حاکم بر تصمیم است. باید [ملاک‌های تصمیمات را] بررسی کنیم.

به عنوان مثال در ماده دوم برنامه ششم نوشته شده است که ما می‌خواهیم رشد اقتصادی را تا ۸ درصد ارتقا دهیم. این، هدف محوری برنامه ششم است.<sup>۷</sup> وقتی هدف محوری را فقط مسأله رشد اقتصادی قرار دادیم، پس نسبت تمام بخش‌ها را با آن می‌سنجیم. پس وقتی شما می‌خواهید گزارش

۲/۶/۲. بررسی رشد ۸ درصدی در برنامه ششم از جایگاه رشد، نمونه‌ای از تحلیل بر مبنای تدبیر

۶. متن کامل نامه حجت الاسلام کشوری به دکتر بهزاد قره یاضی (رئیس تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه)



راهبردی بنویسید باید یک پرونده باز نموده و بحث کنید که آیا این ملاک درست است یا نه؟ اگر رشد ۸ درصدی در حوزه اقتصاد محقق شود، فقط پردازش معیشت اتفاق می‌افتد. پس ما باید بحثی را در ملاک برنامه‌ریزی آغاز نموده و به مدیر توسعه‌گرا تفهیم کنیم که اصلاً ملاک او بهینه نبوده و بخشی و ناقص است و باید ملاک را در ذهن خود اصلاح نموده و [در عوض توجه] به یک جهت‌ساز به نظامی از جهت‌سازها توجه کند. این نکته اول بحث است؛ تدبر بدون ملاک امکان ندارد و اگر شما می‌خواهید طرف مقابل را به تدبر وادار کنید باید ملاک‌های ذهن او را بهینه کنید. بنابراین باید بحثی را با موضوع بهینه‌شدن ملاک‌های تصمیم‌گیری شروع کنید. این یک قسمت گزارش راهبردی شماست. وقتی ملاک بهینه و تصحیح شد کار آسان می‌شود.

۲/۶/۳. بررسی ملاک تصمیم مدیر، گام دوم در تحلیل بر مبنای تدبر

کار بعدی این است که شما تصمیم مدیر را نسبت به ملاک بهینه‌شده ارزیابی کنید. در جلسات بعد عرض خواهیم کرد که ارزیابی کردن به چه معنا بوده و از کجا آغاز و به کجا ختم می‌شود. ولی الآن در جلسه امروز نکته مهم این است که وقتی خواستید کسی را وادار به تدبر کنید، قبل از هر چیز ببینید او با شما هم‌ملاک است یا نه. چون شما بر اساس ملاک رشد و غیّ تدبر می‌کنید ولی او بر اساس ملاک ارزش‌افزوده و رشد ۸ درصدی تدبر نموده و با خود می‌گوید: من اگر این تصمیم خاص را بگیرم، نرخ بهره‌وری و نسبت  $T$  به  $GDP$  ارتقا پیدا می‌کند، خلاصه معادلات مختلف را بحث می‌کند و همه این معادلات، رشد پیدا می‌کنند و رشد این معادلات نیز موجب رشد ۸ درصدی می‌شود. اصلاً فرد تصمیم‌گیر رشد ۸ درصدی را ملاک قرار داده و تدبر نیز می‌کند، منتهی این تدبر با ملاک غلط است. پس باید فکری به حال این دوئیت ملاک‌ها کرد.

۲/۶/۳/۱. ارائه بحث نظری، راه حل غلط در بهینه نمودن ملاک تصمیم‌گیری

حالا دوئیت ملاک‌ها را چگونه حل کنیم؟ آیا باید بحث نظری انجام دهیم؟ در این صورت کلاس درس تشکیل خواهیم داد، در حالی که مدیر، خود را در مقابل آموزش قرار نداده تا شما برای او تدریس نموده و در ذهن او تبدل شاخصی ایجاد کنید و شاخص‌های ذهن او را بهینه نمایید. لذا اینجاست که فرایند طرح سؤال و الگوی استخراج سؤال مطرح می‌گردد.

۲/۶/۳/۲. فرایند طرح سؤال و الگوی استخراج سؤال، راه حل بهینه نمودن ملاک تصمیم‌گیری

شما به جای اینکه ملاک‌ها را در ذهن یک مدیر در قالب روش آموزشی بهینه کنید، باید با طرح یک سؤال عوارض مینا قرار گرفتن ملاک غلط را یادآور شوید. این کار خودش موجب بهینه ملاک می‌شود، منتهی بهینه ملاک به شکل الگوی استخراج سؤال و نه به شکل آموزشی. مثلاً به نویسندگان برنامه ششم توضیح می‌دهید که اگر در طول سال‌های اجرای برنامه ششم هدف محوری برنامه را رشد ۸ درصدی قرار دهیم چه تأثیرات سوئی بر نهاد خانواده خواهد داشت. شما سعی می‌کنید با طرح یک سؤال، ملاک محوری او را به چالش بکشید. در اینصورت زمینه آماده می‌شود تا به ملاک شما توجه کند.

بنده در تمام جلسات توجه می‌دهم که در مقام مدیریت تحولات؛ اولین اشتباه، آخرین اشتباه خواهد بود. اولین اشتباه چیست؟ اینکه شما مقام مدیریت تحولات را با مقام آموزش اشتباه بگیرید.

۸. نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ( $T/GDP$ ) که از نظر ابزار سیاست مالی، قدرت اعمال سیاست‌های مالی را توسط دولت یا نهادهای سیاستگذار نشان می‌دهد.

رک: سهم درآمد مالیاتی در تولید ناخالص ملی؛ محمد قاسم رضایی فصلنامه تخصصی اقتصاد جدید؛ [magiran.com/n1538450](http://magiran.com/n1538450)



هیچ مدیری در فصل تصمیم‌گیری وقت ندارد که آموزش ببیند. چون بارِ یک کشور و یک مجموعه بر دوش اوست و شما نمی‌توانید با بحث نظری ملاک‌ها را در ذهن او تغییر دهید. باید خود ملاک آن فرد را با یک سؤال به چالش کشیده و در او تردید ایجاد کنید. بعداً اینها را شرح خواهم داد ولی حالا به دلیل اهمیت این موضوع دوباره متذکر شدم.

وقتی به برخی از دوستان می‌گفتم برای نشست‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رایزنی کنید، بحث خود را از اول هبوت حضرت آدم علیه السلام شروع می‌کردند و وقتی به اینجا می‌رسیدند که در حال حاضر در دوران غیبت قرار داریم، توان طرف مقابل در اثر همین بحث طولانی گرفته می‌شد در حالی که هنوز به بحث الگوی پیشرفت نرسیده بود. این شخص اصلاً از حضور در جلسه الگوی پیشرفت سیر می‌شد و با خود می‌گفت: این مباحث، مقدمات و رایزنی جلسه است، حالا دیگر خود جلسه چیست. این در حالی است که یک رایزنی فنی با یک سؤال خوب اتفاق می‌افتد. این اشتباهات را ما و دیگران تکرار کردیم و لذا باید بسیار دقت کنیم که این اشتباهات اصلاح شوند. بنابراین نحوه بحث باید بر اساس الگوی استخراج سؤال باشد.

به اصل بحث باز گردیم؛ پس ماهیت گزارش راهبردی، ماهیت تدبیر است و اولین موضوع در تدبیر، ملاک صحیح است. پس اولین بخش، فصل و پاراگراف‌های گزارش راهبردی به تصحیح ملاک‌ها با مدل الگوی استخراج سؤال اختصاص پیدا می‌کند. این موضوع، بخش اول بحث شما از حیث اهمیت است. با ملاک‌های غلط تصمیمات غلط گرفته خواهد شد.

آیا تدبیر غیر از ملاک به چیزی دیگری نیز وابسته است؟ همان‌طور که عرض کردیم تدبیر، سطح سوم فکر است؛ پس تدبیر به تعقل وابسته است. وابستگی به تعقل به چه معناست؟ اجازه دهید این موضوع را در جلسه آینده بحث کنم. تدبیر، زیرساخت تجرب نیز هست. این حرف به چه معناست؟ این موضوعات را باید بحث کنیم. پس ان‌شاءالله اگر خدای متعال توفیق داد فردا ابتدا بحثی را در مورد معانی سطوح فکر شروع خواهم کرد، البته این بخش را به صورت اجمالی مرور می‌کنم، چون این بحث را در جلسات دیگر عرض کرده‌ام. بحث جدیدی را نیز راجع به ارتباط میان سطوح پنج‌گانه فکر آغاز خواهم کرد و خواهم گفت که نسبت بین تأمل با سطوح چهارگانه دیگر فکر چیست. همیشه تأمل، نقطه شروع تمام حوزه‌های فکری است؛ یعنی ما بدون تأمل نمی‌توانیم فرایند فکر را آغاز کنیم. نسبت بین سطوح فکر، یک بحث فنی و زیباست که آن را توضیح خواهم داد و وقتی این را توضیح دادم به این بحث می‌پردازم که شما برای ایجاد تدبیر باید در قسمت دوم گزارش راهبردی - عرض کردم که گزارش راهبردی به معنای مکتوب کردن فرایند تدبیر است - نسبت بحث خود را با سطوح دیگر فکر ببینید. چرا؟ چون تدبیر ماهیتاً به برخی دیگر از سطوح فکر وابسته است. پس اگر شما اینها را مکتوب نکنید، تدبیر اتفاق نمی‌افتد. وابستگی تدبیر به سطوح دیگر فکر، به معنای ایجاد استعداد در طرف مقابل برای سطح سوم فکر است. ان‌شاءالله این بحث را تشریح خواهم کرد.

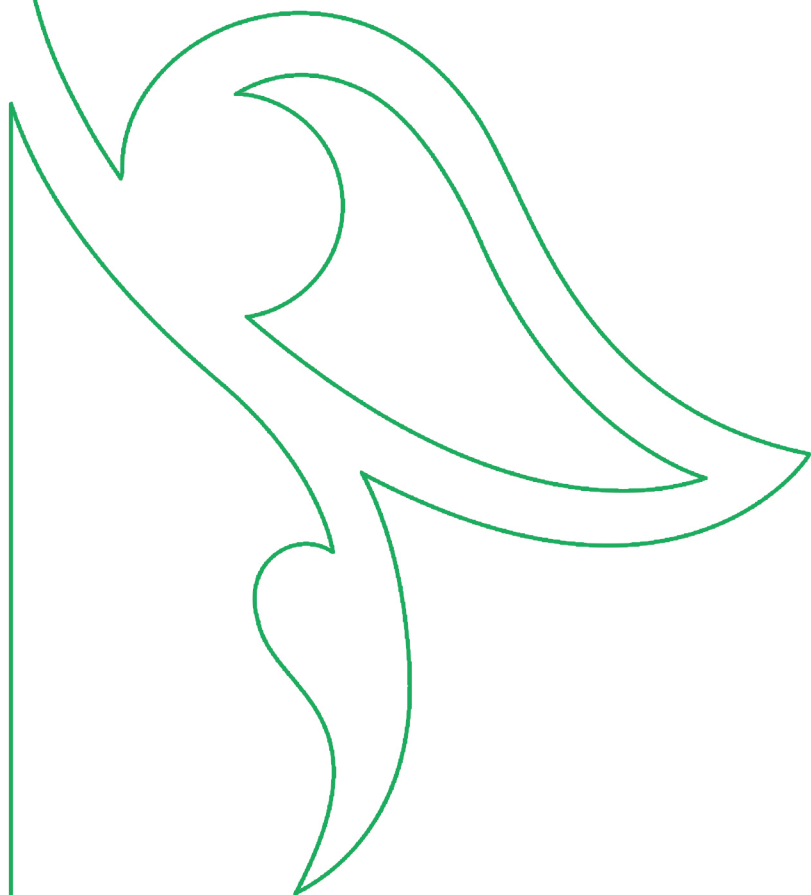
و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ



### فهرست تفصیلی

۱. ارتقاء ظرفیت جریان مطالبه گر در جمهوری اسلامی و ارتقاء مفهوم کارشناسی دو کارکرد اصلی تدوین گزارش راهبردی ..... ۱۷
  - ۱/۱/۱. اهتمام به پردازش سوالات جهت ساز در فضای علمی و همچنین کارنامه خوانی در فضای انتخابات در کنار تدوین گزارش راهبردی؛ سه سطح اصلی ارتقاء جریان مطالبه گری ..... ۱۷
  - ۱/۱/۲. تدوین گزارش راهبردی؛ ابزار ارتقاء جریان مطالبه گری در نظام از مطالبات مصادیقی به اصلاح تصمیمات مولد مصادیق ضد ارزش ..... ۱۷
  - ۱/۲. قدرت اثرگذاری بر تصمیمات غلط مسئولین (اقامه بحث)؛ معنای دقیق کارشناس بودن ..... ۱۸
  - ۱/۲/۱. تدوین گزارش راهبردی؛ ابزار کارشناس برای اثرگذاری بر تصمیمات غلط مسئولین ..... ۱۸
۲. نظام مفاهیم منجر به ایجاد تدبیر در مسئولین؛ تعریف محوری گزارش راهبردی ..... ۱۸
  - ۲/۱. جایگاه گزارش راهبردی در سطح سوم (تدبیر) وعاء فکر ..... ۱۸
  - ۲/۲. همسانی ساختار و شکل گزارش راهبردی با الگوی استخراج سؤال ..... ۱۹
  - ۲/۳. تدبیر؛ ابزار اصلاح مقاصد مدیران و مسئولین ..... ۱۹
  - ۲/۴. رسیدن به رشد یا غی؛ ملاک بهینه نمودن مقاصد و تصمیمات (ملاک تدبیر) ..... ۱۹
  - ۲/۴/۲. لزوم تحلیل رشد بوسیله تشکیل خانواده روایات و اجتناب از تحلیل عرفی ..... ۲۰
  - ۲/۴/۱. ایجاد چالش در هر یک از زیرساخت های هدایت؛ مصادیق غی ..... ۲۰
  - ۲/۴/۳. تحلیل افزایش سطح اشتغال بانوان در برنامه ششم بر مبنای تقویت یا تضعیف موضوعات جهت ساز (زیرساخت های هدایت)؛ نمونه ای از تحلیل بر مبنای تدبیر ..... ۲۰
  - ۲/۵. تحلیل بخشی و ناقص جهت سازها، مشکل اصلی تفکر توسعه غربی ..... ۲۱
  - ۲/۶. نسبت سنجی یک تصمیم با همه موضوعات جهت ساز، تعریف گزارش راهبردی ..... ۲۱
  - ۲/۶/۲. بررسی رشد ۸ درصدی در برنامه ششم از جایگاه رشد، نمونه ای از تحلیل بر مبنای تدبیر ..... ۲۱
  - ۲/۶/۱. رشد، زیرساخت تدبیر و تدبیر، زیرساخت گزارش راهبردی ..... ۲۱
  - ۲/۶/۳. بررسی ملاک تصمیم مدیر، گام دوم در تحلیل بر مبنای تدبیر ..... ۲۲
  - ۲/۶/۳/۱. ارائه بحث نظری، راه حل غلط در بهینه نمودن ملاک تصمیم گیری ..... ۲۲
  - ۲/۶/۳/۲. فرایند طرح سؤال و الگوی استخراج سؤال، راه حل بهینه نمودن ملاک تصمیم گیری ..... ۲۲

# جلسه سوم



بررسی ارتباط تدبیر با

سایر سطوح فکر (۱)

## شناسنامه جلسه سوم



عنوان  
بررسی ارتباط تدبیر با سایر سطوح فکر (۱)

تاریخ نشست  
۱۵ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۹ صفحه (قطع A4)

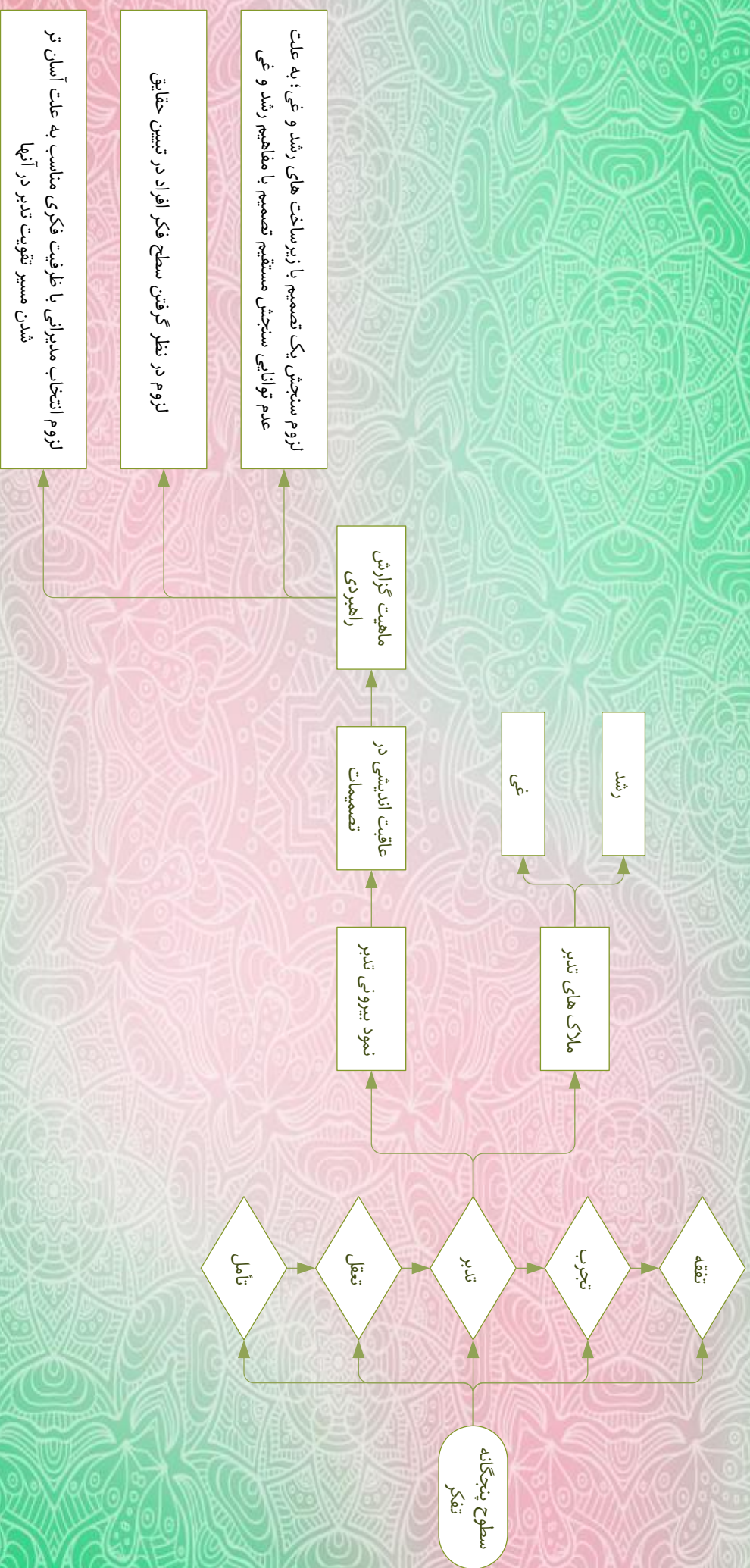
این جزوه متن پیاده شده سومین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "بررسی ارتباط تدبیر با سایر سطوح فکر" برگزار گردید.

در این نشست، ماهیت گزارش راهبردی از بعد ارتباط آن با سطوح فکر مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به جایگاه گزارش راهبردی در سومین سطح (تدبیر) از سطوح پنجگانه فکر (تأمل، تعقل، تدبیر، تجرب، تفقه) چگونگی تشخیص ملاک‌های تدبیر و نسبت سطوح فکر با یکدیگر نیز مورد تحلیل قرار گرفت.

## فهرست اجمالی

۲۹	۱. ماهیت گزارش راهبردی، ماهیت سطح سوم فکر (تدبر)
۳۱	۲. ارتباط کامل همه سطوح پنجگانه فکر با یکدیگر

# جلسه سوم: بررسی ارتباط تدبیر با سایر سطوح فکر



بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

#### ۱. ماهیت گزارش راهبردی، ماهیت سطح سوم فکر (تدبیر)

در جلسه‌ی گذشته عرض کردیم که ماهیت گزارش راهبردی، ماهیت سطح سوم فکر یا همان تدبیر است؛ یعنی در واقع غرض از نوشتن گزارش راهبردی این است که مسئولین در جمهوری اسلامی قبل از اینکه تصمیمی را اتخاذ کنند، در حد اعلی در مورد عاقبت آن تصمیم بیاندیشند. راهبردی طبیعی است که برای ارتقای تدبیر در میان مسئولین باید تدابیری را اتخاذ کرد؛ یکی از این تدابیر این است که ناظر به تصمیمات مهم، توسط جبهه‌ی فکری-فرهنگی انقلاب اسلامی گزارش‌های راهبردی نوشته شود. در واقع این گزارش‌ها زمینه‌ی تدبیر را در مسئولین فراهم‌تر و آماده‌تر می‌کنند.

همان‌گونه که در جلسات گذشته عرض کردم تدبیر به معنای فکر کردن قبل از تصمیم بوده و یکی از انواع و اقسام پنج‌گانه تفکر است که به دلیل غلبه تفکر تجربی و تفکر پوزیتیویستی در جامعه ما، ابعاد این نوع از تفکر مورد بازخوانی قرار نگرفته است. اساساً در جامعه‌ی ما غفلتی از فکر و روش‌های فربه‌کردن فکر وجود دارد. بخشی که از کارهای فکری جدی گرفته می‌شود، همان بخش فکر تجربی هست که اشکالات آن را به صورت مفصل در دوره‌ی برنامه‌ریزی از نگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در دانشگاه شریف توضیح دادم. بنابراین به دلیل غلبه فکر پوزیتیویستی

۱/۱. اندیشه در مورد عاقبت  
تصمیم، غرض نگارش گزارش  
راهبردی

۱/۲. غفلت از روش‌های فربه  
نمودن فکر به علت سیطره تفکر  
پوزیتیویستی در جامعه

در جامعه اصلاً ماهیت مفهوم تدبیر واضح نیست. ما در این سلسله جلسات به دنبال تبیین تقریباً تفصیلی و یا بهتر بگوییم نیمه-تفصیلی مفهوم تدبیر هستیم.

حال اگر شما ابعاد مفهوم تدبیر را شناسایی کنید، در ادامه می‌توانید در یک مسأله مشخص به آن صورت مکتوب بدهید و لذا گزارش راهبردی هم نوشته می‌شود. بنابراین از حیث محتوا، محتوای گزارش راهبردی تابع فهم ما از سطح سوم فکر - که همان تدبیر باشد - است. در جلسه‌ی دیروز عرض کردم که تدبیر بدون ملاک نمی‌شود و با استناد به حدیث نبوی شریف عرض کردم که ملاک تدبیر، رشد و غی است. حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ كَانَ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَ إِنْ كَانَ غَيًّا فَانْتَهُ»<sup>۱</sup>. بنابراین اگر تصمیمی به رشد جامعه کمک کرد آن تصمیم، تصمیم درستی هست و اگر تصمیمی به غی جامعه کمک کرد، تصمیم غلطی هست. باید رشد و غی را ملاک قرار داد؛ اما باز هم به دلیل گسترش تفکر توسعه غربی و علوم انسانی مسمومی که در جامعه ما وجود دارد، ملاک‌های دیگری محور برنامه‌ریزی و محور تصمیم‌گیری‌ها هستند؛ مانند اینکه رشد ۸ درصدی اقتصاد ملاک قرار می‌گیرد و اساساً مفهوم رشد اقتصادی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی ملاک قرار می‌گیرد. بنابراین ما باید حتماً فرآیندی را آغاز کنیم برای اینکه اصلاح ملاک اتفاق بیافتد.

۱/۳. رشد و غی؛ ملاک‌های اصلی تدبیر

اگر در ذهن یک مسئول ملاک‌های تدبیر وجود نداشت - یعنی متوجه نبود که تدبیر، دو ملاک اصلی به اسم رشد و غی دارد - بخشی از گزارش راهبردی باید به تصحیح ملاک‌های حوزه‌ی تصمیم‌گیری اختصاص پیدا کند. این مطلبی است که باید به آن توجه کنیم. عرض کردیم ملاک اصلی در حوزه‌ی تصمیم‌گیری، مسأله‌ی رشد است. با توجه به بحث‌هایی که در دوره‌های مختلف انجام داده‌ایم عرض کردیم که رشد یا هدایت دارای زیر ساخت است. بنابراین ما باید نسبت تصمیمات را با نسبت زیرساخت‌های هدایت بسنجیم.

۱/۳/۱. اختصاص بخشی از گزارش راهبردی به اصلاح معیارهای تصمیم‌گیری در صورت غفلت از ملاک‌های رشد و غی

این‌گونه نیست که مستقیماً بتوان نسبت یک تصمیم را با رشد سنجید؛ درست است که هدف غایی رشد است ولی باید از آیات و روایات، خانواده‌ی روایتی تشکیل داد و مکانیزم‌ها و عوامل مؤثر بر رشد را شناسایی نمود. لذا هر تصمیمی که با عوامل مؤثر بر رشد و زیرساخت‌های هدایت در تعارض باشد، ما آن تصمیم را تصمیم غلطی می‌دانیم. بنابراین وقتی گزارش راهبردی می‌نویسید، در بحث تصحیح ملاک‌ها باید نظام زیرساخت‌های رشد را هم بحث کنید. این بحث مهمی است که در زیرساخت‌های هدایت باید به آن توجه کنید. در واقع در حوزه برنامه‌ریزی نمی‌توان مستقیماً نسبت یک تصمیم را با رشد سنجید.

۱/۳/۲. لزوم تشکیل خانواده روایات، جهت سنجش نسبت یک تصمیم با رشد

۱. «إِنَّ رَجُلًا آتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؟» حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ الرَّجُلُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «فَإِنِّي إِذَا أَوْصَيْتُكَ، إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُنْ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَ إِنْ يَكُنْ غَيًّا فَانْتَهُ عَنْهُ.» (مردی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درخواست کرد تا او را نصیحت کند. پیامبر فرمود: آیا اگر تو را نصیحت کنم به آن عمل می‌کنی؟ سه مرتبه این سؤال را از آن شخص پرسیدند و او هر سه بار عرضه داشت: بله؛ یا رسول‌الله. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: به تو سفارش می‌کنم اگر تصمیم بر کاری گرفتی، به عاقبت آن ببیندیش؛ پس اگر آن کار باعث رشد و پیشرفت تو بود به آن عمل کن و اگر باعث توقف و انحراف بود، از آن صرف‌نظر کن)





وقتی ما می‌گوییم نسبت یک تصمیم را با رشد در حوزه‌ی برنامه‌ریزی بسنجید، یعنی نسبت آن تصمیم را با زیرساخت‌های رشد و زیرساخت‌های هدایت بسنجید. بنابراین در بخش اول [گزارش راهبردی] یک مدل تحقیق شکل می‌گیرد؛ اصل اولیه و عبارت محوری این مدل تحقیق این است که یک تصمیم چه نسبتی با زیرساخت‌های هدایت دارد؟ این قسمت اول هست.

این‌ها را دیروز توضیح دادم. فقط این قسمت آخر بحث تکمیل‌های بود؛ در قسمت اول گزارش راهبردی - که به تصحیح ملاک در ذهن مسئول تصمیم‌گیر اختصاص دارد - باید توجه کنید که نمی‌توانید ملاک را به صورت بسیط بحث کنید.

ملاک اصلی در تصمیم‌گیری اسلامی و در تدبیر چیست؟ ملاک اصلی مسأله‌ی هدایت و ضلالت و مسأله رشد و غی است - و ملاک‌های زیرساخت‌های هدایت را دقیق‌تر بحث کنید، ملاکتان کاربردی‌تر و قابل تفاهم‌تر می‌شود. لذا دیروز عرض کردیم قسمت اول گزارش راهبردی این است که شما ملاک تدبیر را در قالب گزارش راهبردی به مسئول، یادآوری کنید. [حالا می‌گوییم] این ملاک باید به صورت تفصیلی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین هر آنچه که زیرساخت رشد هست، نظام درونی ملاک شما می‌باشد.

بحث دیگری - که دیروز وعده دادم امروز آن را تشریح کنم - این است که تدبیر، سطح سوم وعاء فکر است، حال دو فرض وجود دارد. توجه کنید! این بحث مهمی است. یک فرض این است که شما بگویید سطح سوم وعاء فکر هیچ ارتباطی به سطح دوم وعاء فکر ندارد و سطح دوم نیز هیچ ارتباطی با سطح اول وعاء فکر ندارد. همچنین سطح سوم وعاء فکر هیچ ارتباطی با سطح چهارم و سطح پنجم ندارد. اگر این فرض را بپذیرید، می‌توانید تدبیر را مستقلاً محل بحث قرار بدهید و ماهیت تدبیر را بشکافید.

## ۲. ارتباط کامل همه سطوح پنجگانه فکر با یکدیگر

[حالت دیگر این است که] بگوییم: سطح سوم وعاء فکر سطحی است که بر روی سطح دوم سوار است؛ همانند یک ساختمان که بار طبقه‌ی سوم یک ساختمان بر روی طبقه‌ی دوم است و بار طبقه‌ی دوم نیز بر روی طبقه‌ی اول است. اگر یک ساختمان پنج طبقه را تصور کنید، درست است که طبقه‌ی پنجم در اوج است؛ اما آیا اگر طبقه‌ی چهارم طراحی فنی نداشته باشد، شما می‌توانید طبقه‌ی پنجم را بسازید؟ پاسخ این است که خیر. طبقه‌ی پنجم بر روی طبقه‌ی چهارم سوار می‌شود، طبقه‌ی چهارم سوار می‌شود بر روی طبقه‌ی سوم، طبقه‌ی سوم بر روی طبقه‌ی دوم سوار می‌شود و طبقه‌ی دوم بر روی طبقه‌ی اول سوار می‌شود. سطوح فکر نیز مانند مثالی هست که بنده می‌زنم؛

یعنی کسی که در سطح پنجم فکر مشغول است یک پختگی پیدا کرده که تحمل فقاقت و تحمل تفقه دارد؛ لذا در حوزه‌ی علمیه خیلی از افراد قصد تفقه می‌کنند؛ اما فقیه نمی‌شوند. آیا تا به حالا از خودتان پرسیده‌اید که چرا این اتفاق می‌افتد؟ البته همیشه یک جمله‌ی کلی وجود دارد که می‌گویند: توفیق نشد! حُب من می‌خواهم این قضیه را بشکافم؛ تا به حال از خود پرسیده‌اید که چرا توفیق نمی‌شود کسی فقیه شود؟ به دلیل اینکه نتوانسته سطوح دیگر وعاء فکر را در وجود خود احیا کند. اگر کسی نتوانست سطوح دیگر چهارگانه‌ی وعاء فکر را در وجود خودش احیا کند، حتماً قلبش

۱/۳/۲/۱. لزوم سنجش یک تصمیم با زیرساخت‌های رشد؛ به علت عدم توانایی سنجش مستقیم تصمیم با مفهوم رشد

۲/۱. عدم رسیدن به سطح تفقه به علت طی نکردن سطوح چهارگانه دیگر فکر



آمادگی سطح پنجم فکرکردن یا تفقه را پیدا نمی‌کند. عرض بنده این است که این‌های بر روی یکدیگر سوار هستند.

یا فرض کنید سخنرانی به جلسه‌ای که افراد آن جلسه اساساً یا عادت به فکرکردن ندارند یا فکرکردن کار فرعی زندگی‌شان است می‌رود و شروع به سخنرانی در سطح چهارم فکر می‌کند. همان‌طور که در دوره‌ی برنامه‌ریزی از نگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در دانشگاه شریف عرض کردم سطح چهارم فکرکردن، تجرب است. تجرب مکمل دلالت بوده و ابزار افزایش یقین است. همان‌طور که در قرآن آمده حضرت ابراهیم علیه السلام به دلیل «لَيَطْمَنَنَّ قَلْبِي»<sup>۲</sup> از خدا تقاضای یک تجربه را کرد، تقاضای تجربه‌ی برپایی قیامت در این دنیا. استدلال دعای حضرت این بود که من می‌خواهم اطمینان قلب پیدا کنم. توجه کنید که حضرت علیه السلام نمی‌گویند من می‌خواهم ایمان بیآورم. ایمان که از تعقل نشئت می‌گیرد و وجود دارد. حضرت تقاضای یک سطح بالاتر را می‌کند و لذا وارد فضای تجرب می‌شوند. بنابراین سطوح فکر بریده‌ی از یکدیگر نیستند.

وقتی با جمعیتی که خیلی با مسأله فکر در گیر نیستند یا بهتر بگوییم که فکرکردن کار فرعی آنان است برخورد می‌کنید نمی‌توانید از تجرب شروع کنید. تجرب مکمل دلالت است نه آغاز دلالت. به همین دلیل وقتی تجربه را بازخوانی می‌کنیم او فکر می‌کند که شما دارید برای او داستان تعریف می‌کنید.

۲/۲. مراقبت از بیان حقایق  
منطبق با سطح فکر مخاطب

بنده مثالی می‌زنم تا بحث روشن‌تر شود. فرض کنید تعدادی جوان مجرد را پای منبر شما حاضر کرده‌اند و شما داستان یک طلاق یا یک رابطه خانوادگی را برای آنها تعریف می‌کنید. اگر خیلی جذاب تعریف کنید این فرد مجرد با خود می‌گوید رمان جذابی بود و حاج آقا می‌توانند خوب صحبت کنند؛ اما واقعاً این فرد مجرد با این مطلب مانند یک انسان متأهل ارتباط نمی‌گیرد. شما نمی‌توانید در همه‌جا تجرب و بازخوانی تجربه‌ها را آغاز بحث قرار دهید.

شما سوره یوسف علیه السلام را بخوانید. این سوره داستان حضرت را تعریف می‌کند؛ اما این داستان برای چه افراد و گروه‌هایی مفید است؟ آیا برای تمام گروه‌ها مفید است یا اینکه داستان حضرت یوسف علیه السلام برای کسانی که می‌خواهند همراهی کنند و قبلاً تصمیم به همراهی گرفته‌اند اثر خاصی ایجاد می‌کند؟ اجازه دهید بنده بخشی از آیات سوره یوسف علیه السلام را خدمت شما قرائت کنم تا مسأله روشن‌تر شود. آیه اینطور است؛ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ». شاهد مثال بنده از اینجا به بعد است؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۳</sup>. پس خداوند می‌گوید تمام قرآن را به غرض تعقل نازل کرده‌ایم، قرآن برای این است که عقل را تقویت کند. خداوند در ادامه بحث می‌گوید «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ

۲. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيَطْمَنَنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ؛ سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۰

و (یاد کن) آنگاه که ابراهیم گفت: (پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟) فرمود: (مگر ایمان نیاورده‌ای؟) گفت: (چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.) فرمود: (پس، چهار پرنده برگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می‌آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است.

۳. ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید؛ سوره مبارکه یوسف آیه ۲

الْعَافِلِينَ». سپس در ادامه می‌فرماید: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ». شاهد مثال دوم بنده از اینجا به بعد است؛ «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ حضرت رؤیایی را دیده‌اند و [پدرشان] به ایشان می‌فرمایند اثری که این رؤیا در تو دارد در برادران تو ایجاد نمی‌شود. این عرض اصلی بنده است؛ یعنی شهود و رؤیایی اتفاق افتاده است و حضرت می‌فرماید: اصلاً بیان این رؤیا موجب حسادت می‌شود. تجربه و درکی که ایجاد شده متعلق به یوسف عليه السلام است، یوسف ارتقایی پیدا کرده

است و آینده‌ای که به او نشان می‌دهند برای او مفید است، نه برای کسانی که هنوز مراتب تعقل را طی نکرده‌اند. این عرض بنده است که خواستم بر روی آن تکیه کنم. بنابراین باید تشخیص دهید که طرف مقابل شما در چه سطحی از فکر است.

حالا شما به مسئولی برخورد می‌کنید که از یک طرف می‌خواهد او را به تصمیم‌گیری درست و تدبیر قبل از تصمیم وادار کنید - یعنی برای او گزارش راهبردی بنویسید تا این اتفاق در او رخ دهد - و از طرف دیگر می‌بینید که این فرد اصلاً ظرفیت تدبیر را ندارد. در چنین مواردی چه کاری انجام دهیم؟ چاره‌ی کار این است که باید تلاش کنید آن مسئول عزل شود. وقتی در کسی ظرفیت تدبیر وجود نداشت دعوت او به تدبیر، کار بسیار سخت و مشکلی است، به این واقعیت‌ها باید توجه کنید. شما می‌گویید من می‌خواهم در سطح سوم وعاء فکر تحریک ایجاد کنم؛ در حالی که سطح سوم بر سطح دوم سوار و استوار است و اگر کسی تعقل نداشته باشد و نسبت بین امور و ربوبیت الهی را نبیند - خلاصه عقل نداشت -؛ خدای متعال را حاضر نمی‌بیند تا تصمیمات خود را با موضوعی که توصیه اصلی خدای متعال است - یعنی همان مسأله رشد، غی، هدایت و ضلالت - بسنجد.

دلیل این امر آن است که از حیث ظرفیت وجودی آماده نیست. آماده‌سازی این فرد کار بسیار مشکلی است. به همین دلیل عرض می‌کنم باید تلاش کنیم که مناصب به دست اهل آن بیافتد. چون اگر ظرفیت فکری وجود داشت می‌توان سطح تدبیر انسان‌ها را تقویت کرد ولی اگر ظرفیت وجودی کسی آماده تدبیر نبود کار، بسیار مشکل می‌شود.

حال که کار بسیار مشکل است ما باید چه کار کنیم؟ می‌توانیم در گزارش راهبردی بخشی را اضافه کنیم که سطح تعقل طرف مقابل را تقویت کرده و این موضوع را زیرساخت مسأله تدبیر قرار دهیم. این امر، کار بسیار مشکلی است؛ ولی عرض بنده این است که ساده‌اندیشی نکنید و فکر نکنید که اگر فردا گزارشی راهبردی نوشته و نسبت بین تصمیمات مهم آن مدیر را با زیرساخت‌های هدایت سنجیده و گزارش راهبردی را به او دادیم، تصمیم او درست شود. اگر طرف مقابل قبلاً اهل تعقل نبوده باشد، یعنی اصل داستان عبادت الله برای او حل نشده باشد، اصلاً ظرفیت تدبیر را پیدا نکرده است تا گزارش راهبردی شما در او تأثیر بگذارد.

۴. ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می‌کنیم و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی. سوره مبارکه یوسف آیه ۳



بنابراین اگر مخیر شدید که برای مجموعه‌ای از مسئولین گزارش راهبردی منتشر کنید، باید گزارش راهبردی را به کسانی ارائه کنید که ظرفیت تدبیر در آنها وجود دارد، یا اینکه در گزارش خود بخشی را اضافه کنید که حاوی تعقل باشد. اصلاً هدایت زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که توحید به رسمیت شناخته شود، البته نه رسمیت نظری بلکه باید توحید در فرد جاری شده باشد و قبلاً برای او جا افتاده باشد که خسارت یعنی از دست‌دادن آخرت و رضایت الهی. وقتی مفهوم سود و ضرر در ذهن فردی به صورت اقتصادی شکل گرفته باشد پیداست که رشد و غی، ملاک تصمیمات او نخواهد بود. بنابراین برای این دسته از مسئولین کار را باید از تحریک و عا و فکر در سطح تعقل یا تأمل شروع کنیم.

در حال حاضر ما با مسئولینی روبرو هستیم که ظرفیت‌های فکری ثابت ندارند، پس نمی‌توانیم آنها را در سطح تدبیر درگیر کنیم. بنابراین بهتر است که اصلاً چنین انسان‌هایی مسئول نشده و متصدی امور نشوند تا بعداً ما با آنها مشکل تدبیر نداشته باشیم؛ اما حالا اگر چنین مسئولینی پیدا شدند باید چه کار کنیم؟ اتفاقاً الآن نیز چنین مسئولینی وجود دارند و در سال ۱۳۹۵ در جمهوری اسلامی، مسئولینی داریم که نمی‌توانیم آنها را به این دعوت کنیم که در عاقبت تصمیمات خود تدبیر کنند تا ببینند که نسبت تصمیماتشان با هدایت و ضلالت مردم چیست. اصلاً ملاک‌های دیگری در ذهن آنها وجود دارد و تمام تصمیمات را با آن ملاک‌ها می‌سنجند، مثلاً تصمیمات را با ارزش افزوده، توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و ... می‌سنجند. وقتی ملاک کسی چیز دیگری است و ظرفیت فکری دیگری دارد، چطور سطح سوم و عا و فکر او را تحریک کنیم؟ کار بسیار مشکلی است. لذا رهبر معظم انقلاب در تعریف دولت اسلامی دو بحث دارند؛ ایشان می‌فرمایند هم دولت‌مردان و هم ساختارها باید اسلامی شوند<sup>۵</sup>، یعنی حتماً باید تلاش کنیم که مناصب در اختیار مؤمنین قرار بگیرد. چون مؤمن قبل از تصدی مسئولیت رشد عقلی پیدا کرده است و لذا شما می‌توانید ملاک سطح سوم تحریک فکر را با او تفاهم کنید. این عرض بنده است. پس بنابراین امروز بنده نکته‌ای را عرض کردم که ان‌شاءالله فردا آن را بیشتر خواهیم شکافت. وابستگی سطوح فکر به یکدیگر، انسان را به فکر فرو برده و یک سؤال ایجاد می‌کند و آن سؤال این است که اگر ما یک گزارش تدبیر و گزارش راهبردی خوبی را نوشته و نسبت تصمیمات یک مدیر را با ملاک‌های سطح سوم فکر بحث کنیم، آیا این مدیر قابلیت پذیرش این کار را دارد یا نه؟ چون دو بحث وجود دارد؛ یک حیث این

۵. امام خامنه‌ای علیه السلام : بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان یعنی ماها به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولت‌مردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی اگر هستند سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲) همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم میشکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است؛ عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. (دیدار دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۱/۹/۲۴)

است که شما خوب تبیین کنید که فلان تصمیم چه تأثیری بر رشد و غیّ ملت - بنابر حدیث نبوی شریف - دارد. بحث دیگر این است که آیا طرف مقابل در ظرفیت تدبیر قرار دارد یا هنوز در ظرفیت تأمل است و شما باید تلاش کنید در او رجوع به نفس ایجاد کنید؟

لذا کارهای پیامبران، کارهای عجیبی بوده است. به عنوان مثال [قرآن می‌فرماید: «اذهبْ اِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى»<sup>۶</sup> اصلاً فرعون طغیان کرده بود. با توجه به اینکه پیامبران «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى»<sup>۷</sup> بودند و باید با هدایت حرکت می‌کردند و با توجه به اینکه مبتنی بر بحث‌های جلسات گذشته «بِالْهُدَى» به معنای پنج‌سطح فکر می‌باشد که اولین سطح آن نیز تأمل است، وقتی پیامبری مدیریت آن جامعه را به دست می‌گرفت از ایجاد تأمل در فرعون عصر خود شروع می‌کرد. بنابراین ظاهراً تکلیف ما این است که اگر با چنین مسئولینی برخورد کردیم فرایند ایجاد تأمل در ذهن او را بر گزارش راهبردی مقدم کنیم، باید اینگونه عمل نمود. با جمعیتی از مسئولین باید دائماً در سطح تأمل کار کرد. حالا اینکه تأمل چگونه ایجاد می‌شود را در جلسات آینده بحث می‌کنیم. اما برخی از مسئولین قبلاً به تأمل واداشته شده‌اند و واقعاً جهت را عبودیتِ الله می‌دانند، چون قوه عقل آنها قبلاً تحریک شده است. [در مواجهه] با چنین مسئولینی، گزارش راهبردی به معنای تعریف فرایند تدبیر کارگشا است. چون خود مسئول آماده‌گی دارد و شما می‌توانید در او تذکر ایجاد کنید.

بنابراین در مباحث امروز به یک نکته رسیدیم؛ ما با دسته‌ای از مسئولین روبرو هستیم که ظرفیت آنها در سطح سوم وعاء فکر نیستند. با اینها چه کار کنیم؟ اگر این دسته را به فکر وادار نکنیم، تصمیمات غلط می‌گیرند. حالا فرض کنید ما در انتخابات و در فرایندهای فعلی نتوانستیم مناصب را به دست انسان‌های مؤمن - یعنی انسان‌هایی که در پنج‌سطح فکر می‌کنند یا پنج‌سطح فکر را قبول دارند اگرچه خودشان نتوانند در این پنج‌سطح فکر کنند - بسپاریم، اگر می‌توانستیم خوب بود، ولی واقعیت این است که الآن نمی‌توانیم. حالا با این مسئولینی که در سطح سوم فکر نیستند چه کار کنیم؟ اینها مشکلات جامعه ماست.

بسیاری از کسانی که در جریان مطالبه‌گر هستند با افرادی برخورد می‌کنند که واقعاً ظرفیت‌های اصلی تعقل و تأمل در آنها وجود ندارد. بنده یادم می‌آید در یک زمستان بسیار سرد در بروجرد در زمان یک دولتی به فرمانداری رفتیم و با یکی از دوستان وضعیت کارتن‌خواب‌های بروجرد را به ایشان گزارش دادیم. ایشان بعد از اینکه گزارش سوزناک و دردناک ما را شنیدند به ما گفتند از شما تشکر می‌کنم، شما وظیفه شهروندی خود را انجام دادید! برخی از انسان‌ها اینگونه هستند. ایشان به ما وقت دادند که گزارش ما را بشنوند تا ما از دست ایشان ناراحت نشویم، هیچ اتفاق خاصی در وجود او رخ نداد! در حالی که ممکن بود در اثر آن سرمای شدید چند نفر از دنیا بروند. خُب حالا با این مسئول چه کار کنیم؟ آیا می‌خواهیم برای او گزارش راهبردی نوشته و او را به تدبیر وادار کنیم؟! در

۲/۳/۲. لزوم به وجود آمدن

تأمل برای مدیرانی که نسبت به

مشکلات و مسائل جامعه دچار

بی‌حسی شده‌اند

۶. اذهبْ اِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى / سوره مبارکه نازعات آیه ۱۷

به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است

۷. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا / سوره مبارکه فتح آیه ۲۸

اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند.



وجود این فرد اتفاق بدی افتاده است و اصلاً غفلتِ اول به قدری عمیق است که دردِ مستضعف و محرومین را درک نمی‌کند. راهکار برخورد با این سطح از مسئولین، ایجاد تأمل است. بعداً بحث خواهیم کرد که از نظر فکر اسلامی چگونه می‌توان در یک مسئول کاملاً غافل تأمل ایجاد کرد. بنده مقدماتی را در چگونگی ایجاد تأمل و تعقل عرض خواهیم کرد و پس از آن بحث را به سمت چگونگی ایجاد تدبیر هدایت کرده و بحث را تکمیل خواهیم نمود. ولی به نظرم این نکته، نکته‌ای بسیار کارگشا خواهد بود که بعدها می‌توانیم از دل آن، راهبردهای مطالبه‌گری را استنباط کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ

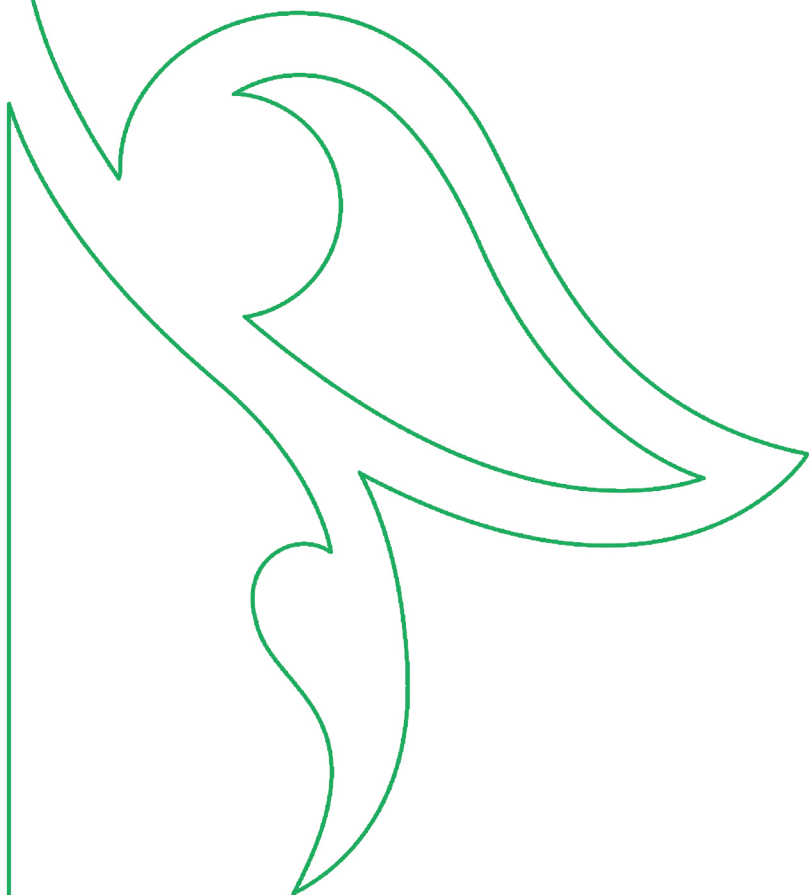
### فهرست تفصیلی

۱. ماهیت گزارش راهبردی، ماهیت سطح سوم فکر (تدبیر) ..... ۲۹
- ۱/۱. اندیشه در مورد عاقبت تصمیم، غرض نگارش گزارش راهبردی ..... ۲۹
- ۱/۲. غفلت از روش های فریه نمودن فکر به علت سیطره تفکر پوزیتیویستی در جامعه ..... ۲۹
- ۱/۳. رشد و غی؛ ملاک های اصلی تدبیر ..... ۳۰
- ۱/۳/۱. اختصاص بخشی از گزارش راهبردی به اصلاح معیارهای تصمیم گیری در صورت غفلت از ملاک های رشد و غی ..... ۳۰
- ۱/۳/۲. لزوم تشکیل خانواده روایات، جهت سنجش نسبت یک تصمیم با رشد ..... ۳۰
- ۱/۳/۲/۱. لزوم سنجش یک تصمیم با زیرساخت های رشد؛ به علت عدم توانایی سنجش مستقیم تصمیم با مفهوم رشد ..... ۳۰
۲. ارتباط کامل همه سطوح پنجگانه فکر با یکدیگر ..... ۳۱
- ۲/۱. عدم رسیدن به سطح تفقه به علت طی نکردن سطوح چهارگانه دیگر فکر ..... ۳۱
- ۲/۲. مراقبت از بیان حقایق منطق با سطح فکر مخاطب ..... ۳۲
- ۲/۳. تلاش برای اعطای مناصب به افراد دارای ظرفیت فکری مناسب؛ به علت ساده شدن مسیر تقویت تدبیر در آنها ..... ۳۳
- ۲/۳/۱. اهل فکر بودن مدیر، شرط پذیرش و تأثیر گزارش راهبردی در وی ..... ۳۳
- ۲/۳/۲. لزوم به وجود آمدن تأمل برای مدیرانی که نسبت به مشکلات و مسائل جامعه دچار بی حسی شده اند ..... ۳۵





# جلسه چهارم



بررسی ارتباط تدبیر با

سایر سطوح فکر (۲)

## شناسنامه جلسه چهارم



عنوان  
بررسی ارتباط تدبر با سایر سطوح فکر (۲)

تاریخ نشست  
۱۶ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۱۳ صفحه (قطع رحلی)

این جزوه متن پیاده شده چهارمین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "بررسی ارتباط تدبر با سایر سطوح فکر" برگزار گردید.

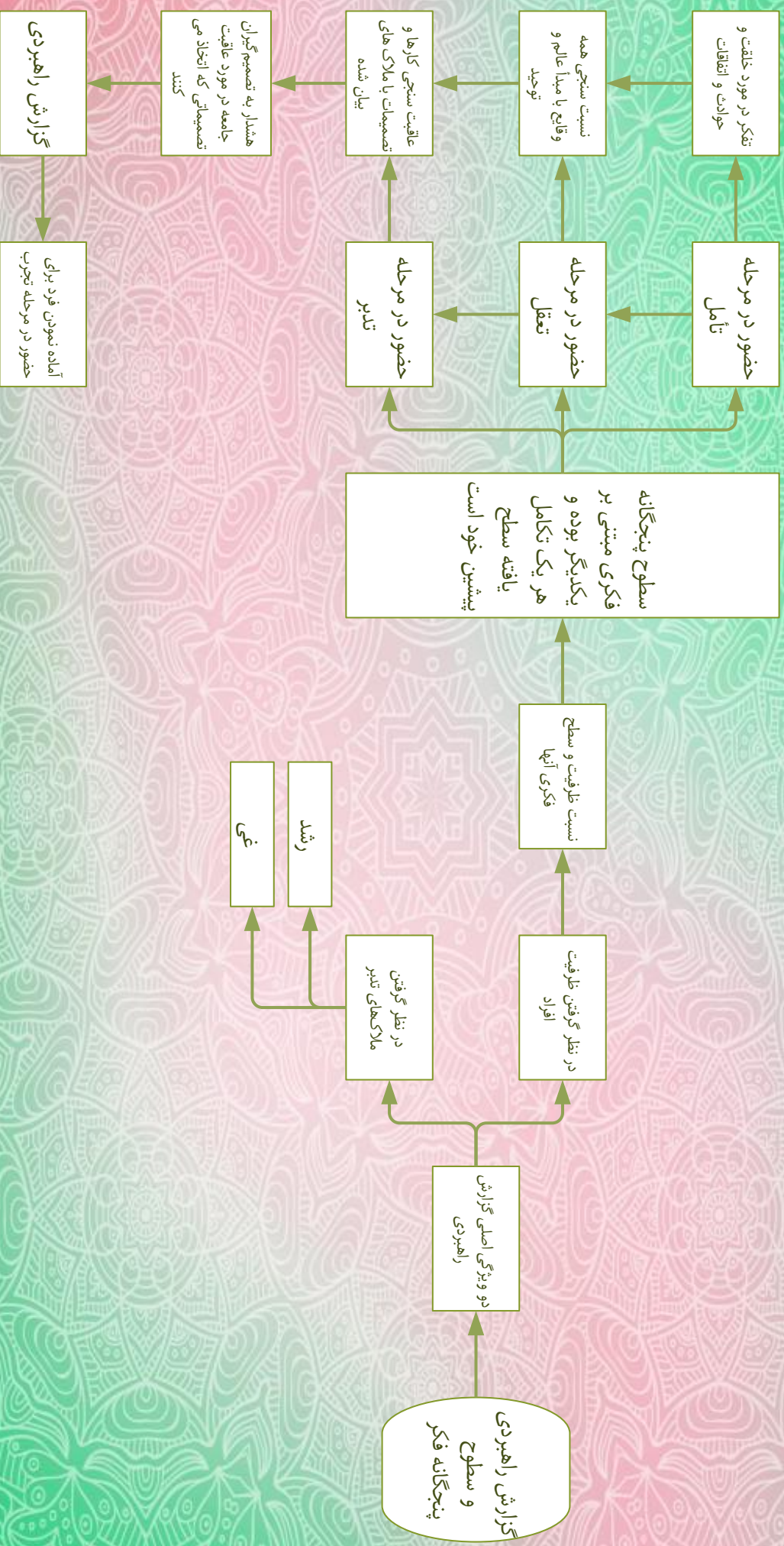
فقر مطلق انسان‌ها و شیوه رفع این فقر توسط مدرنیته در مقایسه فکر دینی در این جلسه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

همچنین در این جلسه بر لحاظ نمودن ظرفیت فکری انسان‌ها در طول هدایت آنها تأکید شد و به نمونه‌ای از ایجاد تأمل در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام پرداخته شد.

## فهرست اجمالی

۴۱	۱. در نظر گرفتن ملاک‌های تدبر و ظرفیت سنجی افراد؛ دو ویژگی اصلی گزارش راهبردی
۴۱	۲. تشخیص سطح فکر مخاطب و عمل بر اساس ظرفیت فکری وی؛ خاصیت مرتبط بودن سطوح پنج‌گانه فکر
۴۲	۳. برقراری ارتباط میان همه موجودات و ربوبیت الهی؛ معنای اصلی مرحله تعقل
۴۶	۴. نظام مفاهیم ارتقاء دهنده سطح تدبر در یک مسأله؛ معنای محوری گزارش راهبردی
۵۲	۵. مبتنی بودن تأمل بر زیرساخت‌های غیربیانی

## جلسه چهارم: بررسی ارتباط تدبیر با سایر سطوح فکر ۲



بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الأرضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

در جلسه‌ی گذشته موضوع بحث بررسی نسبت میان تدبیر به عنوان سطح سوم فکر با سایر سطوح فکر بود. این بحث در نوشتن گزارش راهبردی فایده‌ای داشت و آن فایده این است که به ما نشان می‌داد اگر کسی در ظرفیت تدبیر نیست، به وسیله‌ی گزارش راهبردی نمی‌توان در او تدبیر ایجاد کرد. پس بنابراین باید به طور مثال فرایند ایجاد توجه در مسئولی که خلاف جهت‌گیری اسلامی جامعه حرکت می‌کند را از فرایند تأمل آغاز نمود و فرایند تأمل، مقدم است. خُب این را در جلسه‌ی گذشته عرض کردم.

#### ۱. در نظر گرفتن ملاک‌های تدبیر و ظرفیت‌سنجی افراد؛ دو ویژگی اصلی گزارش راهبردی

پس تا اینجا دو ویژگی را در گزارش راهبردی بحث کردم؛ یک ویژگی این بود که قسمت اول گزارش راهبردی به این اختصاص دارد که ملاک‌های تدبیر را بحث کند. قسمت دوم عرائض ما اختصاص داشت به اینکه کسی که گزارش راهبردی می‌نویسد باید ظرفیت‌سنجی طرف مقابل خود را هم مورد توجه قرار دهد. اگر طرف مقابل، مسئول مورد نظر و مسئولی که تصمیمات خلاف جهت‌گیری می‌گیرد در ظرفیت تدبیر نیست، نمی‌شود با اکتفاء به گزارش راهبردی در او تدبیر ایجاد کرد. پس باید فرایند را از ایجاد تأمل شروع نمود.

#### ۲. تشخیص سطح فکر مخاطب و عمل بر اساس ظرفیت فکری وی؛ خاصیت مرتبط بودن سطوح

پنجگانه فکر



بحث وابستگی سطوح فکر به یکدیگر و ابتدای سطوح فکر بر یکدیگر، چنین خاصیتی داشت. آیا خاصیتش تنها همین است؟ خیر؛ یک خاصیت دیگری هم دارد. خاصیت دومش این است که به تبیین ملاک‌های تدبیر کمک می‌کند. بعد از توجه به ابتدای سطوح فکر بر یکدیگر دو خاصیت حاصل می‌شود؛ یکی اینکه ظرفیت‌سنجی می‌کنیم؛ بعضی انسان‌ها در ظرفیت تأمل هستند، بعضی در ظرفیت تعقل هستند و اگر کسی ظرفیت تعقل را در خودش ایجاد کرده بود، نوبت به برنامه‌ریزی برای تدبیر می‌رسد. اساساً تدبیر که فکر قبل از تصمیم است برای کسی معنا دارد که قبلاً ارتباط بین همه‌ی امور و ربوبیت الهی را بررسی کرده باشد.

### ۳. برقراری ارتباط میان همه موجودات و ربوبیت الهی؛ معنای اصلی مرحله تعقل

اجازه دهید من این مسأله را توضیح دهم. ما تعقل را به ارتباط برقرار کردن میان همه‌ی موجودات و میان ربوبیت الهی در عالم فکر تعریف کردیم، این معنای عقل است؛ وقتی می‌گوییم کسی عاقل هست، یعنی خدا را سرمنشأ همه‌ی تحولات می‌داند و به این مطلب اعتراف کرده و توجه می‌کند. بعضی به این مسأله توجه ندارند؛ البته حالا بعضی خیلی آشکار به این مطلب توجه ندارند.

مثلاً اگر شما الآن کتب مربوط به زیست‌شناسی و مطالعات حیوانات و این‌ها را مطالعه بکنید می‌بینید به جای اینکه سرمنشأ تأثیرات و تحولات در عالم طبیعت و حیوانات و غیره را خدا بدانند، از یک کلمه‌ی مبهم به نام طبیعت استفاده می‌کنند<sup>۱</sup> و می‌گویند طبیعت، چنین اقتضائی دارد، طبیعت حیوان همین‌طور هست. حُب بعضی خیلی آشکارا نقش خدا را در تحولات عالم انکار می‌کنند. بعضی به زبان جاری می‌کنند که خدایی در عالم هست؛ اما لوازم توجه به خدا را در رفتار و اعمالشان جاری نمی‌کنند.

۳/۱. جایگزینی منشاء تحولات عالم از خداوند متعال به طبیعت؛ اشکال بزرگ تفکرات پوزیتیویستی

در واقع اصل قضیه را در زبان انکار نمی‌کنند<sup>۲</sup> بلکه؛ می‌گویند خدای متعال عالم را خلق کرده است. بر خلاف جریان اول که می‌گفتند طبیعت - که کلمه‌ی خیلی مبهمی هم هست - سرمنشأ تحولات است و در طبیعت تکامل تدریجی اتفاق افتاده است. دسته دوم به جای این کلمات مبهم، اعتراف می‌کنند که سرمنشأ تحول به ربوبیت الهی باز می‌گردد؛ اما این ربوبیت را جزء به جزء و دقیق بررسی نمی‌کنند.

۳/۲. بحث مبهم بر سر خلقت عالم توسط خداوند، ویژگی دسته‌ای از اهل ایمان

1. DAMINELI, A. *Hubble: a expansão do universo*. São Paulo: Odysseus, 2003.

FERRIS, T. *O despertar da Via-Láctea*. Rio de Janeiro: Campus, 1990.

GLEISER, M. *A dança do universo*. São Paulo: Companhia das Letras, 2000.

GUTH, A. *The Inflationary Universe*. Massachusetts: Addison-Wesley, Reading, 1997.

KEPLER, S. O.; SARAIVA, M. F. *Astronomia e astrofísica*. Porto Alegre: Editora da UFRGS, 2000. [Also available at: astro.if.ufrgs.br]

NORTH, J. *Astronomy and Cosmology*. Glasgow: Fontana Press, 1994.

۲. قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ سوره مبارکه بونس آیه ۳۱

بگو کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد یا کیست که حاکم بر گوشها و دیدگان است و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌سازد و کیست که کارها را تدبیر می‌کند خواهند گفت خدا پس بگو آیا پروا نمی‌کنید.



مثلاً در اوصاف مومنین هست که وقتی برای نماز شب بلند می‌شوند رو به آسمان می‌کنند و به خدای متعال خطاب می‌کنند: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا<sup>۳</sup>؛ شما این دستگاه آسمان و زمین و این موجودات را باطل نیافریده‌اید. این شخص اصلاً توجه ویژه دارد.

یا خدای متعال می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»؛ یعنی شما خلقت شتر را بررسی کنید. به طور مثال یکی از ویژگی‌های شتر این است که بدن به شدت پاک و پاک‌کننده‌ای دارد. تا جایی که در روایات ما ادرار شتر به عنوان دواى برخی از عفونت‌های پیچیده معرفی شده است.<sup>۵</sup> اگر به صورت حسی و تجربی در آزمایشگاه‌ها بررسی شود مشاهده می‌شود که مواد موجود در ادرار شتر، بسیار مؤثرتر از پنی‌سیلین‌ها و مواد میکروب‌کش است، به علاوه اینکه آفات آنها را هم ندارد؛ شما می‌دانید که به طور مثال در همین مسأله‌ی پنی‌سیلین تنها اینگونه نیست که مسأله‌ی مضر به بدن توسط پنی‌سیلین کنترل شود، بلکه پنی‌سیلین عارضه‌ی جانبی هم دارد برخلاف ترکیبی که در ادرار شتر هست. خدای متعال دعوت کرده که مطالعه کنید. «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»؛ ما به بررسی خلقت شتر دعوت شده‌ایم. باید بررسی ویژه شود که چه ویژگی در خلقت شتر هست. این تعقل است دیگر. قرآن می‌فرماید: «كَيْفَ خُلِقَتْ». خدای متعال به بررسی داستان خلق شتر را - به عنوان یکی از مخلوقات ویژه‌ی خودش - توصیه می‌کند. سؤال، هم نوعی استفهام توییحی هست؛ «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» [با لحن توییح می‌فرماید] در شتر تأمل نمی‌کنید؟! در شتر تأمل نمی‌شود؟ نگاه به شتر نمی‌شود که «كَيْفَ خُلِقَتْ»؟ پیداست که یک سر پیچیده‌ای در خلقت شتر هست؛ شتر در سخت‌ترین شرایط استقامت می‌کند و فواید فراوانی دارد. همه‌ی این‌ها باید بررسی شود.

یا اینکه می‌فرماید: «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ»<sup>۶</sup> در قرآن راجع به تین و زیتون بحث شده است. خوب چه خاصیتی در این تین و زیتون هست که مورد تأکید خدا قرار گرفته است؟ عرض بنده این است که در ادبیات وحی ارتباط بین همه‌چیز و ربوبیت الهی بحث شده است. گاهی به بیان کلی بحث شده است مانند «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۷</sup>؛ شما در اینکه خدا خالق آسمان و زمین است شک

۳. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَنُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۹۱

همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آریمه یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزه‌ی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار

۴. أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ؛ سوره مبارکه غاشیه آیه ۱۷  
آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟

۵. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَىٰ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَسْأَلُ الْإِبِلَ خَيْرًا مِنَ الْبَنَاتِهَا وَيَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الشَّعَاءَ فِي أَلْبَانِهَا. بول شتر بهتر است از شیر شتر و خداوند شفا را در شیر شتر قرار داده است.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص: ۳۲۸

۶. وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ؛ سوره مبارکه تین آیه ۱

سوگند به انجیر و زیتون

۷. قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْوِيَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛ سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۰



دارید؟ در این آیه ربوبیت به بیان کلی بحث شده است. گاهی اوقات به صورت جزئی توصیه شده که ارتباط موارد مهم را با ربوبیت الهی بحث کنید. بالآخره تعقل، یک موضوعی در حوزه‌ی فکر است و خواصی هم بر آن مترتب می‌شود. مهم‌ترین خاصیتی که بر تعقل مترتب می‌شود مسأله آرامش است؛ یعنی اولین اثر عقل، ایجاد آرامش هست. چرا؟ چون اولین چیزی که همه‌ی انسان‌ها درک می‌کنند فقر مطلق خودشان است. فقر وحشت‌زا هست، فقر با وحشت قرین است. وقتی انسان خود را از همه‌ی حیث‌ها نیازمند مطلق، محدود مطلق و وابسته مطلق دید، نتیجه‌ی این درک که در تمام انسان‌ها وجود دارد - نیازی هم نیست که دانشگاه بروید تا این درک برای شما پیدا شود - این است که انسان دچار اضطراب مطلق می‌شود و با خود می‌گوید من با این همه نیاز پاسخ داده نشده چه کار کنم؟ اگر ما عقل را تقویت نکرده و دائماً خدای متعال را به خودمان و دیگران متذکر نشویم، هیچ جایگزینی برای رفع فقر متصور نیست.

۳/۴/۱. بی‌بردن به فقر مطلق انسان و از بین رفتن آن تنها بوسیله اتصال به خداوند متعال؛ مهمترین عامل ایجاد آرامش

لذا برخی از فلاسفه‌ی غربی در بحث‌های خود گفته‌اند دنیا و خلقت بسیار وحشتناک است<sup>۸</sup>. وقتی بررسی می‌کنند می‌بینند که همه‌چیز در دنیا نیازمند است و همه نیازمند هستند. از طرفی هم چون خدا را نمی‌بینند - که می‌تواند فقر همه را تأمین کند - یک راه بیشتر در ذهن آنها تصویر نمی‌شود و آن هم این است که همه برای رفع فقر به سمت استثمار همدیگر می‌روند. لذا تصویر می‌کنند که دنیا، دنیای وحشتناکی هست. اگر تعقل جدی گرفته نشد، وحشت و اضطراب در وجود انسان‌ها نهادینه می‌شود تا حدی که در حد فلسفه تئوریزه می‌شود.

۳/۴/۲. استثمار؛ پیشنهاد اشتباه فلاسفه غربی در از بین بردن فقر مطلق انسان‌ها

اما چگونه جایگاه خدا را جا بیاندازیم؟ با بحث‌های فلسفی نظری؟ مانند اینکه بگوییم شخص باید تردد بین امکان و وجود و وابستگی امکان به وجود را بررسی کند و در ادامه از آن نتیجه بگیرد که خدایی بر این عالم حاکم است؛ یعنی همین مکانیزمی که در برهان صدیقین آمده است. حُب شاید این مکانیزم در یک جاهایی مفید باشد؛ اما تعقل یعنی از همه‌چیز با دستگاه الهی ارتباط

۳/۵. عدم ارتباط گیری عمومی با مباحث فلسفی؛ مبین ناکارآمدی دستگاه فلسفه در اثبات وجود و جایگاه خداوند

پیامبران‌شان گفتند مگر در باره خدا پدید آورنده آسمانها و زمین تردیدی هست او شما را دعوت می کند تا پاره ای از گناهانتان را بر شما ببخشايد و تا زمان معینی شما را مهلت دهد گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید پس برای ما حجتی آشکار بیاورید.

#### 8. refer to:

A) *The Advancement and Proficiency of Learning Divine and Human ('New Method', 1620); Francis Bacon.*

B) *City of God, Confessions, Enchiridion, Doctrine(374); Saint Augustine*

C) *Treatise of Man(1633). René Descartes*

همچنین:

به اعتقاد هابز انسان به طور طبیعی موجودی خودخواه و خودپرست است. اعمال انسان از امیالی سرچشمه می‌گیرند که نیازمند کامیابی هستند. همه اعمال انسان بر اساس میل به غذا، مسکن، شهرت، ثروت و شهوت قابل تبیین هستند. هنگامی که انسان‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند ارضاء امیال آنها با هم تزاخم پیدا می‌کند و بنابراین جنگ پیش می‌آید. زندگی میدان نبرد میان انسان‌هاست و کسی پیروز می‌شود که قوی‌تر باشد. اما انسان قوی نیز سرانجام در این نزاع شکست خواهد خورد. بنابراین زندگی انسان در حالت طبیعی، تنها، گوشه‌گیر، فقیر، پست، زشت، کوتاه و نفرت‌انگیز است. انسان گرگ انسان است و طبیعت او برای زندگی اجتماعی مناسب نیست. او معتقد است که انسان از روی اجبار به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد. هابز می‌گوید انسان فطری دارای مجموعه صفاتی است که وی را شرور، زیاده‌طلب، پلید، دروغگو و درنده می‌نماید. جمله معروف هابز «انسان گرگ انسان است» گویای همین ادعای اوست.

برگرفته از: توماس هابز، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب، پیشین، ص ۱۰۱؛ لویاتان، پیشین، ص ۲۸-۳۷





برقرار کنیم. «الْعَقْلُ قَالَ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ<sup>۹</sup>؛ توجه کنید! در اینجا کلمه‌ی رحمان موضوعیت دارد؛ رحمان یعنی رحمت عام الهی. یعنی اگر کسی عاقل بود، وابستگی همه‌چیز را به خدا می‌فهمد؛ یعنی رحمانیت خدا را متوجه می‌شود و متوجه می‌شود که همه‌چیز از بستر رحمت الهی ارتزاق می‌کند. عقل چنین چیزی است، عقل آرامش ایجاد می‌کند، عقل اضطراب را می‌برد.

اگر کسی اهل تعقل بود، در مرحله‌ی تدبیر به این نتیجه می‌رسد که نسبت بین افعال خودش و دستگاه الهی هم بررسی کند. چرا؟ چون همه‌ی افعال انسان‌ها - از اول تا آخر، از ظاهر تا باطن - برای رفع فقر انسان‌ها سازماندهی می‌شود و هر کس، هر کاری می‌کند برای رفع فقرش هست. اگر کسی خدا را ندید، افعال، رفتار، بیان و همه‌ی افعال خود - از فعل قلب تا فعل جوارح - را سازماندهی می‌کند تا رفع فقر خودش را مدیریت کند.

اما اگر خدا را بر تمام موجودات حاکم دیده و او را رافع فقر تمام موجودات بداند، همه اعمال خود را با عامل اصلی رفع فقر هماهنگ می‌کند. اصلاً تدبیر برای کسی موضوعیت پیدا می‌کند که قبلاً ربوبیت و رحمانیت الهی را درک کرده باشد. البته مراد بنده درک نظری نیست، بلکه باید تجربه کرده باشد و در خود ظرفیتی ایجاد نموده باشد. لذا هر کسی به تدبیر نمی‌رسد.

لذا در آن حدیث نبوی شریف - بنده این مطلب را چندبار عرض کردم - حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی می‌خواست روایات تدبیر را بفرماید می‌ترسید که طرف مقابل به دلیل ظرفیت عقلی خود به مسئله توجه نکند. لذا سه‌بار از مخاطب خود پرسیدند: اگر توصیه‌ای بکنم عمل می‌کنی؟ آن شخص هم فرمود: بلی یا رسول الله. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این سؤال را سه مرتبه از طرف مقابل پرسیدند؛ چون می‌خواستند طرف مقابل را برای ظرفیت تدبیر آماده کنند، ایشان بین طرف مقابل و ظرفیت تدبیر فاصله می‌دیدند. وقتی سه‌بار او را حساس نموده و سه مرتبه در او آمادگی بیانی ایجاد کردند<sup>۱۰</sup> پس از این آماده‌سازی‌ها فرمودند «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ». بعد از اینکه طرف مقابل را برای ظرفیت تدبیر آماده کردند به ایشان فرمودند: وقتی همت کردی و خواستی برای کار همت گمارده و وقت صرف کنی و وقتی خواستی عمر خود را برای چیزی صرف کنی - إِذَا هَمَمْتَ یعنی تصمیمات مهم - «فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ». به اولین چیزی که باید توجه کنی این است که عاقبت آن کار چیست.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یک سؤال مقدر نیز جواب دادند. گویا مخاطب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ایشان پرسیدند که ملاک تدبیر چیست و من با چه چیزی بسنجم؟ چه چیزی را ملاک قرار داده و بگویم عاقبت یک کار خوب است یا نه؟ حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند این کان رُشْدًا فَاْمُضِهِ، وَإِنْ كَانَ عَيْبًا فَانْتِهِ عَنْهُ؛ حضرت رشد

۹. قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ قَالَ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوَيْةَ فَقَالَ تِلْكَ النَّكَرَاءُ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ

شخصی از امام صادق - علیه السلام - پرسید عقل چیست؟ فرمود: چیزی است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت بدست آید. آن شخص گوید: گفتم پس آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: آن نیرنگ است، آن شیطنت است، آن نمایش عقل را دارد، ولی عقل نیست.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، محقق: دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۱

۱۰. در جلسات دوره شریف عرض کردم که در این روایت این آماده‌سازی از طریق بیان در آماده‌سازی از طریق غیر بیان ضرب می‌شود. آماده‌سازی غیر بیانی چیست؟ جایگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ اصل شخصیت پیامبر امام‌المسلمین دائم‌المعززه‌ی و الکرامة، انسان‌ها را برای بیان حقایق آماده می‌کند. ولی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این موضوع اکتفا نموده و از طریق بیان نیز ورود پیدا کردند و طرف مقابل را آماده نمودند. انتقال از متن



و غیّ را ملاک قرار دادند. پیداست قبلاً تبیین رشد و غیّ در ذهن مخاطب ایجاد شده و قد تبیین رشد من الغی اتفاق افتاده است که حالا پیامبر ﷺ به او می‌فرمایند رشد و غیّ را ملاک قرار بده. پس داستان تعقل دو کارکرد دارد؛ هم ظرفیت طرف مقابل و طرفی که تعقل نموده و عاقل است را ارتقا می‌دهد تا به ظرفیت تدبیر برسد و هم یک ملاک مادر درست می‌کند که شما مبتنی بر این ملاک مادر می‌توانید ملاک‌های تدبیر را معنا کنید.

۳/۸. ارتقا ظرفیت در جهت ورود به مرحله تدبیر و ارائه یک معیار اصلی برای سنجش تدبیر؛ مهمترین کارکردهای مرحله تعقل  
رشد و غیّ کجا تبیین پیدا می‌کند؟ در مرحله تعقل. چه چیزی رشد انسان‌ها و چه چیزی گمراهی است؟ آن چیزی رشد است که فقر انسان‌ها را برطرف کند و این موضوع برطرف‌کننده‌ی فقر همان رحمانیت الهی است. چه چیزی گمراهی انسان‌ها است؟ اینکه انسان راهی را طی کند که در انتهای آن به جایی نرسد؛ ظُلُمَاتُ فَوْقَ ظُلُمَاتٍ<sup>۱۱</sup>؛ وارد تاریکی‌ها چند لایه شده و هیچ چیزی را نبیند و نفهمد و نتواند تشخیص دهد. بنابراین هدایت و ضلالت یک پایه دارد و آن پایه این است که آیا شما ربوبیت الهی را می‌فهمید یا نه؟ این موضوع باید در مرحله قبل از تدبیر بحث شده باشد. وقتی یک نفر تصمیمات خود را با رشد می‌سنجد، پیداست قبلاً رشد برای او تصور شده است.

حُبّ رشد در کجا تصور می‌شود؟ انسان در کجا می‌فهمد که چه چیزی مایه رشد او بوده و چه چیزی منجر به غیّ او می‌شود؟ این موضوع را در مرحله تعقل می‌فهمد. تدبیر، تطبیق افعال انسان‌ها با یکسری ملاک است. این ملاک‌ها در کجا به دست می‌آید؟ در مرحله تعقل. لذا فرمود «احسن‌العقل‌التدبیر<sup>۱۲</sup>»؛ یعنی وقتی عقل به نقطه کمال خود می‌رسد تدبیر می‌شود. بعداً این روایت فنی پیچیده را توضیح خواهم داد. این روایت وابستگی تدبیر و تدبیر به تعقل را بحث می‌کند. بله، خود تدبیر یک نوع خاص فکرکردن است. برخی از افراد که در ظرفیت تدبیر هستند همان لحظه‌ای که می‌خواهند تصمیم بگیرند به عاقبت آن فکر می‌کنند و پس از این به آن تصمیم بله یا خیر می‌گویند. اما برخی اینگونه نیستند و همین‌طور تصمیم می‌گیرند و می‌گویند هر چه شد، شد. این یک‌حالتی در انسان‌هاست.

#### ۴. نظام مفاهیم ارتقاء دهنده سطح تدبیر در یک مسؤل؛ معنای محوری گزارش راهبردی

حُبّ تدبیر قبل از تصمیم در چه کسی نهادینه است؟ کسی که تعقل در او نهادینه است. این عرض اصلی بنده است؛ سطوح تفکر واقعاً به هم وابسته هستند. حالا من و شما می‌خواهیم برای مسؤل در جمهوری اسلامی گزارش راهبردی بنویسیم. عرض کردیم که از نظر اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گزارش راهبردی یعنی نظام مفاهیمی که منجر به ارتقای تدبیر در یک مسؤل می‌شود، این اصل داستان است. ما می‌خواستیم این کار را شروع کنیم؛ اما با بحث در مورد ابتدای

۱۱. أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ؛ سوره مبارکه نور آیه ۴۰

یا [کارهایشان] مانند تاریکی‌هایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند [و روی آن موجی [دیگر] است] [و] بالای آن ابری است تاریکی‌هایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است هر گاه [غرچه] دستش را بیرون آورد به زحمت آن را می‌بیند و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود.

۱۲. نهج البلاغه؛ حکمت ۱۱۳



سطوح فکر بر یکدیگر، دو نتیجه به دست آوردیم. یعنی در واقع نوشتن‌های ما در حال دقیق‌شدن است.

نکته اول این است که اگر طرف مقابل در ظرفیت تدبیر نیست نباید به گزارش راهبردی اکتفا کنید، بلکه باید کارهایی را انجام دهید که طرف مقابل به ظرفیت تدبیر برسد.

دومین فایده‌ی [ابتنای سطوح تفکر بر یکدیگر] این است که فهمیدیم ملاک‌های تدبیر بر ملاک‌های حوزه تعقل مبتنی هستند. باید ملاک‌های حوزه تعقل را مقدمه قرار دهیم، این ملاک‌ها در حکم مبانی نظری هستند. شما می‌خواهید [در گزارش راهبردی] بگویید که رشد و غنی‌ملاک است ولی قبلاً باید توضیح داده باشید که رشد هر انسان وابسته به این است که فقر او مدیریت تام شود، در غیر اینصورت طرف مقابل رشد پیدا نخواهد کرد.

مدیریت تام فقر نیز وابسته به این است که فقر را الی‌الله مدیریت نموده و به سمت کسی برویم که می‌تواند فقر را برطرف کند. باقی افراد نیازمند هستند و اگر برای رفع فقر به سراغ یکدیگر برویم استثمار و اصطکاک در جامعه اصالت می‌یابد. ضمن اینکه خود ما نیز فقیر هستیم و یک فقیر حاضر نیست به فقیر دیگر کمک کند. بنده قبلاً در بحث‌ها عرض کرده‌ام که وقتی می‌بینید فردی اهل ایثار، خمس و زکات است و ایثار مالی می‌کند<sup>۱۳</sup> و صدقه - چه صدقه واجب و چه مستحب - می‌دهد پیداست که تکیه‌ی او در رفع فقر بر عاملی است که می‌تواند او را قانع کند که اگر پول خود را بدهد ضرر نمی‌کند. اصلاً مسأله صدقه در جامعه ما تضعیف شده است؛ چون تعقل تضعیف شده است. قبلاً عرض کرده‌ام که از بحث‌های فنی مبانی نظری الگو این بحث است که میزان ایثار به میزان احتساب فرد است. اینکه فرد به چه میزان خدا را حساب می‌کند، تعیین‌کننده‌ی این است که به چه میزان ایثار می‌کند. اینکه انسان به چه مقدار خدا را حساب کند به میزان تعقل او وابسته است. به همان میزان که خدا را حساب نمی‌کنیم، مُشْرک شده و خیر و شرمان را در اختیار دیگران می‌بینیم. لذا در دعا آمده است که "ناصیه من به دست توست؛ یعنی سرنوشت من به دست توست. اینکه یک فرد به این نتیجه می‌رسد که سرنوشت او فقط در دست خداست، معلوم است که تعقل می‌کند. چنین کسی حاضر می‌شود که افعال خود را با ربوبیت و محوریت خدا هماهنگ کند. بنابراین تعقل دو خاصیت دارد؛ یکی اینکه ملاک‌ها را روشن می‌کند. ملاک‌های حوزه تعقل، مبانی نظری ملاک‌های حوزه تدبیر هستند. می‌دانید این حرف به صورت ساده یعنی چه؟ یعنی وقتی فردی به شما می‌گوید چرا رشد را ملاک قرار دهم، شما می‌گویید به دلیل اینکه فقر الی‌الله است. این موضوع که فقر الی‌الله است در تعقل به دست می‌آید و تا زمانی که این موضوع را جا نیندازید نمی‌توانید رشد و هدایت را مبتنی بر فقر الی‌الله بحث کنید. اصلاً مفهوم رشد و غنی‌ملاک مفهوم میانی است؛ رشد و غنی‌ملاک یعنی رشد یا همراه شدن طرف مقابل. پس قبل از این بحث شما باید تکیه‌گاهی را تعریف کنید، این تکیه‌گاه در حوزه مبانی ملاک‌های عقل است.

۱۳. به ایثار مالی صدقه می‌گویند، چون علامت صادق بودن طرف مقابل است و معلوم می‌شود اعتقاد او تام است که حاضر به ایثار مالی می‌باشد؛ چون مال، ابزار رفع نیاز است. انتقال از متن



۴/۳/۱. کراهت اجیر شدن به  
علت وجود ابهام در جهت رشد  
فرد

پس بحث را جمع بندی کنم تا به این بحث خاتمه دهم، بنده می‌خواهم حوزه تدبیر را بحث کنم. بحث اصلی این است که ما سطوح فکر را مبتنی بر یکدیگر می‌دانیم. همان طور که دیروز مثال زدیم، فکر، یک ساختمان پنج طبقه است و طبقه پنجم نیز تفقه است. البته طبقه پنجم یک چشم انداز خوب و عالی دارد. وقتی کسی فقیه شد عوالم بعد را هم می‌بیند ولی طبقه پنجم به استحکام طبقه چهارم وابسته است. انسان، بعد از تجرب به تفقه می‌رسد. تا زمانی که تجرب را طی نکند اصلاً ظرفیت فقاقت را به او نمی‌دهند. تجرب زمانی برای فردی جدی می‌شود که اهل تدبیر باشد. تدبیر زمانی برای فرد جدی می‌شود که اهل تعقل باشد. کسی حاضر به تعقل خواهد بود که دائماً در او تأمل ایجاد شده باشد و به فکر فرو رفته باشد. بعداً بحث خواهیم کرد که مکانیزم ایجاد تأمل چیست. بنده می‌خواستم در این جلسه بحث کنم ولی بحث خیلی طولانی می‌شود. امروز بر روی تعقل ایستادم و توضیح دادم که تعقل چیست. وقتی طرف مقابل تعقل می‌کند خدا را در عالم می‌بیند و در نتیجه آرام است و وقتی آرام است در مقابل پیشنهادات مختلف وسوسه نمی‌شود. یکی به او می‌گوید به تو ده میلیون تومان می‌دهیم، طرف دیگر می‌گوید به تو سه میلیون می‌دهیم، شخص دیگری می‌گوید به تو یک میلیون می‌دهیم؛ اما این شخص آرام است و به جای دیگری اتکا دارد و لذا راحت تصمیم گرفته و می‌گوید من هیچ‌یک از این شغل‌ها را انتخاب نمی‌کنم، چون اجیر می‌شوم و اجیر شدن کراهت دارد<sup>۱۴</sup>؛ زیرا درست است که منبع مالی‌ای را برای خرج زندگی دریافت می‌کنم، اما نکته مهم این است که با اجیر شدن، یک نفر و یک جهت را نصرت می‌کنم. این شخص تدبیر می‌کند و آرام است و با خود می‌گوید: به قیمت اجیر شدن من چه جهتی نصرت می‌شود؟ آیا جهتی که این سازمان دارد به رشد کمک می‌کند یا به غی؟ با این فرد خیلی راحت می‌توان صحبت کرد؛ چون آرام است. اما در حال حاضر برعکس است و چون تعقل تضعیف شده است، همه شغل اداری را بهترین شغل می‌دانند. چون در ذهن آنها دائماً مرور نشده است که نسبت همه چیز با خدا تمام می‌شود. وقتی کسی رحمانیت خدا را ندید، نگاهی مادی خواهد داشت و خواهد گفت تمام شغل‌ها ورشکستگی دارند ولی شغل اداری، شغل اطمینان بخش است. این موضوع در جامعه ما عمومی شده است در حالی که ما در جامعه خودمان محرم و صفر می‌گیریم و مراسمات مذهبی مفصل داریم ولی پیداست که ما با استفاده از ظرفیت این مراسمات مهم نتوانستیم تحریک عقل ایجاد کنیم که چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد. همه اجیر شدن را محبوب می‌پندارند و افراد، استخدام یک سازمان اداری را چشم بسته قبول نموده و احساس می‌کنند که اگر استخدام نشوند زندگی آنها دچار چالش می‌شود. البته نمی‌توان این

۱۴. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ. و في روايةٍ أخرى: و كيف لا يَحْظُرُهُ، و ما أصاب فيه فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ؟ امام صادق عليه السلام: کسی که خود را اجیر [دیگری] کند، مانع روزی خود شده است. در روایتی دیگر آمده است: چگونه مانع روزی خود نشده، آنکه دسترنجش از آن کار فرمایی است که او را اجیر خود کرده است؟!

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، محقق؛ دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق ج ۵ / ص ۹۰

موضوع را با توصیه و بیان در فضای غیر ذکر حل کرد و به آنها گفت: اجیرشدن کراهت دارد، اصلاً این موضوع را درک نمی‌کند؛ چون این حکم، یک حکم تدبیری بوده و سوار بر تعقل می‌باشد. اگر تعقل وجود داشت این حکم معنا پیدا می‌کند. این، بحث بسیار مهمی بود که بنده عرض کردم.

سطوح فکر را باید جدی گرفت و متأسفانه مخرب‌ترین موضوع برای سطوح فکر، بحث‌های فلسفی است. چون در فلسفه ظرفیت فکر طرف مقابل طبقه‌بندی نشده است و قواعد آن بحث نمی‌شود و ما در فلسفه به صورت نظری بحث می‌کنیم که خدا وجود دارد و به صورت نظری به یک شبهه جواب می‌دهیم. فلسفه قدرت جاری کردن حقایق عالم در طرف مقابل را ندارد، چون اصلاً ذکر را نمی‌فهمد و قواعد ذکر را رعایت نمی‌کند، نقطه شروع او درد طرف مقابل نیست. [خلاصه علت این موضوع،] همان بحث‌هایی که بنده مدت‌ها در فرق بین عقل و فلسفه بحث کردم. وقتی بیان عقلی ما نتوانست ظرفیت فکر طرف مقابل را تشخیص دهد نمی‌تواند تحریک و عاء فکر را مدیریت کند. شما بلافاصله باید متوجه شوید که طرف مقابل شما در چه ظرفیتی است؟ اگر می‌بینید آرام نیست، از عدم آرامش او بفهمید که در مقام تعقل نیست. پس حکم می‌شود باید و عاء فکر او را در سطح تأمل نگه داشته و دائماً کلمات حکیمانه، امور غیر بیانی و نرمش‌های قهرمانانه انجام دهید تا دائماً به فکر فرو برود و بداند که حقایقی وجود دارد.

داستان حضرت ابراهیم علیه السلام بسیار داستان فنی‌ای است. حضرت ابراهیم علیه السلام هفده سال داشتند. «قَالُوا سَمِعْنَا قَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ»<sup>۱۵</sup> ایشان جوانی بودند. عموی ایشان که آذر نام داشت، جزو مردان اقتصادی حکومت نمرود بودند. در کار تراشیدن بت بودند. برخی به دلیل این که در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام درایه به خرج نمی‌دهند، نمی‌توانند نسبت به این داستان ذکر ایجاد کنند. برخی فکر می‌کنند عموی حضرت ابراهیم علیه السلام که در کار ساختن بت بوده، شغلی مانند مجسمه‌سازی الان داشتند. نه؛ به دلیل این که در روزگار حضرت ابراهیم علیه السلام تمام مناسک اجتماعی حول بتخانه بوده، این شغل‌ها شغل اصلی بودند. لذا جزو مشاغل پردرآمد و قابل تکریم برای مردم آن روز بود. این کار درآمد زیادی داشته و مردم هم این شغل را جزو مشاغل برتر می‌شمردند. به عنوان مثال اگر بخواهم با دنیای امروز تشبیه کنم باید بگویم همانند دکتر و مهندسان امروزه بوده است. الان چگونه بعضی دکترها درآمدهای نجومی دارند و شغلشان خوب است؟ آن روزگار هم همینگونه بوده؛ مثلاً اگر امروزه شما دکتر حوزه زیبایی شوید که در جامعه به دلیل همین عدم آرامش همه نوع عمل زیبایی وجود دارد، درآمد بسیار بالایی پیدا می‌کنید.

در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام مناسک اجتماعی حول بتخانه بوده است. یعنی آنخماهوها و آمون‌ها و کاهنان معبد، مردم را به مناسکی دعوت می‌کردند که آن مناسک به بتخانه ختم می‌شد. یعنی بحث‌های علمی و دینی حول بتخانه بود. پس اگر دستگاه علمی دانشجو می‌گرفت، به آن دانشجو قواعد بتخانه را تدریس می‌کردند. در آن طرف داستان، پادشاه و حکومت هم چون می‌دید این قضیه

۴/۳/۲. مباحث فلسفی، مانع بزرگ تبیین سطوح فکر

۴/۳/۳. داستان حضرت ابراهیم علیه السلام: نمونه‌ای از ایجاد ذکر در مومنین

۱۵. قَالُوا سَمِعْنَا قَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ؛ سوره انبیاء آیه ۶۰

گفتند شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم علیه السلام گفته می‌شود.

به فرهنگ تبدیل شده، عبور از این فرهنگ را به معنای تزلزل حکومت خود می‌دید. پس نظام سیاسی هم از آن‌ها حمایت می‌کرد. نظام سیاسی هم به دلیل این که یک مسأله‌ای به پذیرش رسیده، آن را قبول می‌کرد؛ البته برای آن‌ها سودی مادی هم مترتب بود. پس حکومت هم از این دستگاه، حمایت سیاسی می‌کرد. در دستگاه اقتصادی هم همان افرادی که در صنایع پایین دستی بتخانه مشغول می‌شدند، وضع و اوضاع خوبی داشتند. به دلیل این که هر کدام از انسان‌ها چند نوع بت داشتند؛ داستان بت‌ها هم جالب است. همان‌طور که می‌دانید نظامی از بت‌ها بود. بت‌های بزرگ که در معبد بودند و تندیس‌های مشابه آن‌ها در خانه‌ها گذاشته می‌شدند. به دلیل این که شاید تا صدها بت می‌رسید و صدها نوع بت وجود داشت، هر کسی که وسع مالی داشت صد نوع بت برای خانه خود طراحی می‌کرد؛ بتی که مربوط به امور آب است یا بتی که مربوط به امور کشاورزی بود. این‌ها قائل بودند هر چیزی خدایی دارد. خلاصه با این توضیحات قصد دارم این را بگویم که صنایع تولید بت، یعنی تجارت برتر عصر حضرت ابراهیم علیه السلام، پس عموی حضرت ابراهیم علیه السلام میلیاردر بودند. حضرت ابراهیم علیه السلام عجب زندگی مرفه‌ای می‌توانست برای خود تأمین کند. یعنی می‌توانست دل عمو را به دست بیاورد و وارث ثروت و مکنث و احترام عمو بشود. خب عمو که در بتخانه بود جزو مقربین نمرود هم بود و دارای مقام اجتماعی و ثروت بود. حال حضرت ابراهیم علیه السلام در این بتخانه با این شرایطی که عرض کردم استخدام می‌شوند. کاری که به حضرت ابراهیم علیه السلام سپرده می‌شود انتقال بت‌ها به بازار فروش است. یعنی ابتدائاً در ترانزیت و بخش توزیع مشغول به کار می‌شوند. حضرت ابراهیم علیه السلام این بت‌ها را با خفت تمام به بازار ترانزیت می‌کردند. در تاریخ هست که طنابی به گردن بت می‌انداختند و [آن را کشان کشان به طرف بازار می‌بردند]. حال بت قرار است به فروش برود و باید بسته بندی خوبی داشته باشه و ظاهرش کثیف نباشد. اولین مخالفت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام این‌گونه بود. این بت را می‌کشیدند و به سمت بازار می‌بردند. بت هم کثیف می‌شد و هم حرمتش شکسته می‌شد. هر کس این صحنه را می‌دید، برایش خیلی عجیب بود. منتهی به دلیل این که حضرت ابراهیم علیه السلام هفده سال داشت این کارها را پای جوانیش می‌گذاشتند. اما او را نصیحت می‌کردند. عمویش او را نصیحت می‌کرد و می‌گفت پسر! این کارها را انجام نده، به بت‌ها احترام بگذار. همه {کارهای او را} به حساب این که او یک بچه است و آداب اجتماعی را نمی‌داند و بی ادب است می‌گذاشتند. نمی‌دانستند که یک طراحی الهی در میان است. حضرت ابراهیم علیه السلام از ثروت گذشتند و این هزینه‌های اجتماعی را هم پرداخت کردند.

داستان را فراموش نکنید! بنده دارم فرایند ایجاد تأمل را بحث می‌کنم. تا به اینجا که عرض کردم، بخشی از قواعد تأمل معلوم شد. تأمل یعنی تحقیر نظم موجود. همه به یک‌گونه زندگی می‌کنند و شما آن نظم را به چالش می‌کشید. این کار همه را به فکر فرو می‌برد. حضرت ابراهیم علیه السلام این کارها را مکرر انجام می‌دادند. چندین بار هم با عموی خود آذر دهن به دهن شدند. این کار به هر حال ادامه داشت. در دوره حضرت ابراهیم علیه السلام روزی به نام یوم‌الزینه وجود داشت. بنده یک نکته را داخل پراگماتر عرض کنم؛ پیش‌بینی احوال آینده و احوال افراد از روی احوال ستارگان جزو رشته‌های تخصصی مرتبط با معبد بود. یعنی بالاخره از بت‌ها هیچ خاصیتی بیرون نمی‌آمد. از بعضی از قواعد

۴/۳/۳/۱. تحقیر نظم موجود و  
ایجاد فکر برای دیگران، نخستین  
گام ایجاد تأمل

عالم که ما این‌ها را در علوم اسلامی در بخش علوم غریبه بحث می‌کنیم. بعضی از اخبار قابلیت کشف دارد. این‌ها برای این که بتخانه را تثبیت کنند از بخشی از قواعد غریبه استفاده می‌کردند و آن را به بت‌ها نسبت می‌دادند. این جزو تخصص‌های تکمیلی بود. دوره تحصیلات ارشد آن زمان بود. یعنی همه کسانی که در بتخانه‌ها بودند تحصیلات مربوط به ستاره‌شناسی نداشتند. این تحصیلات فوق دکتوری بود. همه این را چیز عجیبی می‌دانستند که کسی بتواند از روی احوال ستارگان پیش‌بینی کند. باید این داستان‌ها با درایه گفته شود تا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام - پدر تمام ما - واضح شود. تاریخ نقل می‌کند که همه به سمت یوم‌الزینه رفتند. آذر به ابراهیم علیه السلام گفت که ما هم برویم؛ قرآن نقل می‌کند که حضرت ابراهیم علیه السلام - یک جوان هفده ساله - نگاه به آسمان کرد. یعنی با همین نگاه، به عموی خود گفت که من هم یک چیزهایی متوجه هستم. نگاه به آسمان کرد و گفت «إِنِّي سَقِيمٌ»<sup>۱۶</sup> یعنی من می‌خواهم بیمار شوم. اما قبل از این که این بیماری خود را پیش‌بینی کند، نگاهی به آسمان کردند. یعنی گفت من هم این قواعد را بلد هستم. این کار را که انجام داد، در جناب آذر تردید ایجاد شد. زیرا حضرت این حرف را بر مبنای تخصص روز یا با اشاره به تخصص روز مطرح کرده بود. جناب آذر رفت و حضرت ابراهیم علیه السلام تنها ماندند. داستان بتخانه اتفاق افتاد. حضرت بت‌ها را شکستند و بعد رفتند تا استراحت کنند. همه آمدند و دیدند بتخانه به چالش کشیده شده است. چون حضرت ابراهیم علیه السلام از قبل آن رفتارها را انجام داده بود، وقتی این سؤال مطرح شد که چه کسی این کار را کرده قرآن می‌گوید مردم گفتند: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ»<sup>۱۷</sup> شنیده‌ایم جوانی هست که به آن ابراهیم علیه السلام می‌گویند. این کار زیر سر اوست زیرا او در ترانزیت هم بت‌ها را کثیف می‌کرد و آن‌ها را تحقیر می‌کرد. بروید و او را ببورید. حضرت ابراهیم علیه السلام را احضار می‌کنند و او را محاکمه می‌کنند. این مدیریت‌هایی که حضرت ابراهیم علیه السلام انجام داد، قرآن می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ»<sup>۱۸</sup> بالاخره این مردم به فکر فرو رفتند. زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام به آن‌ها گفت بت بزرگ این کار را کرده است؛ آن‌ها هم گفتند که بت‌ها که جان ندارند! همین را که گفتند «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» حضرت ابراهیم علیه السلام فرمودند من هم می‌خواستم همین را بگویم؛ این‌ها که جان ندارند. «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ».

حضرت ابراهیم علیه السلام دو کار انجام دادند و یک بیان هم انجام دادند که شد «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ». ۴/۳/۲. تحقیر قواعد عصر کار اول تحقیر قواعد عصر خود بود. اگر از همان اول می‌خواهید تأمل ایجاد کنید این قاعده‌اش است. کار دومی که انجام دادند این بود که مرکز تمدنی عصر خود را هم به چالش جدی کشیدند. مانند امروزه که ما توسعه را به چالش می‌کشیم. حضرت همان مرکز را به چالش کشیدند. به درب خانه

۱۶. فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ؛ سوره مبارکه صافات آیه ۸۹

و گفت من کسالت دارم

۱۷. قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ؛ سوره مبارکه انبیاء آیه ۶۰

گفتند شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد میکرد که به او ابراهیم گفته می‌شود

۱۸. فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ؛ سوره مبارکه انبیاء آیه ۶۴

پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند در حقیقت شما ستمکارید

یک نفر نرفتند تا بگویند بیا و بت‌های خود را بشکن و بت پرستی نکن {بلکه} رفت و بتخانه را شکست.

رفت و برنامه ششم<sup>۱۹</sup> را شکست. خود توسعه را به چالش کشید. این دو کار را که انجام داد، البته چهل جلسه هم بحث گفت. وقتی بحث را مطرح کرد، «فَرَجَعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ». یعنی مانند قواعد اهل خودش سازماندهی نکرد، شجاعت هم به خرج داد. رفت و اصل داستان را به چالش کشید. آقا می‌فرماید الگوی پیشرفت اول شجاعت می‌خواهد<sup>۲۰</sup>. در ادامه بحث نظری هم مطرح کردند.

### ۵. مبتنی بودن تأمل بر زیرساخت‌های غیر بیانی

البته هم‌اکنون بنده از قالب بیان داستان حضرت ابراهیم علیه السلام استفاده می‌کنم، فرایند ایجاد تأمل را اهل بیت توضیح دادند. روایت ظهورهای روشن‌تر از این‌ها دارد. بعداً آن‌ها را عرض خواهم کرد. فعلاً خواستم این نکته را بیان کنم که تأمل عمدتاً مبتنی بر زیرساخت‌های غیر بیانی است. اگر شما زیرساخت‌های غیر بیانی را شناختید، بعد بیان را سوار این‌ها کنید تأمل ایجاد می‌شود. پس تأمل را نمی‌توان مکتوب کرد و فقط به یک نوشته اکتفا کنیم.

عرض بنده این است که ما باید توجه کنیم که وقتی داریم با یک انسان صحبت می‌کنیم و قصد داریم در او تدبیر ایجاد کنیم، باید ظرفیت فکری طرف مقابل را تشخیص دهیم. اگر ظرفیت فکری طرف مقابل را تشخیص ندادیم، در ادامه با یک انسانی خلاف ظرفیتش سخن گفتیم. یعنی مع الرسول<sup>۲۱</sup> حرکت نکردیم. بنده چند ده بار این روایت را قرائت کردم؛ این جزو روایات حکومتی است؛ حضرت می‌فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ»<sup>۲۲</sup> اگر قدر عقل انسان‌ها را ندانستید نمی‌توانید تحریک و عا و فکر کنید. فرمود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ» عده‌ای مع الرسول حرکت می‌کنند؛ خب رسول ظرفیت‌سنجی می‌کند و شما هم باید مع الرسول حرکت کنید. نمی‌شود خلاف ظرفیت افراد وارد بحث شد. باید این‌ها را تشخیص دهیم. زیرا ما قصد داریم تصحیح جهت کنیم و تدبیر ایجاد کنیم. خیلی خب بنده به این بحث اشاره‌ای هم کردم. قصد داشتم این را در

۵/۱. اهمیت تشخیص ظرفیت فکر در انسان‌ها و استفاده از روش‌های متناسب به ظرفیت فکری افراد

۱۹. برنامه ۵ ساله ششم کشور؛ اشکالات متعدد این برنامه در مباحث مختلف توسط شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۲۰. طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند جرأت، شجاعت، انگیزه بسیار قوی و استفاده از استعدادها جوان است.

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای دفتر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

۲۱. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَآءُ فَارَزَهُ فَاسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْفِهِ يُغْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ سوره مبارکه فتح آیه ۲۹

محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

۲۲. مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با مردم به اندازه عقل خود سخن نگفتند و فرمودند: ما پیامبران ما موریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات، ۳۲۹ ق، الکافی، محقق: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۲۶۸ و ج ۱، ص ۲۳



جلسه آینده بحث کنم اما دیدم بحث تدبیر باقی می‌ماند. پس هم تعقل را و هم تدبیر و تأمل را توضیح دادم. همانطور که عرض کردم تأمل از تحقیر دو چیز شروع می‌شود؛ تحقیر مناسک یا نظم موجود و تحقیر منشأ مناسک یا منشأ نظم موجود. هر دوی این‌ها تأمل‌زا هستند. اگر کسی مناسک نظم موجود غلط را به رسمیت نشناسد، آغاز تأمل است و طرف مقابل خود را به فکر فرو می‌برد. به گونه دیگری زندگی می‌کند. وقتی سرمنشأ نظم - بتخانه - را به چالش کشیدید، دیگر تأمل به اوج خود می‌رسد. آمادگی کامل به وجود می‌آید که چهل جلسه بحث کنید. ۴۰ جلسه بحث بگویید که آن را تنویریه کنید. بعد از آن «فَرَجَعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» اتفاق می‌افتد. من توصیه می‌کنم امشب عبارت بعد از «فَرَجَعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» را مطالعه کنید که بعد از «فَرَجَعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» در بین طرفداران بتخانه و صاحبان نظم اجتماعی آن روز چه اتفاقی افتاد. این عبارتی که بعد از عبارت «فَرَجَعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» آمده بسیار مهم است.<sup>۲۳</sup>

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ

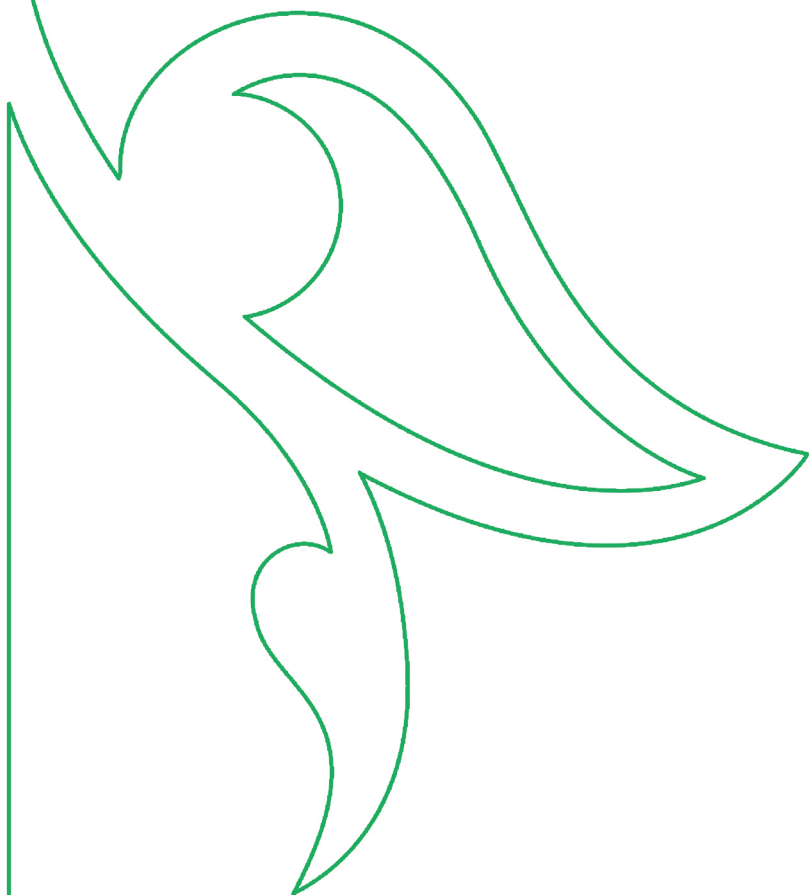
---

۲۳. پس ان شاء الله فردا خود مفهوم تدبیر را بحث خواهیم کرد. این که جایگاه تدبیر و نحوه نوشتن مبتنی بر تدبیر چیست را دوباره تکمیلی بحث خواهیم کرد. ما شش جلسه پیش رو داریم. امیدوارم آن را تمدید نکنیم تا یازده، دوازده جلسه شود. ولی در همین ده جلسه مفهوم تدبیر را بیشتر بحث خواهیم کرد.

## فهرست تفصیلی

۱. در نظر گرفتن ملاک های تدبیر و ظرفیت سنجی افراد؛ دو ویژگی اصلی گزارش راهبردی ..... ۴۱
۲. تشخیص سطح فکر مخاطب و عمل بر اساس ظرفیت فکری وی؛ خاصیت مرتبط بودن سطوح پنجگانه فکر ..... ۴۱
۳. برقراری ارتباط میان همه موجودات و ربوبیت الهی؛ معنای اصلی مرحله تعقل ..... ۴۲
- ۳/۱. جایگزینی سرمنشاء تحولات عالم از خداوند متعال به طبیعت؛ اشکال بزرگ تفکرات پوزیتیویستی ..... ۴۲
- ۳/۲. بحث مبهم بر سر خلقت عالم توسط خداوند، ویژگی دسته ای از اهل ایمان ..... ۴۲
- ۳/۳. بررسی پیچیدگی های خلقت شتر به عنوان یکی از آیات الهی، مبین تعقل در آیات الهی ..... ۴۳
- ۳/۴. ایجاد آرامش؛ مهمترین ویژگی تعقل ..... ۴۴
- ۳/۴/۱. پی بردن به فقر مطلق انسان و از بین رفتن آن تنها بوسیله اتصال به خداوند متعال؛ مهمترین عامل ایجاد آرامش ..... ۴۴
- ۳/۵. عدم ارتباط گیری عمومی با مباحث فلسفی؛ مبین ناکارآمدی دستگاه فلسفه در اثبات وجود و جایگاه خداوند ..... ۴۴
- ۳/۴/۲. استعمار؛ پیشنهاد اشتباه فلاسفه غربی در از بین بردن فقر مطلق انسان ها ..... ۴۴
- ۳/۶. بررسی نسبت بین افعال خود و دستگاه ربوبیت در مرحله تدبیر؛ نشانگر کامل بودن تعقل در انسان ها ..... ۴۵
- ۳/۶/۱. فهم تدبیر متوقف بر فهم ربوبیت و رحمانیت الهی ..... ۴۵
- ۳/۷. تدبیر در عاقبت کارها، مهمترین مفهوم در یک تصمیم ..... ۴۵
- ۳/۷/۱. وجود رشد یا غی؛ مهمترین ملاک سنجش در عاقبت یک تصمیم ..... ۴۵
- ۳/۸. ارتقا ظرفیت در جهت ورود به مرحله تدبیر و ارائه یک معیار اصلی برای سنجش تدبیر؛ مهمترین کارکردهای مرحله تعقل ..... ۴۶
۴. نظام مفاهیم ارتقاء دهنده سطح تدبیر در یک مسئول؛ معنای محوری گزارش راهبردی ..... ۴۶
- ۴/۱. ناکارآمد بودن گزارش راهبردی برای مسئولی که در سطح تدبیر قرار ندارد ..... ۴۷
- ۴/۲/۱. رشد و غی؛ ملاک های اصلی تدوین گزارش راهبردی ..... ۴۷
- ۴/۲/۱. رشد و غی؛ ملاک های اصلی تدوین گزارش راهبردی ..... ۴۷
- ۴/۲. ابتناء ملاک های تدبیر بر ملاک های تعقل ..... ۴۷
- ۴/۲/۳. استعمار و اصطکاک؛ نتیجه عدم رفع فقر الی الله ..... ۴۷
- ۴/۲/۲. مدیریت فقر مطلق انسان ها از طریق هدایت آنها به سمت رفع فقر الی الله؛ ملاک رشد ..... ۴۷
- ۴/۲/۴. تضعیف صدقه؛ علت تضعیف مسئله تعقل در جامعه ..... ۴۷
- ۴/۲/۴/۱. توقف میزان ایثار بر میزان احتساب خداوند و توقف میزان احتساب بر میزان ارتقاء تعقل مومنین ..... ۴۷
- ۴/۳. ابتناء پنج سطح تفکر بر یکدیگر ..... ۴۸
- ۴/۳/۱. کراهت اجیر شدن به علت وجود ابهام در جهت رشد فرد ..... ۴۸
- ۴/۳/۲. مباحث فلسفی، مانع بزرگ تبیین سطوح فکر ..... ۴۹
- ۴/۳/۳. داستان حضرت ابراهیم علیه السلام؛ نمونه ای از ایجاد ذکر در مومنین ..... ۴۹
- ۴/۳/۳/۱. تحقیر نظم موجود و ایجاد فکر برای دیگران، نخستین گام ایجاد تأمل ..... ۵۰
- ۴/۳/۳/۲. تحقیر قواعد عصر خود، به چالش کشاندن مراکز تمدنی و تبیین این دو موضوع؛ ۳ فعالیت اصلی حضرت ابراهیم علیه السلام ..... ۵۱
۵. مبتنی بودن تأمل بر زیرساخت های غیربانی ..... ۵۲
- ۵/۱. اهمیت تشخیص ظرفیت فکر در انسان ها و استفاده از روش های متناسب به ظرفیت فکری افراد ..... ۵۲

# جلسه پنجم



تبیین سطح دوم گزارش راهبردی  
(تبیین نسبت تصمیم با ملاک تدبیر)

## شناسنامه جلسه پنجم



عنوان  
تبیین سطح دوم گزارش راهبردی (تبیین نسبت تصمیم با ملاک تدبیر)

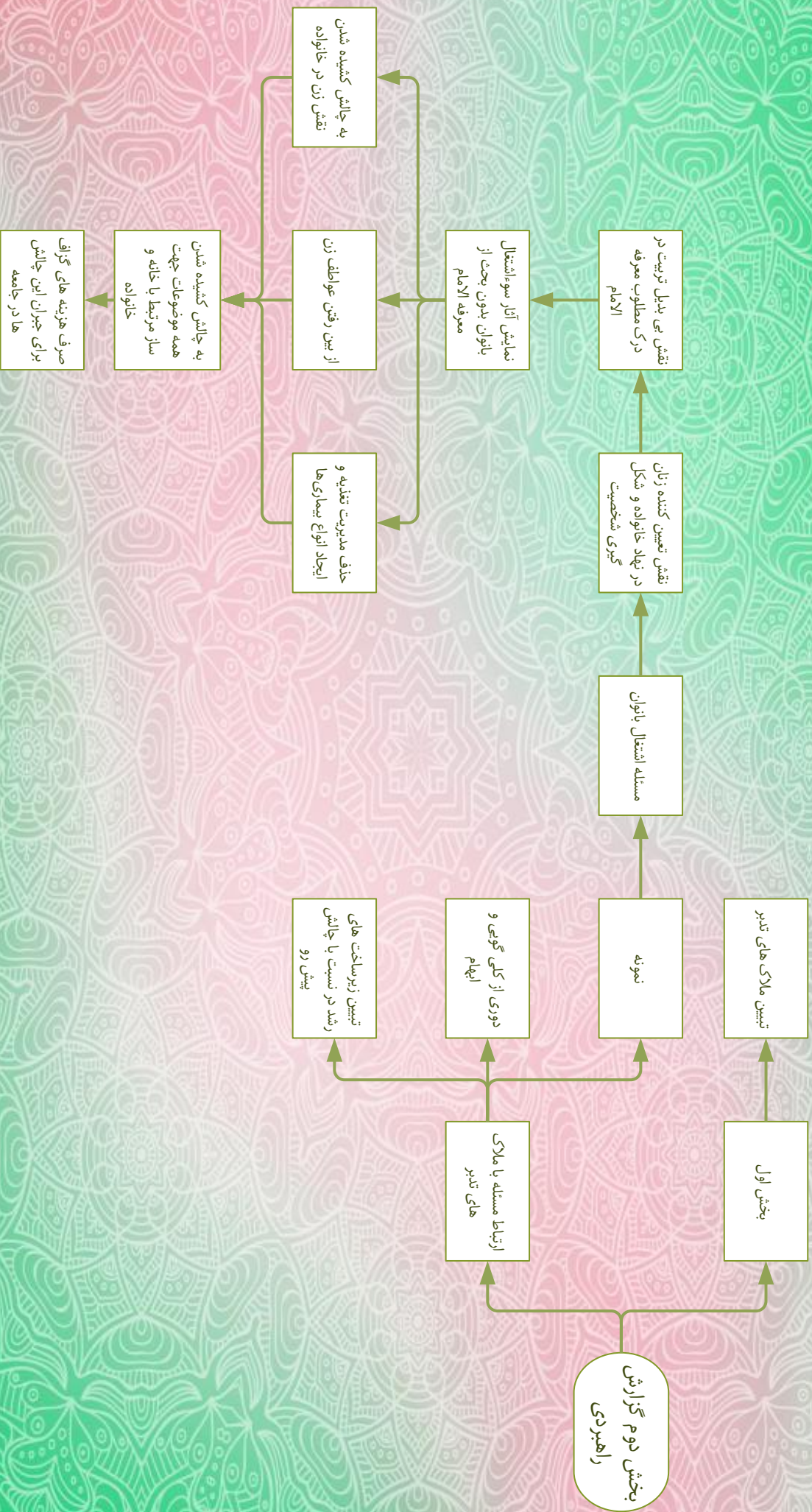
تاریخ نشست  
۱۷ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۸ صفحه (قطع رحلی)

این جزوه متن پیاده شده پنجمین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "تبیین سطح دوم گزارش راهبردی (تبیین نسبت تصمیم با ملاک تدبیر)" برگزار گردید. لازم به ذکر است که برای سطح تدبیر دو ملاک (رشد و غی) تعیین شد.

## فهرست اجمالی

## جلسه پنجم: تبیین نسبت تصمیم با ملاک تدبیر





بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

#### ۱. نظام مفاهیم تقویت کننده تدبیر؛ تعریف محوری گزارش راهبردی

بحث ما در مورد مفهوم گزارش راهبردی از نگاه اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بود. تعریف گزارش راهبردی عبارت است از نظام مفاهیم منجر به تقویت تدبیر. در مورد تدبیر بحث‌هایی را مطرح کردیم؛ عرض کردیم که ابتدا باید فرد به ظرفیت تدبیر برسد. اگر کسی در ظرفیت تدبیر نبود، باید برنامه‌ها در سطح تأمل و یا تعقل طراحی شود. چرا؟ چون تدبیر، سوار بر تعقل است و تا زمانی که ظرفیت تعقل در کسی ایجاد نشود، آن‌کس به ظرفیت تدبیر نمی‌رسد. این بحث‌ها در جلسات گذشته مطرح شد. از امروز ان‌شاءالله بحث را در تکمیل مفهوم تدبیر و نه لوازم تدبیر ادامه می‌دهیم.

در جلسه‌ی گذشته عرض کردیم اولین ویژگی تدبیر این است که ملاک‌های تدبیر تبیین شود. دومین ویژگی تدبیر این است که نسبت بین تصمیمی که قرار است به چالش کشیده شده و ساخته شود را با آن ملاک‌ها بحث کنیم. این دومین قسمت از گزارش راهبردی است. پس بنابراین در فصل اول، لازم است به صورت کافی ملاک‌های حاکم بر حوزه‌ی تدبیر را به مدیر مورد نظر متذکر شده و برای او تبیین کنیم. این، قسمت اول گزارش راهبردی بود.

بیان کردیم که ما در حوزه‌ی تدبیر دو ملاک بیشتر نداریم؛ ملاک رشد و ملاک غی<sup>۱</sup>. پس اگر وارد نوشتن گزارش راهبردی شدید، قسمت اول بحث شما، تبیین این ملاک‌ها و لوازم این ملاک‌ها

۱/۱. لزوم تحقق دو سطح فکری تأمل و تعقل جهت ورود به مرحله تدبیر

۱/۲. تعیین ملاک‌های تدبیر و تعیین نسبت بین تصمیم و این ملاک‌ها، دو ویژگی سطح

۱/۲/۱. رشد و غی؛ دو ملاک اصلی تدبیر

۱. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۶

در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

هست. از قسمت دوم گزارش نسبت بین تصمیم مورد بحث و ملاک‌های تعریف‌شده را بحث می‌کنیم.

فرض کنید قرار است تصمیمی در حوزه‌ی اقتصاد گرفته شود. به طور مثال تصمیم این است که در پنج سال آینده اشتغال بانوان هر سال ۵ درصد رشد کند. خُب این یک تصمیم است دیگر. وقتی خواستید این تصمیم را به چالش بکشید حتماً باید در گام دوم نسبت بین این تصمیم و ملاک‌ها را بحث کنید.

البته همانطور که در جلسات گذشته عرض کردم زمانی که ما داریم ملاک‌ها را بحث می‌کنیم، نمی‌توانیم ملاک را بسیط مورد بحث قرار بدهیم؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم هدف از اداره‌ی جامعه فربه شدن امر هدایت است، هدف رشد انسان‌ها هست. این، بدترین نوع دفاع از ملاک هست. در تبیین ملاک باید خانواده‌ی مسائل مرتبط با آن ملاک بحث شود تا تبیین گردد.

به طور مثال شما وقتی راجع به رشد صحبت می‌کنید، باید نسبت رشد را با احیای نهاد خانواده بحث کنید تا اثر رشد در اداره‌ی جامعه فهمیده شود، این را قبلاً عرض کردم. وقتی خواستید در سطح اول پیرامون مفهوم رشد - به عنوان ملاک - بحث کنید باید نسبت آن را با موضوعات جهت‌ساز بحث کنید، باید نسبت رشد را با رفق بحث کنید. در روایت شریف آمده است دارد که - این بحث، یک بحث فنی است - الرفق لب<sup>۲</sup>: این تعبیر برای حضرت امیرالمومنین علیه السلام است که الرفق لب؛ محبت، عقل سطح بالا هست؛ یعنی وقتی دارید راجع به رشد بحث می‌کنید باید اثر رشد و اثر لب - که از علائم رشدیافتگی است - را در روابط اجتماعی بحث کنید و می‌گویید رشد، منجر به آماده‌سازی انسان‌ها از طریق افزایش رفق می‌شود. باید برای طرف مقابل ملموس کنید که ملاک چه کارآمدی‌ای دارد. این قسمت اول گزارش بود که قبلاً عرض کردیم.

در قسمت دوم [گزارش] هم حق نداریم نسبت بین تصمیم را با ملاک به صورت بسیط بحث کنیم. مثلاً یک گزاره‌ی کلی بگوییم تحت این عنوان که اگر اشتغال بانوان افزایش پیدا کند، رشد انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود. باید نسبت بین این تصمیم و عوارضی که ایجاد می‌کند و منجر به غی می‌شوند را به صورت نیکو تشریح کنیم. پس نه حق داریم ملاک را بسیط بحث کنیم و نه حق داریم نسبت بین تصمیم و ملاک را بسیط بحث کنیم. اصطلاحاً هر دو باید دارای شرح سؤال تفصیلی باشند. این بحث اصلی در قسمت دوم بحث است.

۱/۲/۲. کلی گویی و ابهام؛ آفت اصلی ایجاد نسبت بین

۲. قال بعضهم: سمعت الحسين عليه السلام يقول: الرفق لب؛ کسی گفته است: شنیدم که امام حسین عليه السلام می‌فرماید: «مدارا، [نشان] خردورزی است.

تاریخ الیعقوبی: ج ۲ ص ۲۴۶

البته در برخی کتب روایی معتبرتر، تعبیرهای دیگری از اهمیت رفق بیان شده است.

الإمام علي عليه السلام: رأس السياسة استعمال الرفق. نرمش به خرج دادن، سرآمد سیاست است.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تاریخ وفات: ۵۵۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق، ص: ۳۷۸

الإمام علي عليه السلام: رأس العلم الرفق، وأفته الخرق. اساس دانش، رفق و مدارا و آفت آن درشتخویی است.

نوری، حسین بن محمد تقی، تاریخ وفات: ۱۳۲۰ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص: ۲۹۴

قال رسول الله: الرفق رأس الحكمة. مدارا، اساس حکمت است.

این آبی جمهور، محمد بن زین الدین، تاریخ وفات: زنده در ۹۰۱ ق، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، ناشر: دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص: ۳۷۱





ببینید! دو نوع نوشتن متصور هست؛ یک نوع نوشتن این است که وقتی تصمیم را بحث می‌کنید، مستقیماً نسبت آن را با رشد انسان‌ها بحث کنید. این خیلی تذکر ایجاد نمی‌کند و گاهی اوقات می‌گویند این یک ادعایی است که دلیلی هم برای اثبات آن وجود ندارد. یا اینکه در نوشته‌ی خود استدلال‌های دور از ذهن برای مسأله بیاورید. اما نوع دیگر نوشته این است که اثر آن تصمیم را در روابط اجتماعی به صورت زیبا و کامل تشریح نموده و از این طریق ملاک را اثبات می‌کنید. به این نکته توجه کنید! فرق ملاک‌نویسی تفصیلی - که قسمت اول گزارش راهبردی است - با فرق سنجش آثار تصمیم نسبت به آن ملاک‌ها در این است که شما در بحث ملاک از اثر ملاک در روابط انسانی بحث می‌کنید، یعنی ملاک - که رشد باشد - را تبیین نموده و آثار مثبت آن را بر روی روابط انسانی بحث می‌کنید. این یک فضای بحثی برای شما درست می‌کند. در همه‌ی مباحثی که ما در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح کرده‌ایم همین رویکرد را بررسی نموده‌ایم؛ ما همواره آثار اجتماعی هدایت را دائماً بحث کرده‌ایم. مدام توضیح داده‌ایم که هدایت چه آثاری را ایجاد می‌کند؛ آثار هدایت را از حوزه‌ی فکر تا حوزه‌ی اقتصاد بحث کرده‌ایم. از آثار غذایی هدایت تا آثار سیاسی هدایت را بحث کرده‌ایم. ما می‌خواستیم ملاک‌ها را بحث کنیم اما چه کار کردیم؟ ملاک‌ها را به صورت ملموس بحث کرده‌ایم. خوب این یک بحث است.

بحث دیگر این است که حالا نسبت تصمیم مدیر را با ملاک می‌سنجیم. خوب این موضوع چه تفاوتی با بحث اول دارد؟ بحث اول وقتی می‌خواهد ملاک را بحث کند آن را تا بحث روابط اجتماعی می‌کشاند. در بحث دوم بررسی می‌کنید که یک تصمیم خاص، چه چالشی برای روابط اجتماعی درست می‌کند؟ با توجه به اینکه در گذشته در بحث ملاک، نسبت بین ملاک تدبیر و روابط اجتماعی بحث شده است، در بحث دوم نسبت بین تصمیم و روابط اجتماعی را بحث می‌کنید؛ یعنی اصطلاحاً این فرآیند در ذهن‌ها پیوستگی ایجاد می‌کند. پس قسمت دوم گزارش راهبردی عبارت است از سنجش نسبت میان تصمیم و ملاک‌ها. قسمت اول، عبارت بود از تبیین ملاک‌ها. این بحث که گفتیم قسمت دوم گزارش راهبردی هست.

حالا این دو قسمت را در همین مثالی که بنده زدم تطبیق بکنیم. مثلاً ما الآن داریم یک گزارش راهبردی برای مسأله‌ی اشتغال بانوان می‌نویسیم. در قسمت اول این گزارش وارد بحث شده و نقش نهاد خانواده را در ترجمه‌ی جهت‌ساز شکل‌گیری شخصیت به معرفه‌الامام بحث می‌کنیم<sup>۳</sup>، این قسمت اول بحث است. به عنوان مثال بحث می‌کنیم که مهم‌ترین چیز برای انسان‌ها مسأله‌ی الگوست؛ چون وقتی انسان‌ها می‌خواهند تصمیم بگیرند، برای تصمیم‌گیری سرغ کسی می‌روند که به او اعتماد دارند؛ حالا یا به صورت فیزیکی به سراغ او می‌روند یا از طریق فضای مجازی و یا اینکه کتاب می‌خوانند. بالآخره یک الگویی را انتخاب نموده و از آن الگو الهام می‌گیرند مبتنی بر آن ایده و الهام زندگی خودشان را تنظیم می‌کنند. در حوزه‌ی اقتصاد همین اتفاق رخ می‌دهد؛ مثلاً اگر شما نزد یک کارآفرین موفق بروید و به او بگویید چه شد که شما این بنگاه تولیدی را راه انداختید؛ او در پاسخ می‌گوید من فلان سرمایه‌دار را دیدم که موفق بود و از برخی تدابیر او الهام گرفتیم. ببینید! وقتی کسی در حوزه‌ی اقتصاد کاری را انجام داده در یک جایی به او الگو داده‌اند که این کار را انجام داده است. در حوزه‌ی سیاست نیز همین‌گونه هست؛ شما به او می‌گویید سیاست‌مدار خوبی هستید؛ او در پاسخ می‌گوید بله؛ من از مرحوم آقای مدرس الهام می‌گیرم. اصلاً همیشه - این موضوع در هیچ بخش تفاوت ندارد؛ فرقی ندارد که سیاست‌مدار باشد یا اقتصاددان، یا یک مادر خوب

۱/۲/۳. مسئله اشتغال بانوان؛  
نمونه ای از لزوم تدوین گزارش  
۱/۲/۳/۱. تبیین نقش منحصر  
به فرد نهاد خانواده در شکل  
گیری شخصیت به جهت  
معرفه الامام؛ بخش نخست این  
گزارش راهبردی

باشد، هیچ فرقی نمی‌کند که در چه سطح و چه صنفی باشد - وقتی یک نفر، فرد دیگری را ایده‌دار کرد، به آن شخص الگوی انسان‌ها می‌گویند. پس همه‌ی رفتارهای انسان‌ها در همه‌ی سطوح و در همه‌جا متأثر از امام و الگوست، اصلاً این موضوع عمومی است. لذا اسلام بحثی را تحت عنوان معرفه‌الامام مطرح می‌کند که چه کسی امام باشد؛ اصلی تبعیت از امام یک اصل عمومی است. لذا مهم‌ترین مواظبت اسلام این است که در دوره‌ی شکل‌گیری شخصیت، معرفه‌الامام پیدا شود. اسلام بحث فلسفی نمی‌کند تا بخواهد چیزی که وجود خارجی ندارد را در دوره‌ی تربیت جا بیاندازد، نه؛ انسان‌ها فطرتاً و شخصیتاً از افرادی تأثیر می‌پذیرند و لذا مهم‌ترین اصل در دوره‌ی تربیت این است که به انسان‌ها بگویند حواسشان باشد از کسی که لیاقت امامت دارد تأثیر بپذیرند، اصل امام‌داشتن که یک اصل همگانی است و ربطی به اسلام و کفر ندارد. لذا تقسیمات قرآن این‌طور است: امام‌النار، امام‌النور<sup>۴</sup>، اصل امامت مفروض است.

ما الآن داریم ملاک‌ها را بررسی می‌کنیم و بنده در حال تطبیق دادن هستم. شما [در قسمت اول گزارش] می‌گویید نهاد خانواده، نهاد پردازش‌کننده‌ی جهت‌ساز شکل‌گیری شخصیت به مسأله‌ی معرفه‌الامام هست؛ یعنی مهم‌ترین مسأله‌ای که بر همه‌چیز تأثیر می‌گذارد را مدیریت می‌کند.

اگر می‌خواهید بر روی اقتصاد تأثیر بگذارید باید الگوهای الهام‌بخش حوزه اقتصاد را اصلاح کنید، اگر می‌خواهید بخش فرهنگی را تغییر دهید باید الگوهای الهام‌بخش حوزه فرهنگ را تغییر دهید. وقتی می‌خواهید هر بخشی را اصلاح کنید باید از اصلاح الگوها شروع نمایید. خُب در دوره شکل‌گیری شخصیت نیز این موضوع مهم را در شخصیت فرد پایه‌گذاری می‌کنید و به او می‌گویید مواظب باش که امامت کیست و چه کسی را تقویت نموده و از چه کسی تبعیت می‌کنی. این موضوع مسأله بسیار مهمی است و تقریباً همه‌چیز را تغییر می‌دهد. لذا جهت تربیت، مسأله معرفه‌الامام است، یعنی به تمام انسان‌ها می‌گویید که مهم‌ترین مسأله، امام شماس است. انسان‌ها بدون امام نیستند<sup>۵</sup>، پس وقتی اصل چیزی وجود دارد انسان‌ها گفت‌وگو راجع به کیفیت آن را می‌پذیرند. حالا خانواده قرار است این مسأله را مدیریت کند. پس ملاک در رشد انسان‌ها حفظ نهاد خانواده است.

همان‌طور که دیدید بنده مسأله رشد را تفصیلی بحث نمودم؛ یعنی به جای اینکه بگویم رشد وجود دارد، ارتباط رشد را با جهت‌ساز شکل‌گیری شخصیت پردازش نموده و پرورش تفصیلی دادم. پس بنابراین نهاد خانواده موضوعیت پیدا می‌کند. دلیل شکست بسیاری از انسان‌ها در حوزه اقتصاد، ناقص بودن الگوها و ایده‌هایی است که به آنها داده شده است. چرا آن ایده را پذیرفتند؟ چون در دوره شکل‌گیری شخصیت بر روی این موضوع حساس نشدند که از چه کسی ایده بگیرند. هیچ‌کس برای آنها وقت صرف نکرد تا به آنها الهام کند که از چه کسی ایده بگیرند. در نتیجه از انسانی که ایده او ناقص بوده، ایده گرفته‌اند و نتیجه‌ی آن نیز شکست در زندگی اقتصادی است. این حرف، حرف بسیار قابل فهمی بوده و بیان‌للناس است. این بحث، مانند بحث‌های فلسفی نیست که نسبت آن با زندگی انسان‌ها معلوم نباشد. همین الآن اگر شما یک فرم نظرسنجی و یک فرم تحقیق میدانی

۴. اللَّهُ وَلِيَّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۷

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می‌برد و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می‌برند آنان اهل آتشند که خود در آن جاوداند.

۵. يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَقْرءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا؛ سوره مبارکه اسراء آیه ۷۱ [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود.



آماده نموده و با سه گروه سنی نوجوان، جوان و میان سال گفت و گو کنید می‌توانید با توجه به این گفت و گوها ببینید که این افراد از چه کسانی ایده و الهام گرفته‌اند.

اگر این کار را انجام دهید، بحث بسیار واضح می‌شود. هر کس هر کاری انجام می‌دهد تحت تأثیر صاحب ایده‌ای می‌باشد. حالا که در عالم روابط انسانی چنین تأثیر و تأثیری وجود داشته و تأثیر و تأثر امام و مأموم یک بحث عمومی است؛ اسلام نیز یک باب فقهی ایجاد کرده که چگونه روابط امام و مأموم را بهینه کنیم، چگونه روابط انسانی را بهینه کنیم، چگونه مسأله امام و الگو را بهینه کنیم؟ این باب فقهی چه می‌گوید؟ می‌گوید اولین، مهم‌ترین و باعظمت‌ترین مسأله‌ای که یک تربیت‌کننده می‌تواند در یک تربیت‌شونده ایجاد کند، مسأله حساسیت نسبت به امام است.<sup>۶</sup> ما الآن داریم ملاک تصمیم‌گیری را بحث می‌کنیم، اما به شکل تفصیلی. وقتی این ملاک بحث شد، قسمت اول گزارش راهبردی پایان می‌یابد. تصور کنید ما داریم این گزارش را برای خانم مولاوردی<sup>۷</sup> می‌نویسم تا توضیح

۶. الإمام الصادق عليه السلام: حَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

*علل الشرائع: ۱/۹ عن سلمة بن عطاء، وراجع كنز الفوائد: ۱/۳۲۸، إحقاق الحق: ۱۱/۵۹۴ نقلًا عن در بحر المناقب.*

امام صادق عليه السلام: حسین بن علی عليه السلام به سوی اصحابش آمد و گفت: ای مردم! خداوند والایانام، بندگان را نیافرید مگر آن که او را بشناسند، پس هر گاه او را شناختند خواهند پرستیدش و هر گاه او را پرستند با پرستش از او بی‌نیاز خواهند گشت. مردی به ایشان عرض کرد: ای فرزند رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد، شناخت خدا چیست؟ امام فرمود: این که مردم هر زمان امامشان را که فرمانبری از او واجب است بشناسند. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. امام باقر عليه السلام: کسی خداوند عزوجل را شناخته و پرستش کرده که خدا و امام او را که از ما اهل بیت است بشناسد.

*الکافی: ۱/۱۸۱/۴ عن جابر*

زُرْعَةُ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ؟ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ، وَلَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالصَّلَاةَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ، وَفَاتِحَةُ ذَلِكَ كُلِّهِ مَعْرِفَتُنَا، وَخَاتِمَتُهُ مَعْرِفَتُنَا.

زرعه: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پس از شناخت (خدا)، کدام اعمال فضیلت بیشتری دارد؟ امام علیه السلام فرمود: پس از شناخت، هیچ چیز همسنگ همین نماز نیست و پس از شناخت و نماز هیچ چیز با زکات همسنگ نیست و پس از اینها چیزی با حج یکسان نیست و آغاز و پایان همه اینها شناخت ماست.

*أمالی الطوسی: ۶۹۴/۱۴۷۸.*

لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا بِنِيسَابُورَ وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ، فَقَالُوا لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَرَحَّلْ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثْنَا بِحَدِيثٍ فَنَسْتَفِيدُ مِنْكَ؟! وَكَانَ قَدْ قَعَدَ فِي الْعُمَارِيَّةِ، فَأَطَّلَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي. قَالَ: فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: بِشْرُوطِهَا، وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛

*صدوق، محمد بن علی، التوحید، محقق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۱ق.*

هنگامی که ابوالحسن الرضا عليه السلام به نیشابور رسید و خواست که آن جا را به قصد رفتن نزد مأمون ترک گوید، راویان حدیث، گردش را گرفتند و عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا، از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضرتان فیضی بریم، نمی‌گویی؟! حضرت که در کجاوه نشسته بود سرش را بیرون آورد و فرمود: از پدرم، موسی بن جعفر عليه السلام شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، محمد بن علی عليه السلام شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، علی بن حسین شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شنیدم که می‌فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرماید: از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: از خداوند جل جلاله شنیدم که می‌فرماید: (کلمه) لا اله الا الله حصار من است و هر کس وارد حصار من شود از عذابم در امان است. اسحاق می‌گوید: چون شتر به راه افتاد حضرت با صدای بلند به ما فرمود: اما این شرطهایی دارد و من از شرطهایی آن هستم.

۷. شهیندخت مولاوردی؛ معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور دولت یازدهم



دهیم که داستان نهاد خانواده، چنین داستانی است. نهاد خانواده، نهاد ترجمه‌کننده‌ی شخصیت به معرفه‌الامام است.

در قسمت دوم گزارش راهبردی اثر آن تصمیم خاص یعنی اثر افزایش سطح اشتغال بانوان را در تضعیف ملاک بحث می‌کنیم؛ اما نکته مهم این است که ملاک قبلاً برای طرف مقابل جا افتاده است. ما در گزارش راهبردی می‌گوییم اشتغال بانوان سه اثر دارد و سه رابطه را به چالش می‌کشد و وقتی این سه موضوع به چالش کشیده می‌شوند مسأله فهم از امام، در افراد به چالش کشیده می‌شود، یعنی همه‌چیز به چالش کشیده می‌شود. ما [در گزارش راهبردی خود] نسبت این تصمیم را با ملاک بحث می‌کنیم.

۱/۲/۳/۲. اثر افزایش سطح اشتغال بانوان در تضعیف ملاک های بخش اول گزارش راهبردی؛ تشکیل دهنده بخش دوم گزارش راهبردی

آن سه موضوعی که اشتغال بانوان آنها را به چالش می‌کشد چیست؟ اولین چیزی که به چالش کشیده می‌شود، خود شخصیت زن است. شما زنی با فیزیولوژی ریحانه<sup>۸</sup> و با روحیات گل و لطیف را با جامعه کثیرالارتباط می‌کنید و وقتی ارتباطات اجتماعی و حضور اجتماعی بانوان افزایش پیدا کرد، فشارهای فراوان و متفاوتی بر جنس مؤنث و خانمها وارد می‌شود. این موضوع به تدریج اخلاق زن‌ها را تغییر می‌دهد و با توجه به اینکه دائماً در مقام مدیریت فشارها قرار می‌گیرند، اخلاق آنها مردانه می‌شود و اصطلاحاً زنان مردواره به وجود می‌آید.

۱/۲/۳/۲/۱. به چالش کشیده شدن نقش زن؛ اولین اثر سوء در اشتغال بانوان

پس خود زن به چالش کشیده می‌شود و به تدریج اخلاق و روحیات زن - که ما از آن به اخلاق و روحیات زنانه تعبیر می‌کنیم و اساس این روحیات نیز مسأله عاطفه و مهر و محبت است - در یک محیط پر از ارتباط تحت الشعاع قرار گرفته و در وجود خود زن ناکارآمد جلوه می‌کند. شما الآن می‌بینید که برخی از خانمها به صورت مفصل به ورزش‌های رزمی علاقه‌مند شده‌اند<sup>۹</sup>. وقتی گفت‌وگوهای آنها را از تلویزیون پخش می‌کنند یا اینکه مصاحبه‌ای می‌کنند و شما در مجله‌ای مطالعه می‌کنید می‌بینید که آنها می‌گویند در دنیای امروز زن‌ها باید بتوانند از خودشان دفاع کنند. خُب دنیای امروز چه ویژگی‌ای دارد که این خانم محترم را به این نتیجه رسانده که زن باید از خودش دفاع کند؟ دنیای امروز، دنیای کثرت مزاحمت برای بانوان است. به دلیل ماهیت پر از جاذبه زن، حضور تفصیلی، برای زنان مزاحمت‌های تفصیلی ایجاد می‌کند. لذا مسأله دفاع برای او یک مسأله مهم می‌شود، تا جایی که حاضر است ورزش رزمی یاد بگیرد، تا جایی که شما می‌توانید در کیف همه خانمها وسایل دفاع شخصی پیدا کنید، از اسپری تلخ بادام تا اسپری فلفل و گاز اشک‌آور. چرا چنین اتفاقی افتاده است؟ چون محیط اجتماعی دائماً انواع و اقسام مزاحمت‌ها را ایجاد می‌کند. این اولین نتیجه اشتغال بانوان است.

۱/۲/۳/۲/۱/۱. تبدیل شدن زن از یک موجود ظریف و عاطفی به موجودی سخت و مردواره؛ علت مدیریت مستمر فشارهای اجتماعی در اثر ازدیاد سطح تعاملات اجتماعی توسط زنان

دومین اتفاق چیست؟ البته اتفاق دوم و سوم به تبع اتفاق اول رخ می‌دهند. دومین اتفاق این است که کسی که اخلاق او اخلاق دفاعی شود نمی‌تواند با فرزندان خود عاطفه‌محور ارتباط برقرار کند در حالی که اصل در تربیت، گسترش رفق است. عدم تعادلی که [اخلاق دفاعی] ایجاد می‌کند، دیگر اجازه نمی‌دهد فرایند تربیت به صورت رفق‌بنیان مدیریت شود. مسأله شوهر و شوهرداری نیز رفق‌بنیان است و [در اثر اشتغال بانوان] این موضوع نیز به چالش کشیده می‌شود. پس این اتفاق

۱/۲/۳/۲/۲. از دست رفتن ارتباط عاطفه محور در خانه به علت تثبیت اخلاق دفاعی در زنان؛ دومین اثر سوء اشتغال بانوان

۸. فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛

همانا زن مانند گل ظریف است، نه پهلوان خشن

نامه ۳۱ نهج البلاغه

۹. <http://yon.ir/1AEZK>؛ در این گزارش به جنابیت ورزش‌های رزمی (به خصوص نینجا) برای بانوان اشاره شده است تا جایی که خبرگزاری‌هایی مانند رویترز، اسپوتینگ و برخی از خبرگزاری‌های شرق آسیا به صورت مفصل به گرایش زنان به ورزش‌های رزمی اشاره پرداخته‌اند.



دوم است؛ یعنی هم رابطه با شوهر به چالش کشیده می‌شود و هم رابطه با فرزندان. این اتفاق دومی است که رخ می‌دهد.

اتفاق سومی که رخ می‌دهد این است که تمام مسائل درون خانه - اعم از تغذیه، مسأله روابط جنسی و تمام مسائلی که جزء موضوعات جهت‌ساز محسوب می‌شوند - به چالش کشیده می‌شوند. لذا در حال حاضر در دنیای مدرن به دلیل حذف مدیریت سفره و تفویض مدیریت سفره از مادران به فست‌فودها، تقریباً با موج بیماری‌های ناشی از عدم مدیریت تغذیه روبرو هستیم<sup>۱۰</sup>؛ یعنی حتی سلامت جسمی نیز به چالش کشیده می‌شود. دنیای امروز، دنیای سکنه در سن چهل‌سال است، دنیای امروز، دنیای بیماری‌های قلبی و عروقی و دنیای بیماری‌های جسمی متفاوت است. بخش عظیمی از این بیماری‌ها به غذای ناسالم باز می‌گردند. اینکه چرا انسان‌ها به غذای ناسالم مبتلا شده‌اند به حضور اجتماعی گسترده‌ی بانوان باز می‌گردد؛ این کجا که کسی از سر عاطفه و محبت ورود پیدا کرده و همه‌چیز از جمله تغذیه را مدیریت می‌کند - در اینصورت دقت بسیار ارتقا پیدا می‌کند - و این کجا که مسأله تغذیه به ابزاری برای کسب درآمد تبدیل شود! لذا مسأله غذا در محیط‌های اجتماعی حداقل کیفیت را پیدا می‌کند. بنابراین سه اتفاق بسیار بد در حال رخ دادن است.

ما الان داریم نسبت تصمیم فرد را با ملاک می‌سنجیم. این سه اتفاق هزینه‌های اقتصادی درست می‌کنند؛ هم وقتی سلامت به چالش کشیده می‌شود باید هزینه کنیم و سلامت را برگردانیم و هم وقتی روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود - یعنی روابط مادر با فرزندان و روابط مادر با شوهر - هزینه مادی ایجاد می‌شود. ضمن اینکه خود خانم نیز احساس خوشحالی نمی‌کند؛ چون طبیعتاً او تغییر پیدا کرده است. خانم مولوردی مصاحبه کردند - آقای هاشمی نیز حمایت و تحلیل نمودند - و فرمودند اگر اشتغال بانوان را جدی بگیریم، این موضوع باعث افزایش ارزش افزوده می‌شود. ما در گزارش راهبردی خود محاسبه می‌کنیم که اشتغال بانوان چند دلار ارزش افزوده ایجاد می‌کند ولی باید چند دلار هزینه‌های ناشی از فروپاشی نهاد خانواده را از ارزش افزوده کسر کنیم. در اینصورت احتمالاً ارزش افزوده‌ی منفی پیدا می‌شود و نمی‌توان نام آن را ارزش افزوده گذاشت؛ یعنی درست است که ما از یک طرف چند دلار ارزش افزوده پیدا می‌کنیم ولی از سوی دیگر باید هزینه‌های سلامت و عوارض ناشی از تربیت را بپردازیم. یکی از هزینه‌های ناشی از عدم تربیت صحیح، هزینه‌های امنیت است. برای مانیتورینگ کردن تمام شهر باید چقدر هزینه کنیم؟ هزینه‌های مانیتورینگ گسترده - که مدل‌های امنیت غربی است - چقدر می‌باشد<sup>۱۱</sup>؟ هزینه‌ی نیروی انسانی‌ای که می‌خواهد این [فیلم‌ها و تصاویر] را آنالیز کند، هزینه دوربین‌ها، هزینه برق و هزینه‌های مختلف وجود دارد و برای تمام این موارد باید هزینه کنیم. هزینه‌های حوزه سلامت، هزینه‌های حوزه قضایی و تمام این هزینه‌ها را در یک سمت قرار داده و ارزش افزوده‌ای که از اشتغال بانوان به دست می‌آید را نیز در یک طرف بگذارید. در اینصورت انسان به این نتیجه می‌رسد که ما باید بیمه زنان خانه‌دار را ایجاد نموده و اصلاً هزینه‌ای نکنیم - ظاهر این امر هزینه‌کردن و خرج‌کردن است - تا در دوره بعد و در دوره‌ی بازدهی ده‌نوع هزینه نکنیم.

۱۰. بخشی از بیانیه سازمان بهداشت جهانی: «زندگی سالم و دیابت» شعار روز جهانی بهداشت برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ تعیین شده است. هم‌اکنون در جهان بیش از ۴۰۰ میلیون نفر به دیابت مبتلا هستند که پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۳۵ به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر افزایش یابد. مهمترین علت ابتلاء به دیابت سبک تغذیه غلط و استفاده از فست‌فودها در سبد غذایی است.

<http://yon.ir/jxnDu>

۱۱. هزینه تأمین امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۳۸۴.۵ میلیارد دلار و تا سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۵۰۱.۷ میلیارد دلار افزایش یافته است. جدول تفکیکی هزینه‌های تأمین امنیت ایالات متحده را می‌توان در نشانی زیر مشاهده نمود:

<https://www.cbo.gov/publication/49764>



۱/۲/۳/۴/۱. عدم بحث از  
معرفه الام در قسمت دوم و  
سنجش ملاک های مرتبط به  
نهاد خانواده به عنوان اصلی  
ترین نهاد شکل دهنده معرفه  
الام در این قسمت

همان طور که می بینید ما نسبت بین تصمیم و ملاک را بحث کردیم. ملاک چه بود؟ در قسمت اول، ملاک این بود که شما باید خانواده را به دلیل مسأله مهم معرفه الامام حفظ کنید. حالا در قسمت دوم گزارش راهبردی، نسبت بین این تصمیم و فروپاشی نهاد خانواده را روشن نموده و نشان دادید که اگر خانواده دچار فروپاشی شود چه اتفاقاتی رخ می دهد. منتهی فرق این دو قسمت این است که شما در قسمت دوم، بحث را به خانواده رساندید ولی شما نقطه‌ی شروع توجیه کننده‌ی تصمیم غلط را به چالش کشیدید. اگر دقت کرده باشید بنده در قسمت دوم وقتی داشتم نسبت بین تصمیم افزایش سطح اشتغال بانوان و خانواده را بحث می کردم، مسأله‌ی معرفه الامام را مطرح نکردم؛ بلکه ملاک آنها را به چالش کشیدم ولی در هر حال نهاد خانواده را حفظ نمودم.

آیا تفاوت بحث معلوم شد؟ در قسمت دوم بحث خود عدم توازن ادعایی طرف را به چالش کشیده و نشان دادم آنطور که آنها فکر می کنند نیست. شما می گوید اشتغال بانوان در سطح کلان منجر به افزایش ارزش افزوده می شود در حالی که بنده هزینه های ناشی از فروپاشی نهاد خانواده را محاسبه نموده و نشان دادم که اینطور نیست. درست است که ملاک او را به چالش کشیدم، ولی در نهایت خانواده تثبیت شد. نسبت خانواده با رشد را نیز قبلاً اثبات کرده بودیم. این تفاوت این دو بخش است. پس در قسمت دوم، ملاک ادعایی تصمیم غلط را به چالش می کشید. وقتی ملاک او به چالش کشیده شد، ملاک شما تثبیت می گردد. در قسمت اول که بحث تبیین ملاک بود نسبت بین ملاک خودمان و موضوعات مرتبط و هم خانواده را بحث می کردیم، به گونه ای که طرف مقابل، رشد را بفهمد. این، قسمت دوم گزارش راهبردی است. البته گزارش راهبردی پنج قسمت دارد که ان شاء الله در جلسات بعد قسمت های دیگر آن را بحث می کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ



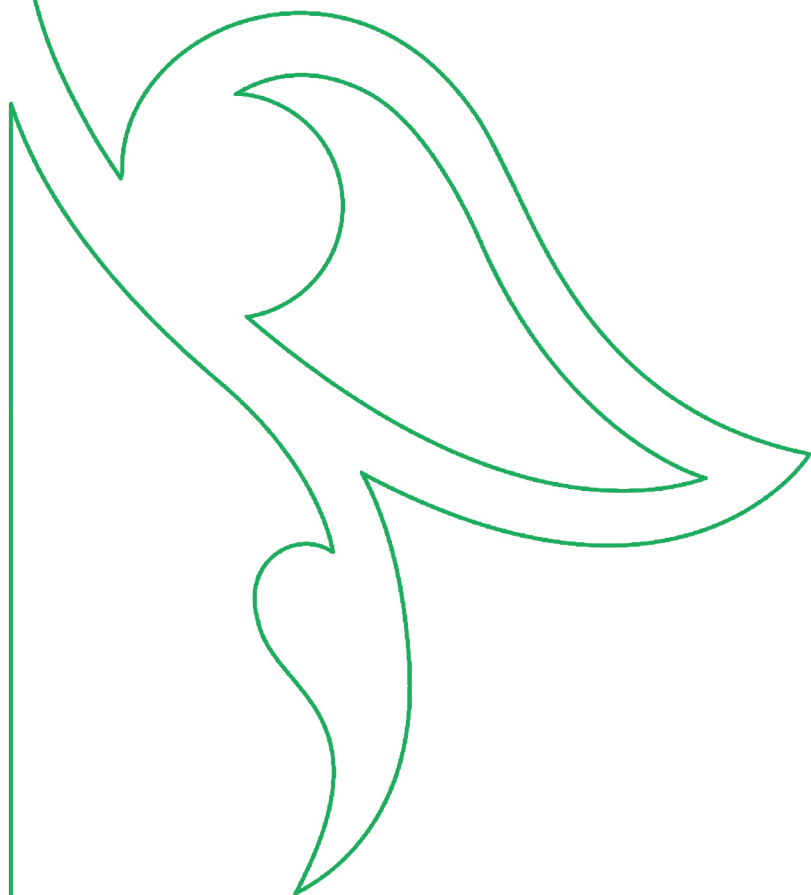
### فهرست تفصیلی

۱. نظام مفاهیم تقویت کننده تدبیر: تعریف محوری گزارش راهبردی ..... ۵۹
- ۱/۱. لزوم تحقق دو سطح فکری تأمل و تعقل جهت ورود به مرحله تدبیر ..... ۵۹
- ۱/۲. تعیین ملاک های تدبیر و تعیین نسبت بین تصمیم و این ملاک ها، دو ویژگی سطح تدبیر ..... ۵۹
- ۱/۲/۱. رشد و غی؛ دو ملاک اصلی تدبیر ..... ۵۹
- ۱/۲/۲. کلی گویی و ابهام؛ آفت اصلی ایجاد نسبت بین ملاک های تصمیم و ملاک های تدبیر ..... ۶۰
- ۱/۲/۳/۱. تبیین نقش منحصر به فرد نهاد خانواده در شکل گیری شخصیت به جهت معرفه الامام؛ بخش نخست این گزارش راهبردی ..... ۶۱
- ۱/۲/۳. مسئله اشتغال بانوان؛ نمونه ای از لزوم تدوین گزارش راهبردی ..... ۶۱
- ۱/۲/۳/۱/۱. وجود یک باب فقهی مستقل در مورد لزوم معرفه الامام و چگونگی بهینه نمودن روابط امام و مأموم ..... ۶۳
- ۱/۲/۳/۲. اثر افزایش سطح اشتغال بانوان در تضعیف ملاک های بخش اول گزارش راهبردی؛ تشکیل دهنده بخش دوم گزارش راهبردی ..... ۶۴
- ۱/۲/۳/۲/۱. به چالش کشیده شدن نقش زن؛ اولین اثر سوء در اشتغال بانوان ..... ۶۴
- ۱/۲/۳/۲/۲. از دست رفتن ارتباط عاطفه محور در خانه به علت تثبیت اخلاق دفاعی در زنان؛ دومین اثر سوء اشتغال بانوان ..... ۶۴
- ۱/۲/۳/۲/۱/۱. تبدیل شدن زن از یک موجود ظریف و عاطفی به موجودی سخت و مردواره؛ علت مدیریت مستمر فشارهای اجتماعی در اثر ازدیاد سطح تعاملات اجتماعی توسط زنان ..... ۶۴
- ۱/۲/۳/۲/۳. به چالش کشیده شدن همه موضوعات جهت ساز درون خانه اعم از روابط جنسی، روابط تعاملی و ...؛ سومین اثر سوء اشتغال بانوان ..... ۶۵
- ۱/۲/۳/۲/۳/۱. حذف مدیریت سفره از خانه و تفویض آن به فست فودها؛ نتیجه ایجاد موجی از بیماری های مختلف ..... ۶۵
- ۱/۲/۳/۲/۴. سنجش این ۳ اتفاق و صرف هزینه های گزاف ناشی از آنها با ملاک های بخش اول؛ تشکیل دهنده بخش دوم گزارش راهبردی ..... ۶۵
- ۱/۲/۳/۲/۴/۱. عدم بحث از معرفه الام در قسمت دوم و سنجش ملاک های مرتبط به نهاد خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد شکل دهنده معرفه الام در این قسمت ..... ۶۶



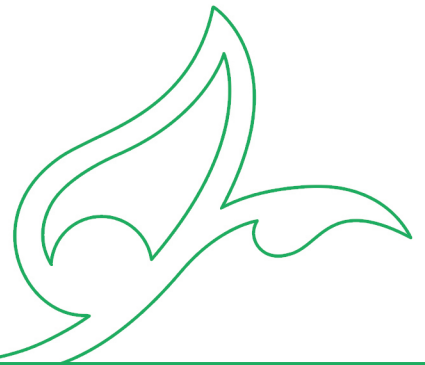


## جلسه ششم



تبیین سطح سوم گزارش راهبردی؛  
(تبیین چگونگی مدیریت زمینه‌های  
تصمیم غلط)

## شناسنامه جلسه ششم



عنوان  
تبیین سطح سوم گزارش راهبردی؛  
(تبیین چگونگی مدیریت زمینه‌های تصمیم غلط)

تاریخ نشست  
۲۰ آذر ۱۳۹۵

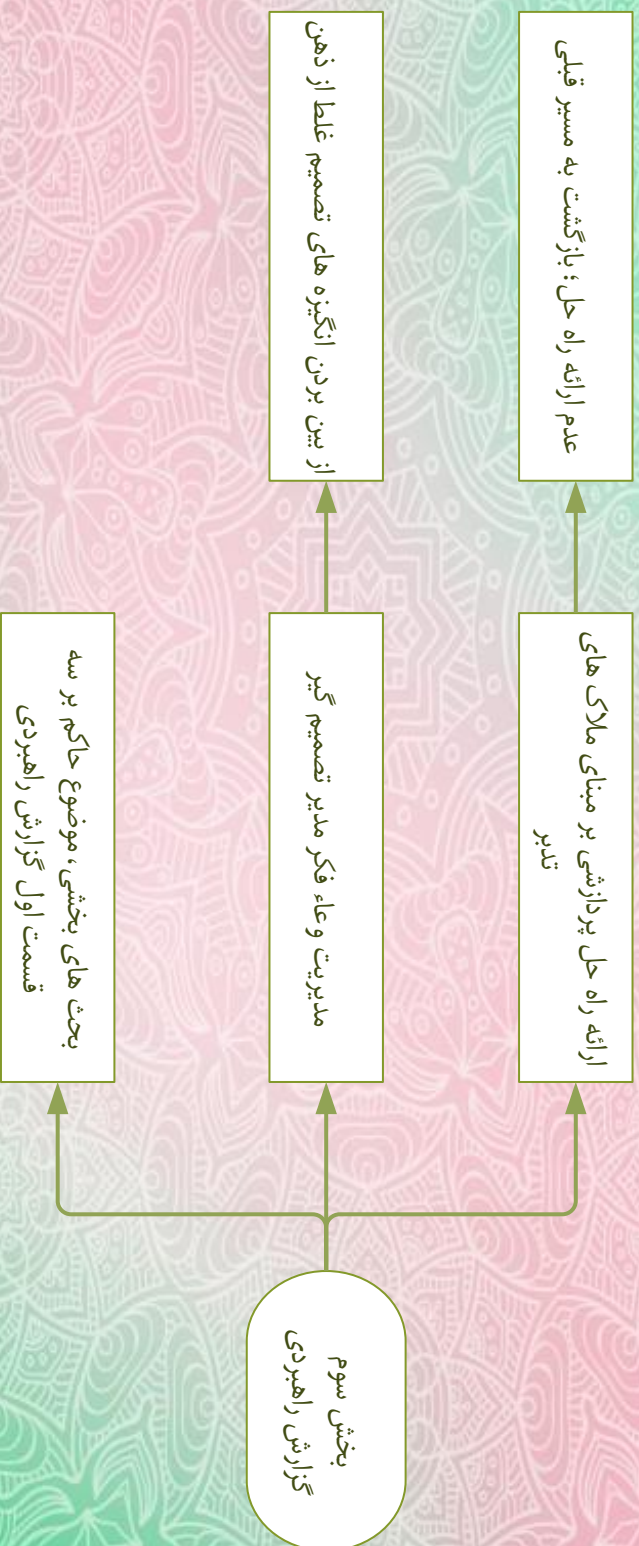
مشخصات اثر  
۷ صفحه (قطع رحلی)

این جزوه متن پیاده شده ششمین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "تبیین سطح سوم گزارش راهبردی؛ (تبیین چگونگی مدیریت زمینه‌های تصمیم غلط)" برگزار گردید. در این قسمت به تحلیل چگونگی تدوین بخش سوم گزارش راهبردی که آغاز بخش بررسی راه حل‌های موجود بر مبنای ملاک‌های تعیین شده در بخش‌های اول و دوم پرداخته شد. دو موضوع محوری بخش سوم گزارش راهبردی شروع به تدوین راه حل بر مبنای وعاء فکر مدیر و لحاظ نمودن ظرفیت‌ها و دغدغه‌های فکری او و همچنین لحاظ نمودن ملاک‌های تدبیر که در بخش دوم به صورت مبسوط در مورد بررسی قرار گرفته است، خواهد بود. هم‌چنین بخشی از تدوین بخش چهارم گزارش راهبردی - که تحلیل نظام‌مند جهت‌سازها است - نیز مورد بررسی قرار گرفت.

## فهرست اجمالی

۷۳	۱. ارائه راه‌حل پردازشی بر مبنای ملاک‌های تدبیر؛ تشکیل دهنده بخش سوم گزارش راهبردی
۷۵	۲. مدیریت وعاء فکر مدیر تصمیم‌گیر؛ دریچه ورود به سطح سوم گزارش راهبردی
۷۶	۳. تدوین توصیه‌های نظام‌مند در مقابل توصیه‌های بخشی؛ تشکیل دهنده بخش چهارم گزارش راهبردی

جلسه ششم: تبیین سطح سوم گزارش راهبردی؛ (تبیین چگونگی مدیریت زمینه‌های تصمیم غلط)





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیْبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ لَاسِیْمًا عَلٰی بَقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوٰحِنَا لِاَمَالِهِ الْفَدَا وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ.

در جلسات گذشته چند محور اصلی را خدمت شما گزارش دادم. یک محور به تعریف گزارش راهبردی از نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ارتباطش با ارتقاء فعالیت‌های جریان مطالبه‌گر در کشور اختصاص داشت. محور دوم به ارتباط مفهوم تدبیر با سایر سطوح فکر اختصاص داشت. محور دیگر این بود که ملاک تدبیر به عنوان سطح سوم فکر را بحث کردیم. مسئله دیگری که بحث کردیم در مورد ارتباط بین تصمیمی که قرار است در گزارش راهبردی ساخته یا نقد شود با ملاک تدبیر بود. همان‌طور که در جلسه‌ی قبل عرض کردم که در مجموع در محورهای بیان شده ۱۶ سؤال و پاسخ مطرح شده بود که یکی از دوستان زحمت کشیدند و [این ۱۶ سؤال را استخراج کردند.] دوستان می‌توانند به زحمت تحقیقی ایشان هم رجوع نموده و مباحث را دوره نمایند.

#### **۱. ارائه راه حل پردازشی بر مبنای ملاک‌های تدبیر؛ تشکیل دهنده بخش سوم گزارش راهبردی**

امروز می‌خواهم بحث جدیدی را اضافه کنم که در واقع این بحث، قسمت سوم گزارش راهبردی محسوب می‌شود؛ نویسنده‌ی گزارش راهبردی باید نسبت بین تصمیم به چالش کشیده شده و موضوع جهت‌سازی که پردازش آن راه حل تصمیم محسوب می‌شود را بحث کند.

اگر مباحث گذشته را مرور کنید به یاد می‌آوردید که ما عرض کردیم قسمت مهم گزارش راهبردی، بحث تفصیلی و دقیق از ملاک‌های تدبیر است. قسمت دوم گزارش راهبردی این بود که



نسبت بین تصمیم را با ملاک تدبیر سنجیده و نشان می‌دادیم که این تصمیم، در تعارض با ملاک تدبیر است و لذا ما به‌عنوان جبهه فکری - فرهنگی انقلاب و به‌عنوان نویسنده‌ی گزارش راهبردی با آن مخالف هستیم. در قسمت دوم گزارش دلیل مخالفت خود با تصمیم اتخاذشده توسط یک مدیر را اعلام می‌کنیم. رسالت قسمت دوم این بود دیگر.

حال درست است که شما در قسمت دوم با یک تصمیم به دلیل عدم تناسب آن با ملاک تدبیر مخالفت کردید؛ اما همچنان در ذهن مدیر تصمیم‌گیر یک ابهام وجود دارد و آن این است که حالا با این مشکل چه کنم؟ شما می‌گویید این تصمیم، برای حل مشکلی گرفته شده بود، اما تصمیمی که برای حل مشکل اتخاذ کردید با ملاک تدبیر در تعارض است و در نتیجه نباید این تصمیم گرفته شود. بنابراین تا به اینجا نصف راه را رفته‌اید؛ اما نیمه دیگر راه این است که به او بگویید چگونه مشکل را حل کند.

بنابراین در قسمت سوم باید نسبت بین آن مشکل را با جهت‌سازی که آن مشکل را حل می‌کند تشریح کنیم، این قسمت سوم گزارش راهبردی هست. مثالی که بنده در طول دوره حفظ کردم بحث اشتغال بانوان بود. بحث ما این بود که اگر شما بخواهید تصمیم به ارتقاء میزان اشتغال بانوان بگیرید، دوره‌ی شکل‌گیری شخصیت و دوره‌ی تربیت به چالش کشیده می‌شود. پس این تصمیم، تصمیم غلطی هست؛ اما توضیح ندادیم که فلسفه‌ی به‌کارگیری بانوان در محیط‌های اکونومیک چیست؛ یعنی به چه علتی مدیر می‌گوید سطح اشتغال را از ۵ درصد به ۳۵ درصد برسانیم؟ او می‌خواهد مشکل اقتصادی جامعه را حل کند. حالا شما به او می‌گویید از طریق ارتقاء سطح اشتغال بانوان این کار را نکنید. پس در قسمت سوم باید بگویید که از چه طریق مشکل اقتصادی را حل کند. تابع مثالمان اگر به او گفتید که از درآمد ناشی از اشتغال بانوان چشم‌پوشی نموده - مثلاً فرض کنید در سال ۱۰ هزار میلیارد تومان می‌شود - و خانواده را تضعیف نکنید و حتی خانواده را تقویت کنید؛ باید برای او هزینه‌های امنیتی، هزینه‌های اجتماعی، هزینه‌های سیاسی و هزینه‌هایی از این دست را محاسبه کرده و به او توضیح دهید که از طریق کسر این هزینه‌ها به اقتصاد کمک می‌کنید. این یک مثال بود.

بنابراین سر مطلب این است که اگر شما برای مشکل طرف مقابل راه حل ارائه ندهید، عدم ارائه‌ی راه حل دوباره زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که طرف مقابل به سمت تصمیم غلط قبلی برود. بنابراین گام سوم گزارش راهبردی می‌شود ارائه‌ی یک پیشنهاد کاربردی برای حل مشکلی که مدیر را به آن تصمیم غلط وادار کرده بود. شما در سطح دوم گزارش راهبردی با تصمیم غلط به دلیل مخالفت آن تصمیم با ملاک‌های تدبیر مخالفت کردید. حالا در گام سوم ارتباط بین آن مشکل و راه حل ناشی از پردازش یک موضوع جهت‌ساز را بحث می‌کنید.

می‌دانید معنای عرض بنده چه چیزی هست؟ هم‌اکنون شما در بحث دقت نمی‌کنید. حدسم این است که باید دقت عمیق‌تری صورت گیرد تا عرض بنده روشن شود؛ اما با این حال من فرض را می‌گیرم که شما خیلی دقت می‌کنید.

۱/۱. عدم ارائه راه حل (بخش سوم گزارش راهبردی)؛ زمینه‌ای برای بازگشت به همان مسیر قبلی



## ۲. مدیریت وعاء فکر مدیر تصمیم‌گیر؛ دریچه ورود به سطح سوم گزارش راهبردی

معنای بحث این است که شما باید از همان حیثی که طرف مقابل احساس مشکل کرده وارد مدیریت وعاء فکر او شوید. به‌طور مثال او می‌گوید من به دلیل ارتقاء ارزش افزوده<sup>۱</sup>، می‌خواهم سطح اشتغال بانوان را ارتقاء بدهم. بنابراین ورودی او ارزش افزوده است. شما در قسمت دوم می‌گویید ارتقاء سطح اشتغال بانوان به تربیت ضربه می‌زند و چون تربیت زیرساخت هدایت است پس این تصمیم با ملاک تدبیر در تعارض است. این یک روال و یک قسمت است و بنده در سطح دوم این را امضاء کردم، یعنی این باید باشد؛ اما در سطح سوم باید ارتباط بین تصمیم را با جهت‌ساز هم‌جنس آن تصمیم برقرار کنید. دیگر نباید بگویید اگر بانوان شاغل نشدند، تربیت ارتقا پیدا می‌کند، اینکه برای قسمت دوم بود. در قسمت سوم باید آثار اقتصادی عدم اشتغال بانوان را بحث کنید، این نکته‌ی فنی بحث است؛ یعنی باید همان حیثی که برای آن طرف دغدغه ایجاد کرده است را در ذهنش منتفی کنید.

اگر این قسمت از مناظره‌ی حقیر با آقای تاجگردون ضمیمه‌ی را این بحث کنید<sup>۲</sup>، معنای عرض بنده تفصیلی‌تر و روشن‌تر می‌شود. آقای تاجگردون در مورد هایپرمارکت‌ها و فواید اقتصادی اشتغال

۱. ارزش افزوده (Value added) به ارزشی که در فرایند تولید به ارزش کالاهای واسطه‌ای افزوده می‌شود، گفته می‌شود. این مفهوم به فرایند تولید مربوط است و نه به کالای خاص. رک: ارزش افزوده؛ چیستی و ابزارهای تجمیع، محمد قاسم پناهی، مرجان نکوآمال - نشر آفاق

۲. حجت‌الاسلام کشوری؛ ببینید آقا تاجگردون، تکلیف ما با برنامه ششم معلوم است؛ ما پیشنهاد دادیم ماده واحده تثبیت نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در نگاه برنامه‌ریزی کشور به برنامه ششم الحاق شود. این ماده واحده دارای هفت حکم بیشتر نیست. این هفت حکم یک قدم به سمت برنامه ششم محسوب می‌شود که تا بر سر جدول‌های اقتصاد سنتی آن قابل گزارش است. من گزارش همین بخش را بدهم؛ آقایان استدلال می‌کنند که ما اگر قوانین اشتغال بانوان را تسهیل کنیم، رشد اقتصادی به چالش کشیده می‌شود. ما جواب این اشکال را داده‌ایم؛ یکبار هزینه کرده و قوانین اشتغال بانوان را تسهیل کنید، حتی اگر لازم شد یارانه هم بدهید، [در این صورت] سر جمع چهار بار هزینه‌های کشور که این چهار مورد هزینه‌های فروپاشی نهاد خانواده است از هزینه‌های کشور کسر می‌شود. این کار دارای نفع بوده و به ضرر هم نخواهد بود. یکبار هزینه کرده و خانواده را احیا کنید بعد هزینه فروپاشی اجتماعی را نخواهید داد.

مثلاً در حال حاضر همین طرفین ۳۸ طلاق اختلاف خود را به کجا می‌برند؟ اختلاف خود را به دادگاه‌های خانواده می‌برند. چقدر هزینه این دادگاه‌های خانواده می‌شود؟ بالأخره این موارد هزینه بر هست، این موارد در محاسبات تولید ناخالص ملی می‌آید؟ بالأخره این موارد هزینه‌های کشور است. هزینه‌های نامنی هم ناشی از این مشکل هست. وقتی افراد دچار عدم سکینه شدند - به دلیل اینکه خانواده خوب آرامش‌آور است - بعد این عدم سکینه نامنی روانی ایجاد می‌کند و هزینه آن به بخش سلامت تحمیل می‌شود. بنده در اسناد برنامه‌ای دیده‌ام که نوشته شده «ما نیاز داریم که مثلاً رشته روانشناسی را در جامعه گسترش دهیم». چرا؟ به دلیل همین مشکلاتی که در اثر فروپاشی خانواده ایجاد شده است. زیرا این موارد پرهزینه است. چقدر باید خرج کنید تا دیپارتمان‌های روانشناسی را تقویت کنید، نیرو تربیت کنید که آنها مطب زده و بعد به مردم توصیه کنند که مثلاً این کارها را کنید تا عدم آرامش شما برطرف شود. این کار هزینه‌های سلامت را بدنبال دارد، هزینه‌های نامنی اجتماعی را بدنبال دارد، بنده عرض می‌کنم حتی هزینه‌های سیاسی دارد. انسان‌هایی که مجرد زندگی می‌کنند منیت در آنها فریه می‌شود. چون طبیعت زندگی خانوادگی این است که انسان باید گذشت کند و به همین دلیل در او تزکیه اتفاق می‌افتد. در نتیجه‌ی [رشد منیت] انسان‌ها به نظام سیاسی لیبرالی میل پیدا می‌کنند، یعنی حتی تقاضا می‌کنند که نظام سیاسی نیز تغییر کند. چرا؟ چون خواسته‌های شخصی خودشان اصل است.

پس بنابراین بنده حتی رشد و ارزش افزوده را ملاک قرار می‌دهم و می‌گویم: اگر ما یکبار برای کاهش قوانین اشتغال بانوان در جامعه هزینه کنیم، چهار مرتبه سود می‌کنیم که من سه مرتبه از این سودها را عرض کردم. البته پیشنهادی که بنده برای تغییر قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی دادم یک افق بلندمدت نیز در نظر دارد و آن افق این است که ما مثلاً مانند کشور آلمان نمی‌شویم.

مگر کشور آلمان یک کشور توسعه‌یافته نیست؟ ولی چون بر روی خانواده سرمایه‌گذاری نکرده در حال حاضر نیروی کار خود را وارد می‌کند. یعنی اگر شما سود اجتماعی را اصل قرار ندهید و همواره صحبت از سود اقتصادی نباشد، در دو دهه‌ی آینده حتی اقتصاد کشور نیز نابود خواهد شد؛ چون ما در دو دهه آینده نیروی کار جوان هم نخواهیم داشت. بنا بر این بنده علی‌المبنای خودتان محاسبه کردم. ولی یک نکته را فراموش نکنید که فضای حاکم بر نهاد خانواده، در قوانین اشتغال بانوان و آقایان - که ما می‌گوییم باید دو نوع قانون باشد - منحصر نیست.

متن کامل در: <http://nro-di.blog.ir/1395/03/23>



بانوان بحث می‌کردند. بنده در آن جلسه قسمت دوم تدبیر را به کار گرفتیم؛ یعنی اولاً بحث کردم از اینکه اگر بانوان ما شاغل شدند، تربیت به‌عنوان زیرساخت هدایت به چالش کشیده می‌شود و برای ما عوارضی خواهد داشت؛ منتهی زمانی جمع‌بندی جلسه دقیق‌تر شد که بنده گفتیم کشورهایمانند کشور آلمان - که بانوان را به کار گرفته و سطح اشتغال بانوان را افزایش داده‌اند - در حال حاضر با مشکل جمعیت روبرو شده‌اند و مشکل جمعیت باعث شده است که نیروی کار هم نداشته باشند<sup>۳</sup>؛ یعنی بنده او را از همان حیثی که دفاع می‌کرد به چالش کشیدم؛ او می‌خواست بگوید اشتغال بانوان برای کشور درآمدزایی می‌کند، اما بنده با مثال کشور آلمان نشان دادم که حتی در میان‌مدت نیز درآمدزایی ندارد. پس به قسمت سوم گزارش راهبردی توجه کنید؛ شما باید ارتباط همان حیثی که او از آن شروع کرده است را با جهت‌ساز خود برقرار کنید. یعنی مثلاً شما در قسمت دوم گزارش راهبردی توضیح می‌دهید که اتخاذ یک تصمیم توسط یک مدیر با ملاک‌های تدبیر در تعارض است. در قسمت سوم می‌گویید ادعای طرف مقابل نیز محقق نمی‌شود؛ این قسمت سوم گزارش راهبردی است که باید بحث شود.

بنابراین تا این جای بحث زمینه‌ی تصمیم نیز در ذهن مدیر منتفی می‌شود؛ یعنی دیگر برای یک مدیر سالم هیچ انگیزه‌ای برای اتخاذ آن تصمیم غلط باقی نمی‌ماند. این کارکرد قسمت سوم گزارش راهبردی است. شما در قسمت دوم گزارش راهبردی عواقب دیده نشده را به او متذکر می‌شدید؛ یعنی مدیر چیزهایی را ملاحظه نکرده بود و شما آن را به او نشان می‌دادید. اما در قسمت سوم به او توضیح می‌دهید که محاسبه‌ی پایه‌ی او، خودش محل بحث و اشکال است. این موضوع به‌طرف مقابل بسیار کمک می‌کند. در این صورت اگر آن مدیر انسان سالمی باشد - که بسیاری از مدیران ما انسان‌های سالمی هستند -، ذهن او کاملاً از تصمیم قبلی منصرف می‌شود؛ چون ما کاملاً بحث را به چالش کشیدیم.

### ۳. تدوین توصیه‌های نظام‌مند در مقابل توصیه‌های بخشی؛ تشکیل دهنده بخش چهارم گزارش

#### راهبردی

ان‌شاءالله فردا بنده بحثی را مطرح می‌کنم که به نظر بنده مهم‌ترین بخش گزارش راهبردی است. فردا شبکه جهت‌سازهای مرتبط با جهت‌ساز نزدیک به موضوع تصمیم را بحث می‌کنم. اگر قسمت چهارم محل بحث قرار نگیرد، شما مبتلا به توصیه‌های بخشی می‌شوید نه توصیه‌های نظام‌مند. ان‌شاءالله این موضوع را بعداً بحث خواهیم کرد. قسمت پنجم نیز آئین‌نامه‌ی نمونه‌سازی است که آن را شرح خواهیم داد.

ولی توجه کنید که ما به دلیل اینکه می‌خواهیم تدبیر ایجاد کنیم تا قسمت سوم [گزارش راهبردی] ارتباط بین یک تصمیم را با نزدیک‌ترین جهت‌ساز بحث می‌کنیم، ما چه در سطح دوم و

۲/۱. از بین بردن انگیزه‌های اتخاذ تصمیم غلط در ذهن مدیران؛ هدف تدوین قسمت سوم گزارش راهبردی

۳/۱. بحث‌های بخشی، موضوع حاکم بر سه قسمت اول گزارش راهبردی به علت الزام به ایجاد تأمل در افراد

۳. کمبود ۶ میلیونی نیروی کار در آلمان؛ کمبود نیروی کار در رشته‌های تخصصی، اقتصاد آلمان را با مشکلات بسیاری روبرو ساخته است. دولت آلمان در صدد است برای مقابله با این دشواری‌ها، از جمله در شرایط مهاجرت خارجی‌ها به آلمان تسهیلات چشمگیری ایجاد کند.

دو پیچه وله ۲۰۱۱/۷/۴: <http://dw.com/p/11nlf>





چه در سطح سوم به صورت بخشی بحث کردیم. چرا؟ چون می‌خواهیم نسبت به بحث خودمان تأمل ایجاد کرده و در طرف مقابل تلنگر ایجاد کنیم؛

۳/۲. ورود به پردازش نظام مند  
جهت سازها در بخش چهارم  
گزارش راهبردی به جهت حل  
ریشه ای و همه جانبه مسئله  
پیش رو

اما از قسمت سوم بحث به بعد وقتی طرف مقابل با ما همراه شد، باید به او توجه بدهیم که اگر نظامی از جهت سازهای مرتبط با جهت ساز نزدیک به تصمیم پردازش نشود، در میان مدت زمینه پردازش جهت ساز نزدیک به تصمیم هم منتفی می‌شود؛ چون جهت سازها، حکم عضد یکدیگر را داشته و همدیگر را پشتیبانی می‌کنند. ما در عمل نمی‌توانیم یک جهت ساز را پردازش کنیم؛ چون یک جهت ساز فرصت بقا ندارد؛ حالا ان شاء الله فردا این موضوع را توضیح خواهیم داد. اصلاً جهت سازها در عینیت پشتیبان یکدیگر هستند، این را بحث خواهیم کرد؛ ولی تا به حال بحث ما بر روی این است که روح گزارش ما در سه قسمت اول، لحاظ جهت ساز نزدیک به تصمیم است، ما نزدیکترین جهت ساز به تصمیم را انتخاب نموده و تصمیم را با آن می‌سنجیم. این، تفاوت میان سه قسمت اول گزارش راهبردی و دو قسمت بعد از آن است که باید به آن توجه کنیم. از قسمت چهارم به بعد ارتباط جهت ساز نزدیک به تصمیم محل بحث با شبکه‌ی جهت سازهای مرتبط بحث می‌شود، یعنی وارد نظام تصمیم‌گیری می‌شویم، برخلاف سه قسمت اول گزارش راهبردی.<sup>۴</sup>

و صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نبينا ابی القاسم محمد

۴. خواهش می‌کنم این بحث را با دقت بیشتری دنبال کنید. البته چون بنده بالای سر کار ایستاده‌ام تا دوستان اولین گزارش راهبردی را بنویسند بعداً در مقام پردازش گزارش راهبردی - که هر یک از دوستان یک گزارش می‌نویسند - حتماً گفت‌وگوهای دقیق‌تری میان بنده و برادری که گزارش راهبردی می‌نویسد اتفاق می‌افتد و مباحث در ذهن دوستان پخته‌تر می‌شود ولی به هر حال خود بحثی که مطرح می‌کنیم، بحثی است که حتماً باید در آن دقت کافی شود تا زمینه‌ی نوشتن گزارش راهبردی در ذهن شما فراهم شود، به این مسائل توجه کنید. پس در جلسه‌ی امروز نیز چهار سؤال را به صورت اجمالی مورد بحث قرار دادیم که به شانزده سؤال قبل اضافه شدند و برادر گرامی آقای حسن‌زاده باید این سؤالات را استخراج کنند تا ان شاء الله این بحث در ذهن دوستان تکمیل شود.

### پرسش و پاسخ

**آقای دادمرزی:** حاج آقا! در آنجایی که باید برای ارزش افزوده راهکار ارائه بدهیم، کدام بخش از گزارش راهبردی است؟ یعنی با توجه به اینکه دغدغه طرف مقابل ارزش افزوده بود ما به او می‌گوییم با اشتغال بانوان ارزش افزوده حاصل نمی‌شود، حال برای حل دغدغه‌ی او در کدام قسمت از گزارش راهبردی این کار را انجام می‌دهیم؟

**استاد کشوری:** در همین قسمت سوم دیگر.

**آقای دادمرزی:** خیر؛ در قسمت سوم نفی می‌کنیم، یعنی مثال نقض آورده و می‌گوییم اینکه شما گفتید با اشتغال بانوان ارزش افزوده ایجاد می‌شود این طور نیست، اما ما راهکاری را ارائه نکردیم.

**استاد کشوری:** چرا ارائه کردیم؛ از طریق کسر هزینه‌های ...

**آقای دادمرزی:** یعنی راهکار کاربردی مشخص ارائه ندادیم.

**استاد کشوری:** گزارش راهبردی‌ای که الآن شما دارید می‌نویسید در فضای نقد یک تصمیم است؛ یعنی برای این است که طرف مقابل را به تصحیح تصمیم خود ملزم کنید. در این فرض ما سه کار انجام می‌دهیم؛ ۱. ملاک تدبیر را بحث می‌کنیم ۲. نسبت بین تصمیم و ملاک تدبیر را بحث می‌کنیم، این قسمت دوم است. ۳. در قسمت سوم زمینه‌ی اتخاذ تصمیم را با نزدیک‌ترین جهت‌ساز برقرار می‌کنیم. اگر ما می‌خواستیم از ابتدا تصمیمی را بسازیم از همین [مرحله سوم] شروع می‌کردیم؛ یعنی مشکلی در حال بحث است، مثلاً داریم مسئله اقتصاد را بحث می‌کنیم. [اگر می‌خواستیم تصمیمی را بسازیم] برای پاسخ به این موضوع از نزدیک‌ترین جهت‌ساز مرتبط استفاده نموده و راه‌حل را بحث می‌کردیم. دلیل اینکه ذهن شما این‌گونه شکل گرفته آن است که ما در دو قسمت از گزارش راهبردی یک تصمیم را نقد می‌کنیم. حالا شما فرض کنید می‌خواهید ذهن



مدیر را از ابتدا بسازید. شما این مشکل را با نزدیک‌ترین جهت‌ساز به آن تصمیم بررسی نموده و نسبت‌سنجی می‌کنید. پس جواب سؤال شما در همین قسمت سوم است. ذهن خود را از نقد خارج نموده و فکر کنید که اصلاً تصمیم مخالفی روبروی شما قرار ندارد و می‌خواهید تصمیم‌سازی کنید. در این صورت چه کاری انجام می‌دهید؟ نسبت بین یک چالش را با نزدیک‌ترین ترجمه بررسی می‌کنید، الآن هم در دوره شریف در حال توضیح این بحث هستیم؛ یعنی از پایه تصمیم شروع نموده و به او توضیح می‌دهید که علت این چالش، عدم توجه به فلان ترجمه است. ما بحث اثباتی را به قسمت سوم [گزارش راهبردی] موکول کرده‌ایم؛ چون مجبوریم دو مرحله، تصمیم غلط را نقد کنیم. بنابراین راه‌حل اثباتی، قسمت سوم است.

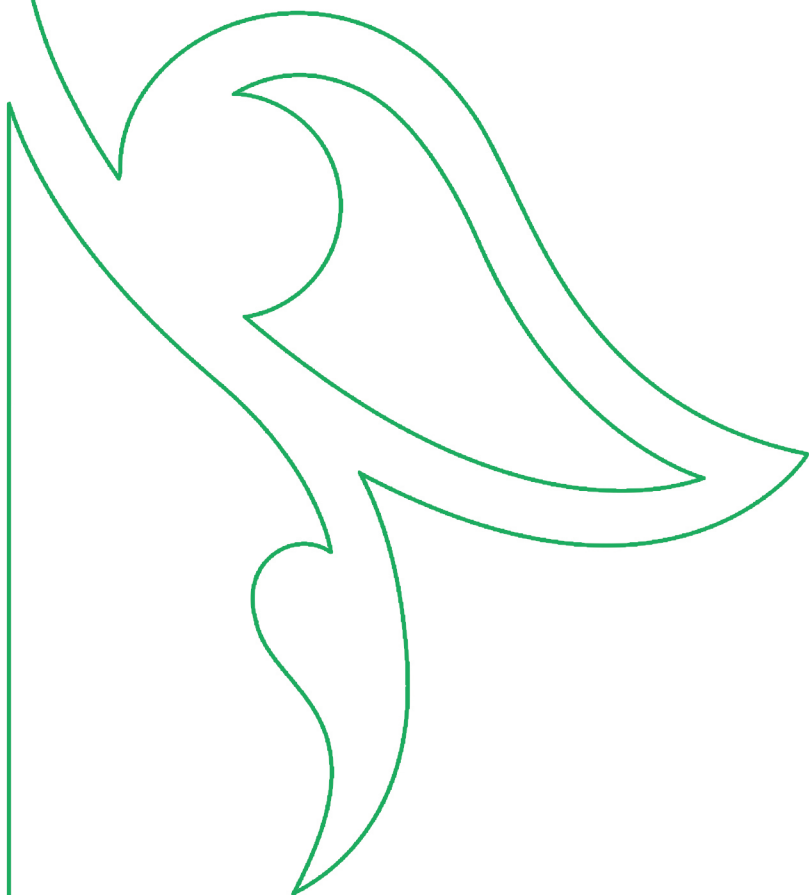
بحث را یکبار تکرار می‌کنم تا در ذهن شما تثبیت شود؛ اساساً وقتی زمینه‌ی یک تصمیم غلط در ذهن یک مدیر از بین می‌رود که نسبت آن زمینه با نزدیک‌ترین جهت‌ساز برقرار شود؛ یعنی راه‌حل ارائه شود. وقتی شما یک مدیر را بدون راه‌حل می‌گذارید، از راه‌حل‌های غلط برای حل مشکل خود استفاده می‌کند. همیشه در نقشه راه، راه‌حل‌ها ترجمه‌ها هستند؛ منتهی یک ترجمه از موضوع تصمیم، دور و ترجمه‌ای نیز نزدیک است. پس همیشه در قسمت سوم گزارش راهبردی راه‌حل خود را نیز بحث می‌کنید. حالا ان شاء الله وقتی این موضوع را تطبیق بدهیم بحث واضح‌تر می‌شود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ

### فهرست تفصیلی

۱. ارائه راه حل پردازشی بر مبنای ملاک های تدبیر: تشکیل دهنده بخش سوم گزارش راهبردی ..... ۷۳
- ۱/۱. عدم ارائه راه حل (بخش سوم گزارش راهبردی): زمینه ای برای بازگشت به همان مسیر قبلی ..... ۷۴
۲. مدیریت وعاء فکر مدیر تصمیم گیر؛ دریچه ورود به سطح سوم گزارش راهبردی ..... ۷۵
- ۲/۱. از بین بردن انگیزه های اتخاذ تصمیم غلط در ذهن مدیران؛ هدف تدوین قسمت سوم گزارش راهبردی ..... ۷۶
۳. تدوین توصیه های نظام مند در مقابل توصیه های بخشی؛ تشکیل دهنده بخش چهارم گزارش راهبردی ..... ۷۶
- ۳/۱. بحث های بخشی، موضوع حاکم بر سه قسمت اول گزارش راهبردی به علت الزام به ایجاد تأمل در افراد ..... ۷۷
- ۳/۲. ورود به پردازش نظام مند جهت سازها در بخش چهارم گزارش راهبردی به جهت حل ریشه ای و همه جانبه مسئله پیش رو ..... ۷۷

# جلسه هفتم



تبیین سطح چهارم گزارش راهبردی؛  
(بررسی ارتباط بین جهت ساز نزدیک به  
تصمیم با نظام جهت سازهای مرتبط)

## شناسنامه جلسه هفتم



عنوان  
تبیین سطح چهارم گزارش راهبردی؛  
(بررسی ارتباط بین جهت ساز نزدیک به تصمیم با نظام جهت سازهای مرتبط)

تاریخ نشست  
۲۱ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۹ صفحه (قطع رحلی)

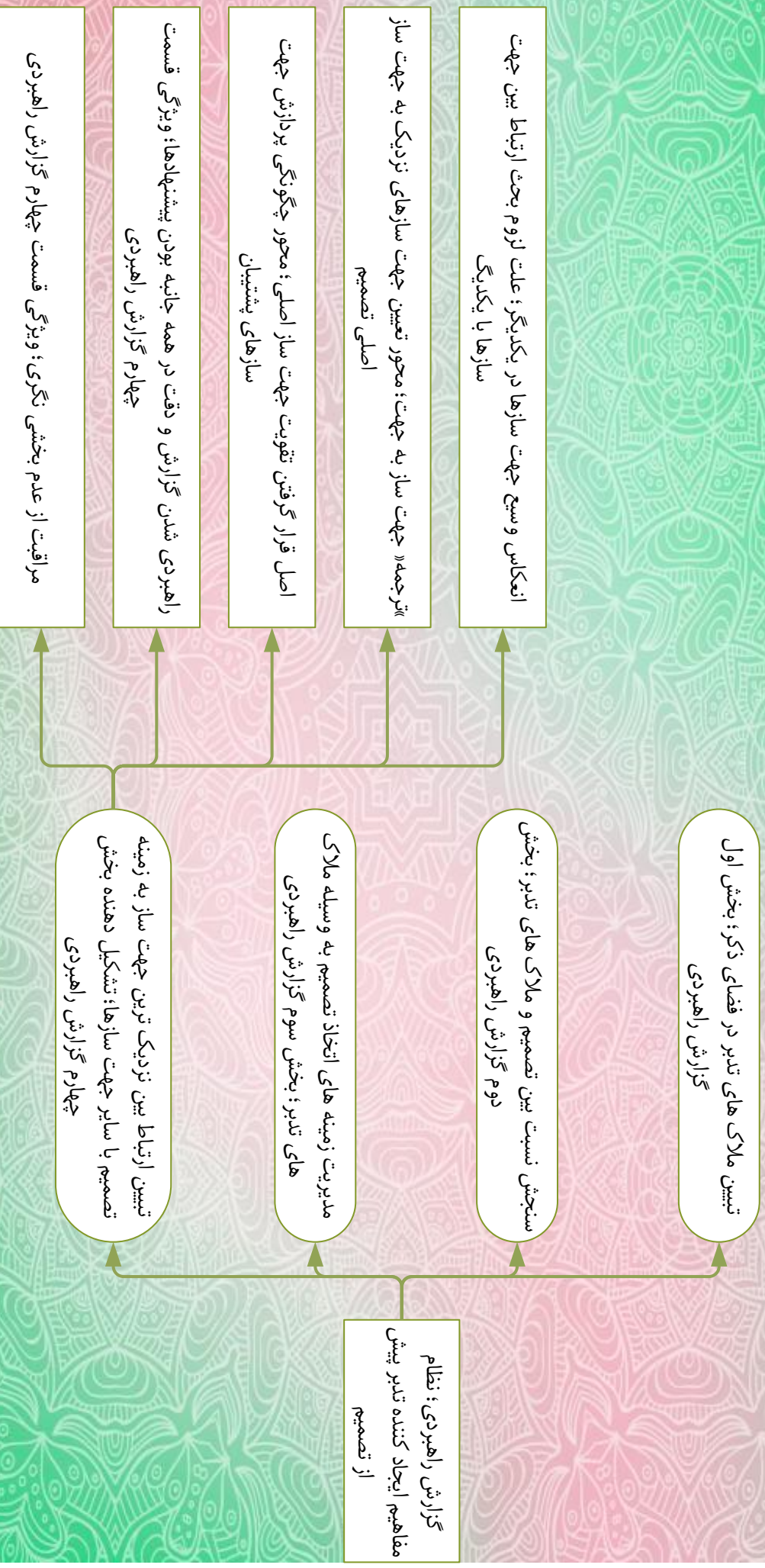
این جزوه متن پیاده شده هفتمین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "تبیین سطح چهارم گزارش راهبردی؛ (بررسی ارتباط بین جهت ساز نزدیک به تصمیم با نظام جهت سازهای مرتبط)" برگزار گردید.

در این جلسه بر لزوم دقت در انتخاب جهت سازهای مرتبط با جهت ساز نزدیک به زمینه تصمیم تأکید شد. هم چنین وجود "ترجمه" جهت ساز به جهت برای تعیین دقیق تر ارتباط بین جهت سازها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نکته مهم بخش چهارم گزارش راهبردی مراقبت از عدم بخشی نگری و تحلیل همه جانبه مسئله بوسیله تحلیل شبکه ای جهت سازها است.

## فهرست اجمالی

۸۵	۱. گزارش راهبردی؛ نظام مفاهیم ایجاد کننده تدبر پیش از تصمیم
۸۷	۲. تبیین ارتباط بین نزدیک ترین جهت ساز به زمینه تصمیم با سایر جهت سازها؛ تشکیل دهنده بخش چهارم گزارش راهبردی

جلسه هفتم: تبیین سطح چهارم گزارش راهبردی؛ (بررسی ارتباط بین جهت‌ساز نزدیک به تصمیم با نظام جهت‌سازهای مرتبط)







بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام  
 على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله  
 فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

#### ۱. گزارش راهبردی؛ نظام مفاهیم ایجادکننده تدبیر پیش از تصمیم

در جلسات گذشته عرض کردم که گزارش راهبردی به معنای نظام مفاهیمی هست که منجر به  
 ایجاد تدبیر قبل از تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین اگر نویسنده‌ی گزارش راهبردی فرآیند تدبیر را فهم  
 کند، می‌تواند این نکته مهم را در گزارشی که برای بهینه‌ی تصمیم در یک سازمان یا مجموعه  
 می‌نویسد، منعکس کند. عرض کردم که مراحل نگارش گزارش راهبردی پنج مرحله هست؛

مرحله‌ی اول عبارت است از این که ملاک تدبیر را در فضای ذکر تبیین کنیم. در فضای ذکر یعنی  
 در عمق‌های مختلف. یکی از قیده‌های ذکر این بود. ذکر، تکرار است اما تکرار در عمق ثابت نیست.<sup>۱</sup>  
 در فضای ذکر یعنی همراه با شفقت و محبت باشد. کافی است کسی را که می‌خواهید متذکر کنید  
 احساس کند که شما منافی دارید. دیگر ماهیت ذکر به چالش کشیده می‌شود. بنابراین در عمق‌های  
 مختلف، در فضای شفقت و با دیگر قیده‌هایی که در ذکر مطرح کردیم، باید ملاک را بحث کرد. این  
 حرف اول بود.

۱/۱. تبیین ملاک‌های تدبیر در  
 فضای ذکر؛ بخش اول گزارش  
 راهبردی

۱. ر.ک: تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ دانشگاه صنعتی شریف؛ ذیل جلسات ۶ و ۷



۱/۲. سنجش نسبت بین تصمیم و ملاک‌های تدبیر؛ بخش دوم گزارش راهبردی

سخن دوم این بود که نسبت بین تصمیم مورد بحث را با ملاک تدبیر بسنجیم. این قسمت دوم گزارش راهبردی بود. اگر این تصمیم اتخاذ شود، با ملاک تدبیر چه چالش‌ها و تعارض‌هایی را ایجاد می‌کند. این هم قسمت دوم بود که بحث کردیم.

۱/۳. مدیریت زمینه‌های اتخاذ تصمیم به وسیله ملاک‌های تدبیر؛ بخش سوم گزارش

قسمت سوم گزارش راهبردی عبارت است از مدیریت زمینه‌های اتخاذ تصمیم بود. خود تصمیم و ابعادش را با ملاک تصمیم، با ملاک تدبیر می‌سنجیم. این یک بحث است اما وقتی شما به طرف مقابل می‌گویید تصمیم شما غلط است. این اثبات غلط بودن یک تصمیم به معنای مدیریت زمینه‌های پیدایش آن تصمیم نیست. یعنی آن دغدغه‌ای که مدیر را وادار کرد که تصمیم غلط را بگیرد، با قسمت دوم از بین نمی‌رود. بنابراین شما در قسمت سوم گزارش باید یک سرفصل بحث بنویسید که چگونه دغدغه‌ی مدیر، قابلیت مدیریت پیدا می‌کند. چگونه زمینه‌ای که باعث شده این تصمیم غلط اتخاذ شود، مدیریت شود. این هم یک قسمت بحث است که این‌ها را در جلسه‌ی گذشته عرض کردیم.

۱/۳/۱. برقراری ارتباط تحلیلی-مفهومی بین زمینه تصمیم با نزدیک‌ترین جهت‌ساز آن تصمیم؛ روش مدیریت زمینه‌های پیدایش تصمیم

بحث در جلسه‌ی گذشته به اینجا رسید که روش مدیریت زمینه‌های پیدایش تصمیم، برقراری ارتباط مفهومی-تحلیلی هست بین آن زمینه‌ی تصمیم با نزدیک‌ترین جهت‌ساز. یعنی هر وقت خواستیم یک زمینه را در ذهن طرف مقابل منتفی کنیم، مدیریت کنیم-کلمه‌ی مدیریت کردن بهتر است- باید اثر یک جهت‌ساز نزدیک به آن زمینه را در آن زمینه برای مدیر تبیین کنیم.

در مثالی که در این دوره مطرح کردم؛ مثلاً دغدغه در کشور رونق اقتصادی است. رونق اقتصادی را دغدغه فرض می‌کنیم. مدیر توسعه‌گرا برای ارتقاء رونق اقتصادی که در واقع زمینه‌ی تصمیم بود، چه کاری کرده؟ تصمیم به ارتقاء سطح مشارکت بانوان در بخش تولید گرفته است. ما در مرحله‌ی دوم گزارش راهبردی این تصمیم را به چالش کشیده‌ایم؛ گفتیم این تصمیم غلط است. در قسمت سوم باید برای خود زمینه، که رونق اقتصادی است راه‌حل ارائه نماییم. بگوییم این زمینه را از این طریق تأمین نکن بلکه از طریق پردازش نزدیک‌ترین جهت‌ساز به موضوع مورد نظر ما تأمین کن. این قسمت سوم گزارش راهبردی بود که توضیح دادم. که در آنجا عرض کردم که بحث، چند بعدی است؛ مثلاً ما افزایش نقش بانوان در خانواده را در ذهن این مدیر به‌عنوان سرمایه‌گذاری معرفی کنیم تا مدیر بیاید و آثار اقتصادی تقویت خانواده را ببیند. به‌طور مثال یکی از آثار اقتصادی تقویت نهاد خانواده، تولید جمعیت می‌شود، ارتقای کمی و کیفی جمعیت. ارتقای کمی و کیفی جمعیت آثار اقتصادی هم دارد. یا یکی از آثار ارتقاء کیفیت خانواده کاهش هزینه‌های اجتماعی-امنیتی می‌شود. بنابراین شما هزینه‌های امنیتی، هزینه‌های اجتماعی را از کل مخارج کشور کسر می‌کنید. این یک فایده‌ی اقتصادی است. او دغدغه‌ی مسائل اقتصادی را دارد و شما از طریق پردازش نزدیک‌ترین جهت‌ساز به آن تصمیم-که در اینجا مسئله‌ی تربیت نزدیک‌ترین جهت‌ساز به تصمیم است- زمینه‌های تصمیم هم مدیریت می‌کنید. پس یک‌بار از طریق پردازش نزدیک‌ترین جهت‌ساز و سنجش نسبت تصمیم به نزدیک‌ترین جهت‌ساز، تصمیم را ارزیابی می‌کنید. این می‌شود قسمت دوم گزارش راهبردی. در مرحله‌ی بعد از طریق سنجش ارتباط بین زمینه تصمیم و نزدیک‌ترین جهت‌ساز، زمینه را مدیریت می‌کنید. یعنی در واقع جهت‌سازی که ملاک تدبیر بود، دو کارکرد



پیدا می‌کند؛ از یکی برای بهینه شدن تصمیم استفاده می‌کنید، از دیگری برای مدیریت زمینه‌ی تصمیم. این شد خلاصه‌ای از بحث‌هایی که در جلسه‌ی گذشته عرض کردم.

## ۲. تبیین ارتباط بین نزدیک‌ترین جهت‌ساز به زمینه تصمیم با سایر جهت‌سازها؛ تشکیل‌دهنده بخش

### چهارم گزارش راهبردی

اما قسمت چهارم گزارش راهبردی چیست؟ باید ارتباط بین نزدیک‌ترین جهت‌ساز به آن تصمیم و زمینه‌ی تصمیم را با سایر جهت‌سازها بحث می‌کنید. چرا این کار را انجام می‌دهید؟ چون در نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جهت‌سازها در یکدیگر انعکاس دارند.

انعکاس در یکدیگر به چه معناست؟ یعنی بین جهت‌سازها خدمات متقابل برقرار است. یعنی هر جهت‌ساز در ضمن این که با پردازشش یک اتفاقی در مسئله‌ی هدایت ایجاد می‌کند، پردازش او به نحو عالی به پردازش سایر جهت‌سازها نیز وابسته است. مثالی می‌زنم تا بحث روشن شود. به طور مثال در این بحث -همین مثالی که در دوره مطرح می‌کنیم که مسئله‌ی اشتغال بانوان است- جهت‌ساز تربیت را موضوع قرار دادیم و می‌گوییم این تصمیم ضد پردازش این جهت‌ساز است. بحث حول این جهت‌ساز می‌چرخد.

خود پردازش جهت‌ساز تربیت، یک آثاری در هدایت دارد؛ باعث می‌شود شخصیت انسان‌ها در دوره‌ی شکل‌گیری شخصیت درست اتفاق بیافتد. این اصل داستان است اما سخن در این است که اگر پردازش این دوره‌ی شکل‌گیری شخصیت در نهاد ترجمه‌ای خانواده بخواند درست اتفاق بیفتد، به طور مثال به پردازش بخش معیشت و اقتصاد وابسته است. یعنی بخش اقتصاد فضای حاکم بر تربیت محسوب می‌شود. پس آن را نیز باید بحث کنیم. اگر قرار است خانواده، جهت‌ساز تربیت را به جهت معرفه‌الامام ترجمه کند، در بخش اقتصاد چه خدماتی باید به این خانواده داشته باشیم. این را هم باید بحث کنیم، که می‌شود بنگاه‌های تولید خانوادگی.

وقتی شما بحث بنگاه‌های تولید خانوادگی را مطرح می‌کنید، برای راه‌اندازی این بنگاه‌ها سه دسته مطالعه را آغاز می‌کنید؛ دسته‌ی اول مطالعات مربوط می‌شود به مطالعات وضعیت روابط انسانی کارکنان بخش تولید. اساساً از اینجا شروع می‌شود. برخلاف فکر توسعه که وقتی یک کارشناس توسعه به جایی می‌رود و می‌خواهد کسب‌وکار اقتصادی راه بیندازد می‌گوید مزیت نسبی اینجا در تولید چه چیزی است؟

ما در معیت یکی از کارشناسان توسعه که به الموت رفته بودیم دائماً به بنده گزارش می‌داد که مثلاً دام سبک مزیت تولید اینجا است. دام سنگین در مرتع‌های اینجا دوام نمی‌آورد. در ادامه اثر بیماری گنه را در از پا درآوردن دام‌های سنگین توضیح می‌داد که من را قانع کند که باید در آنجا دام سبک تقویت شود تا تولید راه بیفتد. توضیحاتش که تمام می‌شد من سؤال می‌پرسیدم که اهالی این روستا باهم فامیل هستند یا نه.

۲/۱. انعکاس وسیع جهت‌سازها در یکدیگر؛ علت لزوم بحث ارتباط بین جهت‌سازها با یکدیگر

۲/۲. «ترجمه» جهت‌ساز به جهت؛ محور تعیین جهت‌سازهای نزدیک به جهت‌ساز اصلی تصمیم

۲/۲/۱. تفاوت بنیادین تعریف متغیرهای جهت‌ساز در نزد الگوهای مبتنی بر توسعه و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ علت اتخاذ تصمیم‌های کاملاً متفاوت بین کارشناسان توسعه و کارشناسان پیشرفت اسلامی

۲. علت تبلور مباحث مربوط به آمایش صنعتی، GIS، مدیریت یکپارچه صنعتی (SCM) و ... به دلیل برجسته بودن مزیت‌های نسبی در ذهن کارشناسان توسعه است.



سؤالات من مزیت‌های نسبی تولید آن منطقه نبود بلکه سؤالاتم گسستگی بین روابط انسانی در آن منطقه بود. اگر آن روستایی که می‌خواهیم در آن محرومیت‌زدایی را جلو ببریم این‌ها یک فامیل باشند. کار تولیدی ما خیلی راحت‌تر می‌شود. چون بین اعضای یک فامیل از حیث رفیق گسستگی کمتری وجود دارد. در این صورت ما مجموعه انسان‌های به هم پیوسته‌ای از حیث رفیق را برمی‌داریم به کارکنان یک بنگاه تولیدی تبدیل می‌کنیم.

۲/۲/۱/۱. بنگاه‌های تولید خانوادگی؛ نمونه‌ای از پردازش جهت‌ساز معیشت به علت اثر آن در تربیت (بـه‌عنوان نزدیک‌ترین جهت‌ساز به جهت معرفه‌الامام)

معنایش چه می‌شود؟ معنایش این می‌شود که بین اعضای آن بنگاه تولیدی گپ<sup>۳</sup> بین کارگر و کارفرما مشکل اصلی نخواهد بود. یعنی سؤال اصلی که همیشه وجود دارد که منافع کارگر و کارفرما را چطور مدیریت کنیم؟ خیلی ظلم ایجاد می‌شود. همیشه کارفرماها موقعی که سودشان به خطر می‌افتد کارگران را تعدیل می‌کنند.

در حال حاضر ظلم بسیار زیادی به کارگران وارد می‌شود؛ همیشه وقتی سود کارفرماها به خطر می‌افتد کارگران را تعدیل می‌کنند و این موضوع در بنگاه‌های اقتصادی به یک معضل لاینحل تبدیل شده و ضد عدالت است. ما برای حل این مسئله گفته‌ایم اگر اعضای یک بنگاه تولیدی و یک واحد تولیدی را از اعضای یک فامیل قرار دهید - یعنی انسان‌هایی را قرار دهید که از حیث روابط انسانی به هم پیوسته هستند - و اقتصاد را بر روی این روابط انسانی پیوسته قرار دهید، بعداً وقتی بنگاه‌ها راه‌اندازی کردید سود اقتصادی، پشتیبان سود اجتماعی خواهد بود؛ سود اجتماعی یعنی سودی که اعضای یک فامیل در حفظ همدیگر احساس می‌کنند، اعضای فامیل واقعاً احساس سود می‌کنند. مثلاً شما یک خانواده و اعضای یک فامیل را تصور کنید؛ روابط اعضای این خانواده بر پایه‌ی این است که به یکدیگر منفعت می‌رسانند، اما نه منفعت اقتصادی؛ ما از این منفعت به منفعت اجتماعی تعبیر می‌کنیم. ما این رابطه را پایه قرار می‌دهیم و سود اقتصادی بنگاه‌های تولیدی، عضد سود اجتماعی خواهد بود.

در این مثالی که بنده توضیح دادم چه کار کردیم؟ ارتباط بین جهت‌ساز اقتصاد با جهت‌ساز تربیت را در قالب نظریه‌ی بنگاه‌های تولید خانوادگی بحث کردیم. وقتی شما می‌گویید من خانواده را می‌خواهم، نمی‌توانید جهت‌سازهای پشتیبان خانواده را بحث نکنید، باید اقتصاد را نیز بحث کنید؛ اما نمی‌توانید به این بهانه که خانواده نیازمند اقتصاد است، مدل اقتصادی‌ای را پیشنهاد کنید که نه تنها ارتباط بین اعضای خانواده را پشتیبانی نکند، بلکه موجب گسستگی اعضای خانواده شود، درست مانند مدل‌های تولیدی حال حاضر که خانم در یک اداره و آقا در یک اداره‌ی دیگر مشغول است و هر دو نیز تا غروب فعال هستند و فرزند آن‌ها نیز در مهدکودک است. درست است که نام این کار، کار اقتصادی است و ظاهر کار، یک فعالیت اقتصادی برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی خانواده است؛ اما به اسم تأمین نیازهای خانواده ارتباط بین انسان‌ها و ارتباطات اعضای یک خانواده را قطع می‌کنید. پس در گام چهارم گزارش راهبردی، جهت‌سازی که آن را ملاک قرار داده و به وسیله آن زمینه تصمیم را مدیریت کرده و نشان دادید که آن تصمیم غلط است و این موضوع را توسط چند جهت‌ساز دیگر که با نزدیک‌ترین جهت‌ساز به موضوع، تشکیل یک شبکه جهت‌سازها را می‌دهند

۲/۳. اصل قرار گرفتن تقویت جهت‌ساز اصلی؛ محور چگونگی پردازش جهت‌سازهای پشتیبان



پشتیبانی می‌کنید. به‌عنوان مثال می‌گویید با نظریه‌ی تولید خانوادگی تربیت را از حیث اقتصاد لجستیک می‌کنید.

حالا آیا باید جهت‌سازهای دیگری نیز پردازش شوند؟ بله؛ مثلاً باید جهت‌سازِ علم را نیز پردازش کنیم، جهت‌ساز پیشگیری را نیز پردازش کنیم. باید نقش تمام جهت‌سازها را در جهت‌سازی که ملاک قرار دادید بحث کنید. اصلاً گزارش راهبردی در همین قسمت، راهبردی و - به قول رکیک - استراتژیک می‌شود؛ قبل از این کار شما داشتید در مورد یک موضوع صحبت می‌کردید. در قسمت چهارم می‌گویید شما باید خانواده را اصل قرار دهید و با نظریه تولید خانوادگی مشکلات اقتصادی خانواده را حل کنید.

البته در اینجا سؤالات زیادی مطرح می‌شود؛ مثلاً در قضایای اخیر که بین ترکیه و روسیه اختلاف افتاد، بخشی از واردات مواد غذایی روسیه به‌ویژه در میوه و سبزیجات با مشکل مواجه شد. چون روسیه یک کشور بسیار سردسیر است و تولید این مواد در آن کشور بسیار سخت است. حُب روسی‌ها به ایران آمده بودند، اما نتوانستند با ایران ارتباط تجاری برقرار کنند. چرا؟ چون روسیه گفته بود که من در ایران با ده شرکت تجارت نمی‌کنم؛ من با یک شرکت بزرگ که بتواند برای من چند میلیون تن از این اقلام غذایی را تأمین کند قرارداد می‌بندم؛ منتهی چنین شرکتی در ایران وجود خارجی نداشت ۴. جریان توسعه‌گرا این را دست‌آویز قرار داده و گفته بود که ما به دلیل شرکت‌های مادر نتوانسته‌ایم از یک فرصت اقتصادی استفاده کنیم؛ پس باید به سمت راه‌اندازی بنگاه‌های عظیم در حوزه کشاورزی و صنایع تبدیلی برویم. حالا شما این تحلیل جریان توسعه‌گرا را نادیده گرفته و در گزارش راهبردی خود می‌گویید افزایش سطح اشتغال بانوان با جهت‌ساز تربیت در تعارض است و بحث را تمام می‌کنید و می‌گویید و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ. در این صورت طرف مقابل که گزارش شما را می‌خواند از این حیث اقناع می‌شود [که تصمیم او غلط است] ولی ده‌ها و صدها سؤال برای او وجود دارد، مانند اینکه رابطه با روسیه را چه کار کند؟ عدم رابطه ضرر است. لذا در قسمت چهارم وقتی ارتباط میان جهت‌ساز نزدیک به تصمیم را با سایر جهت‌سازها برقرار می‌کنید به این سؤالات نیز پاسخ می‌دهید.

به‌عنوان مثال می‌گویید ما در بخش تولید، بنگاه‌های تولید خانوادگی را به‌عنوان پایه‌ی تولید قرار می‌دهیم، چون اصلاً تولید را لجستیک خانواده می‌دانیم. البته در بخش توزیع ممکن است به دلیل مدیریت روابط جهانی، برای توزیع خارج از کشور - آن‌هم نه توزیع داخل کشور - چند شرکت توزیعی‌ای که بتواند تمام شرکت‌های تولید خانوادگی را برای صادرات به خارج از کشور سازماندهی کند را بپذیریم. منتهی با چه قیدی؟ با این قید که ما می‌خواهیم از طریق تولید کالا فرهنگ خودمان را صادر کنیم؛ در واقع ما کالای اقتصادی را پایه‌ی گسترش فرهنگ خودمان قرار می‌دهیم. شرکت‌های بین‌المللی‌ای که پیشران معرفی اسلام در دنیا هستند را طراحی می‌کنیم، نه شرکت‌هایی با قید سود اقتصادی محض.



۲/۵. مراقبت از عدم بخشی  
نگری؛ ویژگی قسمت چهارم  
گزارش راهبردی

در قسمت چهارم گزارش راهبردی این کارها را انجام می‌دهیم. پس شما در سه قسمت اول نسبت یک تصمیم و زمینه‌ی تصمیم را با یک جهت‌ساز سنجدید؛ اما در قسمت چهارم ارتباط خود آن جهت‌ساز را با سایر جهت‌ساز می‌سنجید. الآن مثال اقتصادی این موضوع را ذکر کردم و شما باید مثال روابط بین‌الملل و مثال حوزه پیشگیری را نیز بنزید؛ یعنی باید خدمات تمام جهت‌ساز به جهت‌ساز نزدیک به تصمیم را بحث کنید تا تصمیم، قابلیت عملیاتی شدن پیدا کند؛ در غیر این صورت اگر شما قسمت چهارم را جدی نگیرید - خواهش می‌کنم دقت کنید؛ علت پیچیدگی قسمت چهارم به این موضوع بازمی‌گردد - شما نیز بخشی از شخصیت طرف مقابل را پردازش کرده‌اید و همه دعوی ما با توسعه غربی بر روی این است که پردازش باید همه‌جانبه اتفاق بیافتد. خُب پردازش یک جهت‌ساز مساوی با پردازش بخشی از ابعاد فقر شخصیت است؛ پس با بحث از شبکه‌ی جهت‌سازهای مرتبط با جهت‌ساز نزدیک به تصمیم، ابعاد دیگر فقر شخصیت را نیز پردازش کرده‌اید. واضح شد فلسفه مرحله چهارم چیست؟

بحث تا اینجا کفایت می‌کند، ان شاء الله فردا وارد مرحله پنجم گزارش راهبردی خواهیم شد. مرحله پنجم، آئین‌نامه‌ی اجرایی است. باید بحث کنید که اگر مدیر بخواهد پیشنهاد شما را اجرا کند باید دقیقاً چندگام بردارد تا دست مدیر باز باشد و اگر خواست تصمیم بگیرد در مقابل حرفی که محاسبات مبنایی و کاربردی آن انجام نشده است قرار نگیرد. سه دسته محاسبه وجود دارد که در قسمت پنجم آن‌ها را عرض خواهیم کرد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى نَبِيِّنا وَ نَبِيِّنا ابِي الْقاسِمِ مُحَمَّدٍ ﷺ



### پرسش و پاسخ

**آقای آریان‌پور:** حاج‌آقا! آیا مراد از تأثیرگذاری بر باقی جهت‌ساز، جهت‌سازهای اصلی است یا باید رابطه را با هر چهار نوع جهت‌ساز برقرار کرده و تأثیر آن‌ها را نشان دهیم؟

**استاد کشوری:** این موضوع به نوع تصمیمی که نقد می‌کنید بستگی دارد؛ اگر تصمیم، مستقیماً در جهت‌سازهای نوع اول اثر داشته باشد، شما باید در بحث از شبکه‌ی جهت‌سازهای مرتبط با جهت‌ساز نزدیک به تصمیم، هر چهار نوع جهت‌ساز را بحث کنید. گاهی نیز تصمیمی که نقد می‌کنید مربوط به جهت‌ساز نوع چهارم است. به‌عنوان مثال شما دارید تصمیمی را راجع به یک دوره و زمان جهت‌ساز نقد می‌کنید. حُب طبیعی است که وقتی در اینجا شبکه‌ی جهت‌سازهای نزدیک به تصمیم را بحث می‌کنید، فقط باید جهت‌سازهای نوع چهارم را بحث کنید. چون اصلاً خود تصمیمی که نقد کردید در تعارض با جهت‌ساز نوع چهارم بوده است؛ پس شبکه‌ی جهت‌سازهای نزدیک، جهت‌سازهای نزدیک به جهت‌ساز نوع چهارم است. این مسئله انعطاف دارد.

**آقای آقای:** حاج‌آقا! بحث خیلی پیچیده شد؛ بحث کردن یک تصمیم در چهار لایه و با موضوعات جهت‌ساز مختلف، نیازمند این است که کارشناس بر روی تمام موضوعات جهت‌ساز تسلط داشته باشد.

**استاد کشوری:** یعنی در واقع شما در ذهن مدیر، ارتباطات فرابخشی را تعریف می‌کنید و این موضوع کُنه قضیه است.

**آقای آقای:** بنده این طرف قضیه را بحث می‌کنم و می‌گویم کارشناسی که می‌خواهد گزارش راهبردی بنویسد باید بر روی تمام جهت‌سازها تسلط داشته باشد.

۲/۵/۱. وجود ارتباطات فرابخشی؛ علت اتخاذ یک تصمیم غلط در یک بخش از مدیریت جامعه

**استاد کشوری:** بحثی که شما می‌گویید یک بحث دیگر است ولی بحث بنده پیچیده‌تر است؛ من می‌گویم شما توجه ندارید که این تصمیم غلط، زاینده‌ی ارتباطات فرابخشی مدیر است. بنابراین شما در قسمت چهارم آثار ارتباطات فرابخشی در پیدایش یک تصمیم غلط را به چالش می‌کشید. اصلاً مدیری که ذیل عنوان معاونت امور زنان و خانواده بحث [اشتغال بانوان] را مطرح می‌کند، به خاطر جلسه‌ی فلان روز او با وزیر اقتصاد است؛ درواقع وزیر اقتصاد او را اقناع کرده است که این حرف را در حوزه زنان و خانواده مطرح کند.

۲/۵/۱/۱. لزوم تحلیل آثار و نتایج ارتباطات فرابخشی بر تصمیم یک مدیر؛ ویژگی دیگر بخش چهارم گزارش راهبردی

لذا به نظر بنده تمام سطوح مباحث گزارش راهبردی، مقدمات و مؤخرات قسمت چهارم هستند؛ یعنی کسی که انعکاس بخش خود را با سایر بخش‌ها به‌درستی می‌بیند، تصمیم درست می‌گیرد و هر تصمیم غلط نیز زاینده یک ارتباط غلط با سایر بخش‌هاست. لذا شما در قسمت سوم به شکلی که طرف مقابل به چالش کشیده نشود این بخش را مدیریت می‌کنید.

حالا ما الآن در حال پرورش مفهوم گزارش راهبردی یا مفهوم تدبیر هستیم. بعداً اعلام می‌کنیم که یک موضوع را برای نوشتن گزارش راهبردی انتخاب کنید و بنویسید. در این مدت بحث‌های اختصاصی دونفره با دوستان انجام می‌دهیم تا یک مدل از گزارش راهبردی را پردازش کنید. وقتی یک مدل را پردازش کردید مسئله بسیار طبیعی می‌شود. یکی از علت‌هایی که

شما با بحث دیر ارتباط می‌گیرد و بنده نیز بحث را در حد حسن‌الاستماع می‌گویم، این است که می‌خواهم بحث در حد پرورش باقی بماند. به‌عنوان مثال آقای میثم [گودرزی] موضوع گزارش راهبردی خود را بررسی عوارض افزایش سطح اشتغال بانوان قرار دهند. یا اینکه شما گزارشی با موضوع عوارض افزایش سطح سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بنویسید. فکر کنید که در این گزارش ملاک تدبیر چه چیزی باشد؟ ملاک تدبیر یعنی نزدیک‌ترین جهت‌ساز به تصمیم. در مثال [سرمایه‌گذاری خارجی] مسئله نفی سبیل ملاک تدبیر است. هرکسی باید مرحله‌به‌مرحله جلو برود و ما آسیب‌های گزارش دوستان را بنویسیم.

گاهی اوقات ممکن است نوشتن یک گزارش راهبردی سه‌مان طول بکشد. ولی وقتی مدل آن تمام شد، خیال بنده از مرحله تدوین راحت می‌شود؛ یعنی وقتی دوستان اولین گزارش را بنویسند مسئله تمام می‌شود و ما وارد مرحله‌ی نظام مقایسه می‌شویم. اصلاً [گزارش راهبردی] زیرساخت نظام مقایسه است. در طول دوران برنامه ششم بنده تقریباً هرروز همین کار را انجام دادم و در تمام جلسات، مصاحبه‌ها و مناظرات همین رویه را پیش گرفتیم؛ یعنی بلافاصله تا موضوع بحث معلوم شد در ذهن خود یک جهت‌ساز را ملاک قرار داده و تصمیم را با آن ملاک سنجیدم و یک مهره بحثی تشکیل شد. سپس جهت‌ساز را با زمینه‌ی [تصمیم غلط] سنجیدم و یک مهره بحثی تشکیل شد. همچنین جهت‌ساز را با شبکه جهت‌سازها سنجیده‌ام و به نقشه راه ما تبدیل شده است. بعدازآن نیز وارد برنامه عملیاتی شده و توضیح دادم که حالا باید چه کار کنیم. به‌اصطلاح رکیک این پنج مرحله باید برای شما ملکه شود به‌قدری که بتوانید آن را در یک مناظره اعمال کنید، نه اینکه سه‌ماه طول بکشد. بدون کسب این مهارت راهبردی تمام بحث‌هایی که در نظام مقایسه می‌گوییم به چالش کشیده می‌شود. لذا بازهم تأکید شب‌های گذشته را تکرار می‌کنم، این مراحل را تدوین کرده و بنویسید.

در اینجا نیز اگرچه در قسمت پرسش و پاسخ هستیم ولی بنده این توضیح مهم و حیاتی را بدهم که در بسیاری از مواقع، وقتی شما طرف مقابل را در مرحله تدبیر نمی‌بینید باید فرایند تأمل تعریف کنید؛ یعنی بلافاصله باید بتوانید این‌ها را تشخیص دهید. عرض کردیم که فرایند تأمل نیز سه‌مرحله است؛ ۱. به چالش کشیدن مناسکِ نظم موجود ۲. به چالش کشیدن محور نظم موجود. مرحله سوم چه بود؟

مرحله سوم، تبیین کاری است که انجام می‌دهید. به چالش کشیدن مناسک، فعالیت عملی بوده و آغاز فعالیت‌های غیر بیانی فرایند تأمل است. به چالش کشیدن مرکز تمدنی نیز تکامل کارهای غیر بیانی است. کار سوم، تبیین این فرایند است؛ وقتی کار خود را توضیح دادید «فَرَجُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ»<sup>۵</sup> اتفاق می‌افتد. شما باید در مباحث به تمام این فرایندها و مراحل مسلط شوید. اگر دوستان بر مرحله تدوین مسلط نشوند باید قید کارشناسی الگوی پیشرفت را زده و در همان مرحله‌ی حسن‌الاستماع باقی‌مانده و بالاتر نیز نمی‌روند. باید یک اتفاق جدی راجع به این مسئله صورت گیرد. لذا تمام دوستان بحث را به‌صورت شخصی مرور کنند. شاید در جلسه آخر که روز چهارشنبه باشد مقرر کردیم که همه دوستان بحث را تقریر کنند تا زمینه‌ای برای مباحث تخصصی‌تر باشد. هر یک از دوستان که تقریر خود را آورد بعد از جلسه‌ی تقریر

۵. فَرَجُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ الظَّالِمُونَ؛ سوره مبارکه انبیاء آیه ۶۸ پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند در حقیقت شما ستمکارید





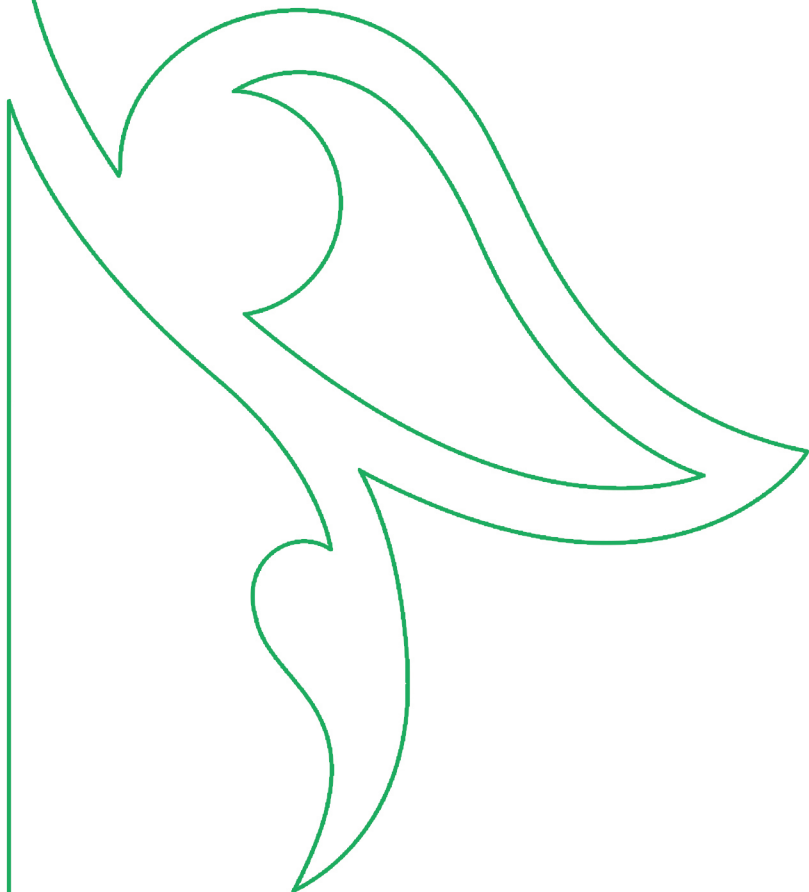
موضوع گزارش راهبردی او را نیز تفاهم می‌کنیم. باید کار را این‌طور جلو ببریم تا در پایان امسال بحث تدوین را به یک نقطه مشخص رسانده و وارد آموزش مرحله نظام مقایسه شویم، اگرچه که الآن به نظام مقایسه عمل می‌کنیم ولی زیرساخت نظام مقایسه، همین تدوین تدبیرمحور است که الآن در حال بحث آن هستیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
و صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
و صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

### فهرست تفصیلی

۱. گزارش راهبردی؛ نظام مفاهیم ایجاد کننده تدبیر پیش از تصمیم ..... ۸۵
- ۱/۱. تبیین ملاک های تدبیر در فضای ذکر؛ بخش اول گزارش راهبردی ..... ۸۵
- ۱/۲. سنجش نسبت بین تصمیم و ملاک های تدبیر؛ بخش دوم گزارش راهبردی ..... ۸۶
- ۱/۳. مدیریت زمینه های اتخاذ تصمیم به وسیله ملاک های تدبیر؛ بخش سوم گزارش راهبردی ..... ۸۶
- ۱/۳/۱. برقراری ارتباط تحلیلی-مفهومی بین زمینه تصمیم با نزدیک ترین جهت ساز آن تصمیم؛ روش مدیریت زمینه های پیدایش تصمیم ..... ۸۶
۲. تبیین ارتباط بین نزدیک ترین جهت ساز به زمینه تصمیم با سایر جهت سازها؛ تشکیل دهنده بخش چهارم گزارش راهبردی ۸۷
- ۲/۱. انعکاس وسیع جهت سازها در یکدیگر؛ علت لزوم بحث ارتباط بین جهت سازها با یکدیگر ..... ۸۷
- ۲/۲. «ترجمه» جهت ساز به جهت؛ محور تعیین جهت سازهای نزدیک به جهت ساز اصلی تصمیم ..... ۸۷
- ۲/۲/۱. تفاوت بنیادین تعریف متغیرهای جهت ساز در نزد الگوهای مبتنی بر توسعه و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ علت اتخاذ تصمیم های کاملاً متفاوت بین کارشناسان توسعه و کارشناسان پیشرفت اسلامی ..... ۸۷
- ۲/۲/۱/۱. بنگاه های تولید خانوادگی؛ نمونه ای از پردازش جهت ساز معیشت به علت اثر آن در تربیت (به عنوان نزدیک ترین جهت ساز به جهت معرفه الامام) ..... ۸۸
- ۲/۳. اصل قرار گرفتن تقویت جهت ساز اصلی؛ محور چگونگی پردازش جهت سازهای پشتیبان ..... ۸۸
- ۲/۴. راهبردی شدن گزارش و دقت در همه جانبه بودن پیشنهادها؛ ویژگی قسمت چهارم گزارش راهبردی ..... ۸۹
- ۲/۴/۱. تحلیل مثال اختلاف روسیه و ترکیه و نقش ایران؛ نمونه ای از دقت در تصمیم گیری در بخش چهارم گزارش راهبردی ..... ۸۹
- ۲/۵. مراقبت از عدم بخشی نگری؛ ویژگی قسمت چهارم گزارش راهبردی ..... ۹۰
- ۲/۵/۱. وجود ارتباطات فرابخشی؛ علت اتخاذ یک تصمیم غلط در یک بخش از مدیریت جامعه ..... ۹۱
- ۲/۵/۱/۱. لزوم تحلیل آثار و نتایج ارتباطات فرابخشی بر تصمیم یک مدیر؛ ویژگی دیگر بخش چهارم گزارش راهبردی ..... ۹۱

# جلسه هشتم



تبیین سطح پنجم گزارش راهبردی؛  
(تبیین تصویر تصمیم)

## شناسنامه جلسه هشتم



عنوان  
تبیین سطح پنجم گزارش راهبردی؛  
(تبیین تصویر تصمیم)

تاریخ نشست  
۲۲ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۷ صفحه (قطع رحلی)

این جزوه متن پیاده شده هشتمین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "تبیین سطح پنجم گزارش راهبردی؛ (تبیین تصویر تصمیم)" برگزار گردید.

در این نشست به چگونگی ارائه تصویر تصمیم و تبعات و مشکلات آن اشاره شد. در بخش پنجم گزارش راهبردی چالش‌های پیش روی اتخاذ تصمیم و امید بخشی در جهت عبور از این چالش‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. بخش پنجم گزارش راهبردی به واقعی‌تر شدن گزارش راهبردی بسیار کمک می‌کند.

## فهرست اجمالی

۹۹	۱. نمایش مشکلات پردازش شبکه جهت سازها؛ تشکیل دهنده بخش پنجم گزارش راهبردی
۱۰۰	۲. واقع بینانه شدن گزارش راهبردی؛ نتیجه تدوین بخش پنجم گزارش راهبردی
۱۰۱	۳. مرور بخش‌های پنج‌گانه گزارش راهبردی

## جلسه هشتم: تبیین سطح پنجم گزارش راهبردی؛ (تبیین تصویر تصمیم)





بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

#### ۱. نمایش مشکلات پردازش شبکه جهت سازها؛ تشکیل دهنده بخش پنجم گزارش راهبردی

امروز ان شاء الله قسمت پنجم گزارش راهبردی را خدمت دوستان توضیح می‌دهم. پنجمین قسمت یک گزارش راهبردی عبارت است از ارائه‌ی تصویر از مشکلات سر راه پردازش جهت‌ساز نزدیک به تصمیم و جهت‌سازهای حمایت‌کننده از جهت‌ساز نزدیک به تصمیم. در یک جمله قسمت پنجم گزارش یک تصویر از تصمیم ارائه می‌کند.

همانگونه که در سلسله نشست‌های تبیین مفهوم برنامه‌ریزی از نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در دانشگاه شریف<sup>۱</sup> خدمت شما عرض کردم، سومین قسمت یک برنامه‌ی مبتنی بر هدایت برنامه‌ی پردازش هست؛ یعنی سومین ریز الگو، الگوی پردازش اجتماعی بود. الگوی پردازش اجتماعی سه قسمت داشت؛ قسمت اولش عبارت بود از پایه‌ی تصمیم. که قبلاً به مسئله‌ی پایه‌ی تصمیم پرداخته‌ایم.

در مرحله‌ی دوم کار وقتی نسبت بین یک تصمیم با ملاک تدبیر را می‌سنجیدیم، در واقع ادعای چالش بودن، توسط فرد مدیر را نقد می‌کردیم. در آنجا اجمالاً به بحث پرداخته بودیم. لذا در قسمت پنجم گزارش راهبردی ما تصویری از تصمیم ارائه می‌دهیم. تصویر تصمیم یعنی چه؟ یعنی باید چالش‌هایی که در مرحله‌ی اجرای یک تصمیم، در مرحله‌ی پردازش یک جهت‌ساز، متصور است را تصویر کنیم. به‌طور مثال همان‌طور که در جلسات قبلی مثال محوری بحث اشتغال بانوان بود (در ادامه‌ی بحث هم از این مثال استفاده می‌کنیم) - ما این تصمیم (اشتغال بانوان) را به چالش کشیدیم

۱. رک: جلسه ۳۲ و ۳۳ تبیین مدل برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در دانشگاه صنعتی شریف



و گفتیم حضور بانوان را در خانواده تقویت کنیم یا ساعات کار بانوان را به‌عنوان اقدامات متناسب با تقویت نهاد خانواده، کاهش دهیم.

وقتی شما چنین پیشنهادهایی را مطرح می‌کنید مثلاً باید در بخش کاهش ساعت کار بانوان این را در گزارش راهبردی خود مطرح کنید که احتمالاً کارفرماهایی که سود اقتصادی و ارزش افزوده برای آن‌ها ملاک هست از استخدام چنین بانوانی سرباز می‌زنند و این باعث می‌شود که تمام طرح با چالش روبرو شود<sup>۲</sup>. شما در طرح پیش‌بینی کرده‌اید که ساعات کار بانوان کاهش پیدا کند بعد وقتی ساعات کار بانوان کاهش پیدا می‌کند یک چالشی در مرحله‌ی اجرایش ایجاد می‌شود و آن هم این که کارفرما دیگر به استخدام بانوانی که سطح فعالیت‌شان در محیط اقتصادی، یک سطح حداقلی هست رغبت پیدا نمی‌کند؛ چون ارزش افزوده‌ی کم‌تری ایجاد می‌کند.

بنابراین این (عدم رغبت) بر سر اجرای پیشنهاد شما، بر سر راه پردازش جهت‌ساز شما یک چالش هست. خوب این را باید در قسمت پنجم گزارش راهبردی خودتان بر روی آن دست بگذارید. اصطلاحاً باید تصویر تصمیم داشته باشید.

## ۲. واقع بینانه شدن گزارش راهبردی؛ نتیجه تدوین بخش پنجم گزارش راهبردی

تصویر تصمیم همان‌گونه که عرض کردم و الآن دوباره تأکید می‌کنم یعنی بدانید که چه موانعی بر سر راه این تصمیم شما به وجود می‌آید. این را باید حتماً متذکر بشوید. اگر موانع سر راه تصمیم پیشنهادی‌تان را برای مدیر بحث نکنید، به شما می‌گویند که تصمیم شما واقع بینانه نبود.

در قسمت تصویر تصمیم -- یعنی در قسمت پنجم گزارش هم باید موانع را بیان کنید و هم بنویسید که این‌ها در واقع هزینه‌های یک تصمیم راهبردی صحیح هست؛ یعنی در نهایت منجر به سود می‌شود اما در کوتاه‌مدت هزینه محسوب می‌شود. باید این‌گونه بحث را برای آن مدیر جا بیندازید. اما اگر مدیر احساس کند واقعیات در تصمیم شما اخذ نشده حتماً از پذیرش تصمیم پیشنهادی شما امتناع می‌کند. اما زمانی که شما موانع را به رسمیت می‌شناسید و موانع را به‌عنوان هزینه‌های یک حرکت اصلاحی معرفی می‌کنید، پیداست که مدیر دیگر نمی‌تواند گزارش شما را به یک گزارش آرمان‌گرایانه‌ی بی‌توجه به واقعیات متهم کند. بلکه می‌گوید واقعیات‌ها را دیده و واقعیات‌ها را جزء هزینه‌ی کار تلقی کرده است. یا (در قسمت پنجم برای موانع) راه‌حل ارائه می‌دهید. بالاخره باید یک تصویری از موانع کار در قسمت پنجم گزارش شما موجود باشد.

به طور مثال فقدان گفتمان متناسب با تصمیم شما، یک بخش از تصویر هست. فقدان منابع انسانی آموزش دیده متناسب با این تصمیم، یک بخشی از تصویر تصمیم هست. محاسبه‌ی امکانات مالی موردنیاز برای اجرای تصمیم، یک قسمت از تصویر تصمیم هست. بررسی سابقه‌ی اتخاذ چنین تصمیماتی، یک بخشی از تصویر تصمیم هست. بخش‌های مختلفی پیدا می‌کند.

۱/۲. عدم استخدام بانوان با ساعت کاری کم، بخشی از مشکل عدم اجرایی شدن پیشنهاد کاهش ساعت کاری

۲/۱. دقت در چگونگی نمایش تصویر تصمیم به‌عنوان هزینه کوتاه‌مدت و سود بلندمدت

۲/۲. احترام به تصمیم‌گیری مدیر در جهت قدرت یا عدم قدرت عبور از موانع رسیدن به

۲. ۷ هزار نفر از بانوان پس از استفاده از مرخصی زایمان، اخراج شده‌اند. سلامت نیوز (<http://yon.ir/bZcVZ>) و گفت‌وگوی ویژه خبری با حضور شهیندخت مولاوردی معاون امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، سیدحسین قاضی زاده عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی و محمدحسن زدا معاون فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی با همین موضوع؛ شبکه دو سیما ۱۳۹۴/۵/۱۱





تصمیم‌سازی شما، گزارش راهبردی شما، باید برای او الهام‌بخشی ایجاد کند که این موانع هم قابلیت مدیریت شدن دارند و هم مشکل جدی ایجاد نمی‌کنند. قسمت پنجم باید شامل این بحث باشد.

همان‌گونه که عرض کردم اگر این اتفاق افتاد، تقریباً هیچ موضوعی در ذهن مدیر بدون پاسخ باقی نمی‌ماند. بعد از آن «إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»<sup>۳</sup> می‌شود. ممکن است که اساساً انگیزه‌های دیگری دخیل باشد که تصمیم شما را عملیاتی نکند. اما شما زمینه‌های تدبیر را در متن تان فراهم آوردید. این فضای اصلی گزارش راهبردی هست.

پس یک دور بنده بحث را از اول تا آخر مرور کنم که ان‌شاءالله جلسه‌ی فردا و جلساتی که هست به این سمت حرکت کنیم که یک نظام موضوعاتی را که نیاز به نوشته‌شدن گزارش راهبردی دارند را با یکدیگر بحث کنیم. حالا در یک جلسه یا دو جلسه بحث می‌کنیم.

### ۳. مرور بخش‌های پنج‌گانه گزارش راهبردی

پس در مجموع یک گزارش راهبردی یا یک فرآیند تدبیر، باید به پنج موضوع توجه کند؛ یعنی نویسنده‌ی گزارش باید پنج محور را در نوشته‌ی خودش تبیین کند؛ محور اول ملاک تدبیر بود که بحثش کردیم که حالا ما در این سلسله مباحثاتی که در جاهای مختلف داریم، از کلمه‌ی فلسفه برای تبیین ملاک در آن حوزه استفاده می‌کنیم؛ مثلاً در دوره‌ی مدیریت شهری<sup>۴</sup> گفتیم فلسفه‌ی مدیریت شهری چیست. چون عنوان مأنوس‌تر هست اما در واقع ماهیت، همین بحث ملاک تدبیر هست. بر همه‌ی سلسله بحث‌هایی که ما تحت عنوان مباحث نمونه‌سازی<sup>۵</sup> مطرح می‌کنیم، فرآیند تدبیر حاکم است. اولین بخش هم همین بخش فلسفه‌ی آن بخش است که به‌طور مثال ما در بحث مدیریت شهری گفتیم؛ فلسفه‌ی مدیریت شهری ارتقاء امر تربیت است. در واقع ملاک تدبیر را در آن حوزه بحث کردیم. این قسمت اول و مهم‌ترین قسمت بحث است. در حال حاضر در ذهنم نیست که ۳ یا ۴ جلسه از یازده جلسه مدیریت شهری به تبیین تفصیلی این ملاک اختصاص پیدا کرد. زیرا اگر این ملاک را در ذهن داشته باشید، در واقع این عامل سنجش بقیه‌ی محورها هست. مشکل اصلی در این‌که جامعه‌ی ما قدرت تدبیر ندارد این است که اساساً ملاک‌های تدبیر بحث نمی‌شود. به دلیل این که سطح سوم فکر - یعنی تدبیر - زاییده‌ی سطح دوم فکر هست، در این صورت اساساً سطح دوم به وسیله‌ی عقل پوزیتیویستی<sup>۶</sup> تضعیف شده است. در این صورت اساساً ایجاد ملاک در ذهن مخاطب بسیار کار زمان‌بر و پیچیده‌تری خواهد بود تا زمانی که شما با یک انسان‌هایی که سطح اول و سطح

۳/۱. تبیین ملاک تدبیر با رعایت چارچوب‌های موضوع گزارش راهبردی؛ بخش اول

۳. إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ سوره مبارکه انسان آیه ۳

ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس

۴. دوره تبیین مفاهیم مدیریت شهری از منظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ مدرسه فخریه مروی ۶ الی ۱۶ تیر ۱۳۹۵

۵. ما یک تدبیر دومی نیز در نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اندیشیده‌ایم برای اینکه به انتزاع و کلی‌گویی مبتلا نشویم. آن تدبیر دوم این است که به سمتی رفته‌ایم که با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نمونه‌سازی کنیم. یعنی سعی کرده‌ایم آن مفاهیم بنیادین را به کاربرد رسانده تا ابتدا مخاطب محقق ما کاربرد آن نظام مفاهیم را ببیند و بعد به خاطر شوق و انگیزه‌ای که از پایگاه کاربردی بودن و کارآمدی معمولاً در ذهن انسان‌ها ایجاد می‌شود، به سمت مفاهیم پایه‌ای‌تر تحلیل علاقه پیدا کند.

رک: جلسه دوم از سلسله نشست‌های مدیریت شهری از منظر مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۶. کنایه از عقل مادی نگر



دوم فکر را گذرانده‌اند (روبرو هستید)؛ زیرا در ادامه می‌توانید به راحتی از آن ظرفیت‌های عقلی استفاده کنید و ملاک سطح سوم را بحث کنید.

به هر حال ممکن است سطح اول [گزارش راهبردی] وقت زیادی را از شما بگیرد، ولی چاره‌ای از آن نیست. شاید در برخی از موارد نیمی از گزارش راهبردی به تبیین ملاک تدبیر یا -به اصطلاح امروزی تر- به بحث از فلسفه‌ی آن بخش و تصمیم مورد نظر، اختصاص پیدا کند.

در قسمت دوم گزارش راهبردی، خود آن تک‌تصمیم را با ملاک می‌سنجید تا ببینید که چه نسبتی میان این تصمیم و آن ملاک مورد بحث وجود دارد؛ آیا این تصمیم منجر به تقویت آن ملاک می‌شود یا در تعارض با آن ملاک قرار دارد؟ بنابر اصطلاح نظریه هسته‌های توازن<sup>۷</sup>، یک تصمیم می‌تواند به یک عدم توازن نسبت به ملاک تدبیر تبدیل شود. پس در قسمت دوم شما اثبات می‌کنید که تصمیم اتخاذ شده، یک عدم توازن و یک امر ناهماهنگ با ملاک است. این قسمت دوم گزارش راهبردی است؛ یعنی باید بتوانید این موضوع را جا بیندازید و با سیر استدلال خود اثبات کنید که خود این تصمیم، یک عدم توازن بوده و منجر به یک عدم تعادل می‌شود. دقت می‌فرمایید که کارکرد بحث باید در قسمت دوم چه باشد؟ کارکرد قسمت دوم این است که اثبات می‌کنیم این تصمیم، یک تصمیم ناموزون با ملاک بحث است.

۳/۲. سنجش تصمیم مورد اتخاذ با ملاک‌های تدبیر؛ بخش دوم گزارش راهبردی

قسمت سوم گزارش راهبردی این است که شما به وسیله‌ی ملاک تدبیر، زمینه‌های پیدایش تصمیم غلط را نیز مدیریت می‌کنید؛ یعنی در واقع فقدان ملاک تدبیر یا بهتر بگوییم فقدان توجه به ملاک تدبیر، در ذهن مدیر تصمیم‌گیر دو آفت ایجاد می‌کند؛ آفت اول این است که یک تصمیم غلط را به جامعه تحمیل می‌کند و در یک مرحله قبل‌تر از این نیز زمینه‌ی تصمیم را در ذهن مدیر ایجاد کرده است. اما شما در ابتدای امر نمی‌توانید با اتکالی بر ملاک تدبیر زمینه‌ی تصمیم را منتفی کنید؛ بلکه شما باید تصمیم مبتنی بر زمینه را به چالش بکشید تا بعد از آن نوبت به زمینه برسد؛ چون سطح درگیری مدیر با تصمیم، بیشتر از سطح درگیری او با زمینه است؛ تصمیم، تقریباً راه‌حل مدیر است و بین مدیر و تصمیم علقه به وجود آمده است. لذا اگر شما در تصمیم چالش ایجاد کنید، حتماً مجموعه‌ی مدیر درگیر بحث شما می‌شود؛ چون تصمیم، اتخاذ شده و در حال اجرایی شدن است.

۳/۳. مدیریت زمینه‌های پیدایش یک تصمیم غلط در ذهن مدیر به وسیله ملاک‌های تدبیر؛ بخش سوم گزارش راهبردی

اگر بخواهم تمثیلی بگویم باید به اتفاقات برجام اشاره کنم؛ برجام در حال جریان بود و هر نقدی که به این تصمیم غلط زده می‌شد، آثار تأملی بیشتری در جامعه ایجاد می‌کرد؛ این موضوع متفاوت از این است که شما در کلاس دانشگاه یک بحث را مطرح کنید. لذا اول باید از این نقطه شروع کرد؛ چون سطح حساسیت بالاتر است و ما نیز همین را می‌خواهیم؛ ما می‌خواهیم تدبیر و ملاک آن فراگیر شود. پس در گام دوم بعد از ملاک، باید زمینه‌های تصمیم را بهینه کنیم.

۷. رک: تشکیل هسته‌های توازن در نظام برنامه‌ریزی کشور؛ انتظار الگوی پیشرفت اسلامی از برنامه ششم بخشی از متن: هسته‌های توازن، نظامی از کارگروه‌های دولتی و غیردولتی هستند؛ که تبیین و تصمیم‌سازی برای "موضوعات جهت‌ساز" را متکفل می‌شوند. بدیهی است که این هسته‌های برنامه‌ریز مبتنی بر یک نظریه مرتبط با نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی کار خود را دنبال خواهند نمود.  
<http://nro-di.blog.ir/1393/07/10>



در گام چهارم - که گام سوم بعد از تبیین ملاک است - شما نسبت بین جهت‌ساز نزدیک به تصمیم را با شبکه‌ی جهت‌سازهای مرتبط می‌سنجید.

در گام پنجم گزارش راهبردی به این سمت می‌روید که تصویر تصمیم را ارائه دهید؛ یعنی موانع پیش‌روی تحقق تصمیم را به مدیر یادآور می‌شوید تا مدیر احساس کند که در نهایت می‌تواند با عبور از این موانع به یک نتیجه‌ی تصمیم مشخص برسد، به یک نتیجه‌ی تصمیمی که با ملاک تدبیر نسبت دارد دست پیدا کند.

۳/۴. سنجش آثار پردازش جهت‌ساز نزدیک به تصمیم با شبکه‌ای جهت‌سازهای پیرامونی؛ بخش چهارم گزارش راهبردی

۳/۵. ارائه تصویر تصمیم؛ بخش پنجم گزارش راهبردی

#### ۴. ایجاد خلاء در ذهن مدیر و پایین آمدن کیفیت گزارش راهبردی در اثر نبود یکی از پنج مرحله

این پنج‌مرحله باید در متن شما باشد؛ در صورت نبود این مراحل، در ذهن مدیر خلأ ایجاد می‌شود. مدیر تصمیم غلط گرفته است به دلیل اینکه ملاک در ذهن او نبوده است، یا اینکه تصمیم غلط مدیر ناشی از این است که کسی نسبت بین تصمیم و ملاک را برای او بحث نکرده است، تصمیم غلط گرفته به دلیل اینکه نسبت بین ملاک و زمینه تصمیم را بحث نکرده است، یا تصمیم غلط او به این دلیل بوده که نسبت بین جهت‌ساز [نزدیک به زمینه تصمیم] و جهت‌سازهای پشتیبان را ندیده است و لذا به نظر او طرح، یک طرح بخشی آمده است، در مرحله پنجم نیز تصمیم غلط گرفته است به دلیل اینکه موانع موجود بر سر راه تصمیم برای او روشن نبوده‌اند یا اگر روشن بوده‌اند احساس می‌کرده که این موانع راه مدیریت ندارند. پس باید به این پنج‌نکته توجه کنیم؛ اگر به این پنج‌نکته توجه کنید، تدبیر در عاقبت تصمیم برای مدیر تسهیل می‌شود؛ یعنی واقعاً زمینه‌های ایجاد تدبیر را در او آماده کرده‌اید.

به این نکته دقت کنید که بخشی از مدیران تصمیم‌گیر، ملاک را می‌دانند و تصمیم غلط می‌گیرند؛ یعنی اگر با آن‌ها مصاحبه کنید می‌دانند که ملاک صحیح در تصمیم‌گیری چیست، مثلاً می‌گویند ما در جمهوری اسلامی باید به سمت عدالت حرکت کنیم. پس در تفاهم با چنین مدیری قسمت دوم گزارش راهبردی بسیار اهمیت دارد؛ باید به او نشان دهیم که تصمیم اقتصادی او به عدالت ختم نمی‌شود. این‌ها مباحثی است که در ذهن‌های مدیران ما وجود دارد. البته در ذهن برخی از مدیران هیچ‌یک از این پنج بخش وجود ندارد ولی در ذهن برخی دیگر از مدیران این‌گونه نیست و واقعاً ملاک در ذهن آن‌ها وجود دارد؛ ولی به علت فقر فکری خیلی نمی‌توانند میان تصمیم خود و آن ملاک ارتباط برقرار کنند. در بخشی از مدیران قضیه بسیار پیچیده‌تر است؛ این مدیران حتی می‌دانند که تصمیم‌شان ضد ملاک است؛ ولی با خود می‌گویند کاری نمی‌توانیم بکنیم؟ در واقع هیچ‌راه حلی برای مدیریت زمینه‌ی تصمیم و دغدغه‌ای که در او وجود دارد نیست. به نظر بنده تعداد این‌نوع از مدیران در جمهوری اسلامی زیاد است؛ او با خود می‌گوید فردا مدیر بالادستی من از من گزارش می‌خواهد، اگر من این تصمیم را نگیرم به او چه بگویم؟ چنین اتفاقی در درون این مدیران رخ می‌دهد. لذا قسمت سوم نیز این کارکرد را دارد.

شما برای مدیران ارشد نمی‌توانید گزارش بخشی و گزارش غیر راهبردی بنویسید، لذا محور چهارم موضوعیت دارد. گاهی اوقات در مواجهه با یک تک‌تصمیم، شما هم زمینه‌ی تصمیم را به چالش می‌کشید، هم خود تصمیم را به چالش می‌کشید و هم ملاک تدبیر را می‌گویید؛ ولی طرح شما بخشی



بوده و جامع و راهبردی نیست. لذا مدیرهای استراتژیک - مانند کسانی که در مجمع تشخیص مصلحت، مرکز تحقیقات مجمع تشخیص و سازمان مدیریت هستند - در سطح اول، دوم و سوم با شما همراه نمی‌شوند؛ همراهی آن‌ها زمانی است که طرح راهبردی شود. بالاخره غرض بنده این است که بگویم هر بخش از گزارش راهبردی یک مشکل را حل می‌کند. خصوصاً بخش پنجم که بخش تصویر تصمیم است؛ این بخش حرف شما را بسیار واقعی‌تر و اجرایی‌تر می‌کند. وقتی شما واقع‌بینانه عمل می‌کنید، به میزان بهتر گزارش دادن واقعیت، تصمیم شما اجرایی‌تر به نظر می‌رسد. برخلاف زمانی که شما فقط بر روی مبانی، ملاک‌ها و نقد تصمیم‌ها صحبت می‌کنید و اصلاً واقعیت زمین را گزارش نداده و توضیح نمی‌دهید که چه چالش‌هایی متصور است. قسمت پنجم، ضمانت اجرایی طرح و گزارش راهبردی شماست.<sup>۸</sup>

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ

---

۸. ان‌شاءالله بنده فردا شب و شب آخر - بنده فکر کردم یک‌روز باقی مانده است - حول تصمیماتی بحث می‌کنم که در جمهوری اسلامی گرفته می‌شوند و مباحث مطرح‌شده در دوره را تطبیق می‌کنم و از اظهارات آقایان نشان می‌دهم که به ملاک توجه نکرده‌اند که این تصمیم را می‌گیرند، یا اینکه به ملاک توجه نموده‌اند اما نسبت بین تصمیم و ملاک را به‌صورت فنی بحث نکرده‌اند. یا اینکه نسبت بین تصمیم و ملاک بحث شده است ولی زمینه‌ها و شعارهایی که در انتخابات داده‌اند آن‌ها را وادار به تصمیمات غلط می‌کند. همه این موضوعات در جامعه وجود دارند. به نظر بنده اگر مباحث را بر یک یا دو تصمیم تطبیق کنیم، بحث خیلی شیرین می‌شود. بعدازآن باید در جلسات غیررسمی با شما که در مرحله تدوین - یعنی مرحله سوم دوره‌ی کارشناسی الگوی پیشرفت هستید - به یک موضوع مشخص برای نوشتن گزارش راهبردی برسیم؛ یعنی این دوره باید به این ختم شود که شما به اصطلاح امروزی موضوع پایان‌نامه‌ی خود را انتخاب کنید و بنده تبریک عرض می‌کنم که شما به این مرحله رسیدید و امیدوارم ان‌شاءالله این مرحله را به سلامت طی کنید تا ان‌شاءالله وارد مرحله نظام‌مقایسه شوید.

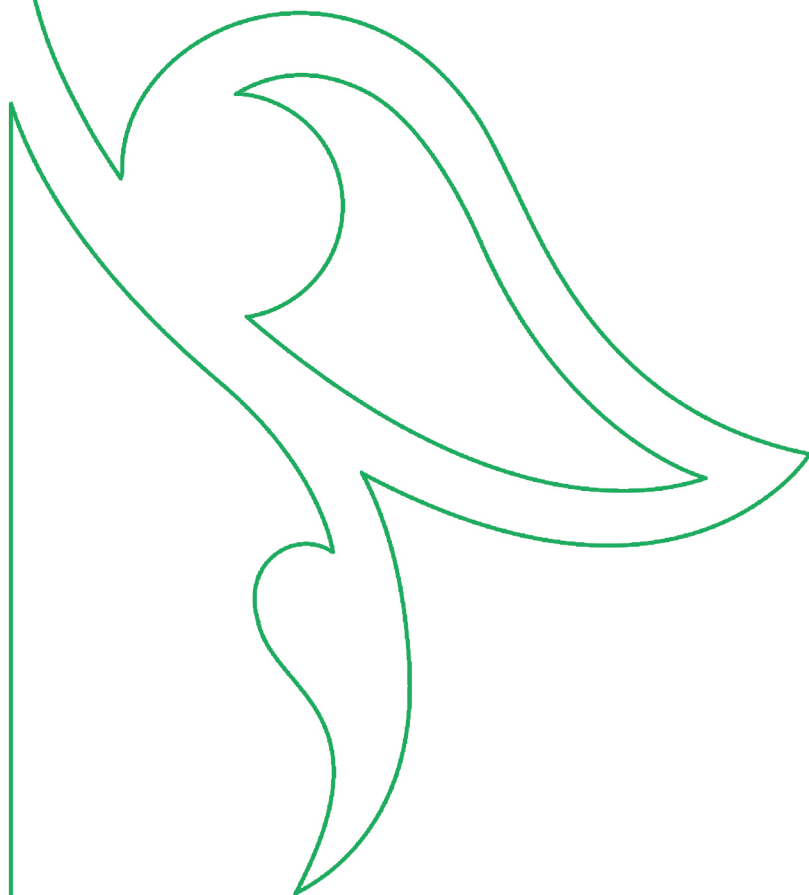


### فهرست تفصیلی

۱. نمایش مشکلات پردازش شبکه جهت سازها؛ تشکیل دهنده بخش پنجم گزارش راهبردی..... ۹۹
- ۱/۱. نمایش تصویر تصمیم؛ بخشی از سه گانه الگوی پردازش اجتماعی به عنوان یکی از سه ریز الگوی ساخت نظامات اسلامی ..... ۹۹
- ۱/۲. عدم استخدام بانوان با ساعت کاری کم، بخشی از مشکل عدم اجرایی شدن پیشنهاد کاهش ساعت کاری بانوان؛ مثالی از بخش پنجم گزارش راهبرد ..... ۱۰۰
۲. واقع بینانه شدن گزارش راهبردی؛ نتیجه تدوین بخش پنجم گزارش راهبردی ..... ۱۰۰
- ۲/۱. دقت در چگونگی نمایش تصویر تصمیم به عنوان هزینه کوتاه مدت و سود بلند مدت ..... ۱۰۰
- ۲/۲. احترام به تصمیم گیری مدیر در جهت قدرت یا عدم قدرت عبور از موانع رسیدن به هدف ..... ۱۰۰
۳. مرور بخش های پنجگانه گزارش راهبردی ..... ۱۰۱
- ۳/۱. تبیین ملاک تدبر با رعایت چارچوب های موضوع گزارش راهبردی؛ بخش اول گزارش راهبردی ..... ۱۰۱
- ۳/۲. سنجش تصمیم مورد اتخاذ با ملاک های تدبر؛ بخش دوم گزارش راهبردی ..... ۱۰۲
- ۳/۳. مدیریت زمینه های پیدایش یک تصمیم غلط در ذهن مدیر به وسیله ملاک های تدبر؛ بخش سوم گزارش راهبردی ..... ۱۰۲
- ۳/۴. سنجش آثار پردازش جهت ساز نزدیک به تصمیم با شبکه ای جهت سازهای پیرامونی؛ بخش چهارم گزارش راهبردی ..... ۱۰۳
- ۳/۵. ارائه تصویر تصمیم؛ بخش پنجم گزارش راهبردی ..... ۱۰۳



# جلسه نهم



بررسی تصمیمات اولویت دار جهت  
نوشتن گزارش راهبردی

## شناسنامه جلسه نهم



عنوان  
بررسی تصمیمات اولویت دار برای نوشتن گزارش راهبردی

تاریخ نشست  
۲۳ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۷ صفحه (قطع رحلی)

این جزوه متن پیاده شده نهمین جلسه از سلسله جلسات تبیین مفهوم "گزارش راهبردی از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۹۵ توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و با موضوع "بررسی تصمیمات اولویت دار برای نوشتن گزارش راهبردی" برگزار گردید.



## فهرست اجمالی

۱۱۱	۱. بازخوانی برخی از تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیران و تدوین گزارش راهبردی پیرامون آنها
۱۱۴	۲. عدم وجود بحث راهبردی در مورد این موضوعات در هیچ یک از نهادهای علمی و پژوهشی نظام
۱۱۶	۳. عدم ورود جریان‌های دینی به صحنه مدیریت تحولات؛ علت یکه‌تازی جریان توسعه‌گرا در تصمیم‌های مدیریتی کشور
۱۱۶	۴. خواص تدوین گزارش راهبردی

## جلسه نهم: بررسی تصمیمات اولویت دار جهت نوشتن گزارش راهبردی





بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد صلى الله عليه و آله و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

#### ۱. بازخوانی برخی از تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیران و تدوین گزارش راهبردی پیرامون آنها

بحث امروز به تبیین اجمالی بعضی از تصمیماتی که در حال حاضر کشور در حال اتخاذ هستند یا اینکه گرفته شده‌اند اختصاص دارد. این تصمیمات به قدری اهمیت دارند که به نوشته شدن گزارش راهبردی نیاز دارند.

ان شاء الله برخی از این تصمیمات را امشب خدمت برادران عزیز بحث و بازخوانی می‌کنم. یکی از مهم‌ترین تصمیماتی که الآن در کشور ما در حال اتخاذ هست این است که سیاست‌های اداری و استخدامی کشور بر مبنای عدالت جنسیتی بازتعریف می‌شود.<sup>۱</sup> مقدمات این تصمیم در دولت یازدهم به صورت جدی در حال طی شدن است؛ دولت هم در برنامه‌ی ششم به دنبال قانونی کردن این مسئله است و هم همایش‌هایی برگزار می‌شود که ضرورت بحث عدالت جنسیتی را تبیین کند و هم اینکه آقای رئیس‌جمهور در ماه‌های گذشته دستور لغو آزمون استخدامی کشور<sup>۲</sup> را به دلیل همین عدم تناسب با عدالت جنسیتی صادر کردند. پس یک تصمیم جدی هست.

ما باید برای این تصمیم یک گزارش تهیه کنیم. طبق روال گزارش‌های راهبردی، یک قدم از گزارش باید ملاک تدبیر را در این حوزه بحث کند و اگر بخواهد ملاک تدبیر را در فضای ذکر مورد

۱. ماده ۱۱۶ برنامه ششم

۲. رئیس سازمان امور اداری و استخدامی خبر داد: لغو آزمون استخدامی دولت؛ رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور گفت: آزمون ۱۹ هزار و ۴۰۰ متقاضی استخدام در دولت که قرار بود ۱۹ شهریور برگزار شود لغو شد.



بحث قرار بدهد، طبیعتاً باید نزدیکترین جهت‌ساز مرتبط با این تصمیم را ملاک قرار دهد، از اینجا باید آغاز کنیم. حالا در اینجا ظاهراً نزدیکترین جهت‌ساز، جهت‌ساز تربیت است که باید ملاک قرار بگیرد. باقی بخش‌های گزارش راهبردی باید حول این تصمیم تبیین و نوشته شود. پس این یک موضوع.

یک موضوع دیگری که الآن راجع به آن تصمیم گرفته می‌شود و مشکلات جدی را در آینده برای کشور ایجاد خواهد کرد و الآن هم بخشی از مشکلات فعلی کشور در حوزه اقتصاد محصول همین تصمیم است - که البته قبلاً گرفته شده و الآن در حال تکمیل است - بحث مناطق آزاد<sup>۳</sup> است. مسئله‌ی مناطق آزاد آن‌گونه که در رسانه‌ها گفته می‌شود قرار است که صادرات و واردات کشور را تسهیل کند و به یک نوعی به سمت مقاوم‌سازی اقتصاد برود. خُب این هم یکی از موضوعاتی است که باید در دستور کار قرار گیرد. هرکدام از برادران می‌توانند نوشتن گزارش راهبردی حول این تصمیم را در دستور کار قرار دهند. این هم یک بحث هست که در اینجا نیز طبیعتاً باید از قسمت اول گزارش راهبردی شروع کرد؛ یعنی باید ابتدا ملاک تدبیر را در اینجا بحث کرد. اگر بخواهیم باز هم مثل موضوع قبل مسئله‌ی ذکر را در بیان ملاک تدبیر اصل قرار بدهیم، باید نزدیکترین جهت‌ساز به این موضوع را انتخاب کنیم. شاید در اینجا مسئله‌ی نفی سبیل نزدیکترین جهت‌ساز باشد. به‌رحال به بحث‌های تکمیلی نیاز دارد و فعلاً در مقام طرح مسائلی هستیم که نیاز به نوشتن گزارش راهبردی برای آنان احساس می‌شود.

۱/۲. تأکید بر افزایش کمی مناطق آزاد و سیاست‌های اداره آن

موضوع سومی که الآن در فضای کشور نیاز است که برای آن گزارش راهبردی نوشته شود، بحث لایحه‌ی پیشگیری [از جرم] است که در نظام تصمیم‌گیری کشور متوقف مانده است؛<sup>۴</sup> یعنی در ابتدا مدت‌ها کار شد که لایحه چگونه نوشته شود بعد به مجلس رفت و در ادامه نیز رفت و برگشت بین مجلس و شورای نگهبان زمانی را به مسئله‌ی پیشگیری تحمیل کرد و پیشگیری تقریباً بلا تکلیف بود و یک بازه‌ی چندساله نیز در مجمع تشخیص مصلحت معطل بود و بعد توسط آقای رئیس‌جمهور به رهبر معظم انقلاب اعلام شد که نمی‌توان این لایحه را اجرا کرد.

۱/۳. توقف لایحه پیشگیری از جرم در نظام تصمیم‌گیری کشور

در بحث پیشگیری از جرم با این نگاه ساختاری موجود، چند مشکل وجود دارد؛ یکی از اشکالات اصل تفکیک قواست؛ یعنی از یک طرف وقتی قوه قضائیه راجع به اصل ۱۵۶ صحبت می‌کند بحث بر

۳. در تعریف یونیدو (UNIDO سازمان توسعه صنعتی ملل متحد) منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زائد ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید. [www.unido.org](http://www.unido.org)

۴. بلاتکلیفی ۳ ساله لایحه پیشگیری از جرم. جام جم <http://yon.ir/cMg4c>  
بخشی از متن: ۳ سال انتظار برای تصویب یک لایحه زمان کمی نیست، آن‌هم برای لایحه‌ای مهم چون لایحه پیشگیری از وقوع جرم. وقتی اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس هفتم ۲ مهر سال ۸۴ کلیات این لایحه را برای اولین بار مطرح و یک سال بعد همراه با دیگر نمایندگان آن را در صحن علنی مجلس تصویب کردند، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که بلاتکلیف ماندن، سرنوشت این لایحه باشد. این بلاتکلیفی زمانی بیشتر می‌شود که پیشنهاد اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس و تأکید کارشناسان آن مبنی بر مسکوت ماندن این لایحه به مدت ۶ ماه عملی شود؛ پیشنهادی که تلویحاً از فراهم نبودن بسترهای پیشگیری از وقوع جرم حکایت دارد.



سر این است که پیشگیری و وظیفه‌ی قوه قضائیه هست؛ اما چون [طبق این لایحه] باید ریشه‌ی پیشگیری را در رفتار سایر قوا دنبال کرد، اجرای بند [مربوط به پیشگیری در اصل ۱۵۶] منجر به نقض اصل تفکیک قوا می‌شود. حالا اینکه چگونه پیشگیری - که بخشی از مفاد اصل ۱۵۶ هست - به گونه‌ای اجرا شود که تفکیک قوا را به چالش نکشد، موضوع گزارش هست؛ یعنی ما باید حول این موضوع بحث کنیم. چون بالاخره هم‌اکنون تعارض این لایحه با اصل تفکیک قوا یکی از دلایل عمده‌ی این است که این طرح به مجمع تشخیص رفته و شورای نگهبان آن را امضاء نکرده است. حالا این را چه کار کنیم؟ این هم به یک گزارش تفصیلی نیاز دارد.

مسائل اجتماعی هم از جمله مسائلی هستند که الآن نظام در حال تصمیم‌گیری راجع به آن‌ها هست.<sup>۵</sup> باید راجع به امور اجتماعی و مسائل اجتماعی تصمیم‌گیری شود. بنا بر روال گزارش راهبردی باید برای این موضوع نیز در ابتدا ملاک تدبیر را انتخاب کرد و بعد باقی مراحل را راجع به آن بحث کرد.

یکی دیگر از مسائلی که بنده را خیلی نگران کرده، لایحه‌ی جامع مدیریت شهری است که به‌زودی به صحن مجلس می‌آید.<sup>۶</sup> و این لایحه قرار است تکلیف شهرداری‌ها، شوراهای شهر، نحوه‌ی اداره‌ی شهرها، مسئله‌ی تراکم و مسئله‌ی درآمد شهر را مشخص نموده و راجع به بسیاری از مسائل اظهار نظر کند. من نگران این هستم که در این لایحه مسئله‌ی ماهیت محله‌ها مستقیم و غیرمستقیم به چالش کشیده شده باشد. راجع به این هم باید یک گزارش جدی نوشته شود.

به محضر دوستان انقلاب عرض می‌کنم راجع به همه این‌ها هم‌اکنون تصمیم گرفته می‌شود. اگر مراقب تصمیماتی که اینجا گرفته می‌شود نباشیم ممکن است در اثر این تصمیمات، شاخصه‌های انقلاب اسلامی و شاخصه‌های هویت اسلامی به چالش کشیده شود. همه‌ی این مواردی که من گفتم تصمیمات کلانی بود که الآن در حال گرفته شدن است و باید فکری به حال آن‌ها کرد.

یکی از موارد دیگری که باید یک فکر جدی برای آن انجام داد و به نظر من این مسئله خیلی چالش ایجاد می‌کند نحوه‌ی حمایت جمهوری اسلامی از شیعیانی است که در خارج از ایران هستند. همان طوری که بنده قبلاً عرض کردم ما دوازده نقطه مرکز تجمع شیعیان داریم و از مستضعفین عالم حمایت می‌کنیم.<sup>۷</sup> نحوه‌ی حمایت جمهوری اسلامی از این‌ها نیاز به یک کار تئوریک فکری گسترده دارد. بالاخره الآن جمهوری اسلامی به یک شکل خاصی با این مراکز قدرت - و بنده تعبیر می‌کنم مراکز ثروت - ارتباط دارد؛ یعنی این‌ها یک مزیت‌های جدی‌ای هستند که به صورت اعتقادی جمهوری اسلامی را قبول دارند و می‌توانند استان‌های منفصل جمهوری اسلامی تلقی شوند. نیازمند یک کار فکری بزرگ راجع به این موضوع هستیم. متأسفانه به دلیل اینکه در حوزه‌ی وزارت خارجه

۵. معاون فرهنگی اجتماعی وزارت کشور در اولین جلسه شورای اجتماعی در سال ۹۵، پنج آسیب اصلی کشور را تشریح کرد و در تشریح این پنج آسیب اولویت‌دار گفت: حاشیه‌نشینی، اعتیاد، طلاق، مفاسد اخلاقی و اجتماعی و موضوعاتی تحت عنوان نقاط حاد و آسیب‌پذیری که بیش از میانگین کشور هستند، این پنج اولویت را تشکیل می‌دهند.

<http://yon.ir/WUbvU>

۶. ر.ک: متن لایحه جامع مدیریت شهری

<http://yon.ir/TNZ7c>

۷. ایران، آذربایجان، علویون ترکیه، انصارالله یمن، حزب الله لبنان، نیجریه، قطیف عربستان، کویت، بحرین، عراق، کشمیر، افغانستان



ما و مطالعات امور بین‌الملل کارهای عمیقی در این حوزه انجام نشد، ما با فاجعه‌ی نیجریه روبرو شدیم؛ یعنی در کشور نیجریه چند میلیون شیعه‌ی طرفدار جمهوری اسلامی وجود داشت که می‌شد در طراحی‌های جهانی نقش پررنگ‌تری را به آن‌ها داد و به کمک آن‌ها نظم جدید جهانی‌ای که انقلاب اسلامی قبل از ظهور به دنبال آن هست را تقویت کرد؛ ولی ما دیدم که در انفعال محض دولت یازدهم رهبر این‌ها زندانی شد و تعداد زیادی از این‌ها به شهادت رسیدند و توجه اندکی هم از طرف دولت و دستگاه سیاست خارجی ما به این‌ها نشد.

## ۲. عدم وجود بحث راهبردی در مورد این موضوعات در هیچ‌یک از نهادهای علمی و پژوهشی نظام

حالا این‌ها مواردی بودند از موضوعاتی که در جمهوری اسلامی نیاز به تدبیر دارند؛ یعنی ما باید همه را دعوت کنیم به اینکه به این موضوعات فکر کنند و اگر این موضوعات خوب پردازش شوند، جهت‌سازهای نزدیک به این موضوعات پردازش درست‌ی پیدا می‌کنند؛ ولی اگر برای این موضوعات تصمیم غلط گرفته شود یا بلاتکلیف باقی بمانند، جهت‌سازهای نزدیک به این موضوعات هم دچار چالش می‌شوند؛ چون تحقیقاً همه‌ی این موضوعاتی که بنده عرض کردم مهم‌ترین موضوعات مرتبط با جهت‌سازهای نزدیک خودشان هستند و متأسفانه نه در فضای رسانه، نه در فضای حوزه‌ی علمی قم، نه در فضای دانشگاه‌های ما و نه در فضای سایر حوزه‌های علمی سراسر کشور راجع به این مسائل کار فکری اتفاق نمی‌افتد. بله؛ در فضای ادعا، دستگاه‌های فکری و مکاتب فکری فراوان هستند. مثلاً شما مکتب تفکیک<sup>۸</sup> را پر از ادعای نوآوری می‌یابید؛ ولی اگر شما به حوزه‌های علمی و مدارس منتسب به این مکتب در شهر مشهد و قم سفر کنید باکمال تأسف خواهید دید که راه‌حلی را برای این مسائل حیاتی پیدا نمی‌کنید یا اینکه بحث نمی‌شود. از مکتب تفکیک بالاتر، دوستان پردعای صدرایی<sup>۹</sup> هستند که تقریباً همه را به چالش می‌کشند ولی تاب‌وتوان تحمل چند سؤال ساده را از دستگاه فکری خودشان ندارند. اگر به این دوستان و درس‌های خارج منتسب به برادران صدرایی رجوع کنید راه‌حل کاربردی حجیت‌یافته‌ای راجع به این مسائل پیدا نمی‌کنید. سایر مکاتب فکری نیز همین‌طور هستند. به‌عنوان مثال می‌توان به فرهنگستان علوم اسلامی<sup>۱۰</sup> اشاره کرد؛ فرهنگستان علوم اسلامی اساساً با داعیه‌ی پاسخ‌دادن به همین مسائل ایجاد شده است و به نظر من اگر این دستگاه فکری مدیریت خود را تغییر دهد می‌تواند بسیاری از این مسائل را پاسخ دهد. اما تنها چیزی که در فرهنگستان علوم اسلامی به فراموشی سپرده شده، مسئله مدیریت تحولات است؛ یعنی

۸. مکتب تفکیک یا مکتب معارفی خراسان، اندیشه‌ای است که میرزا مهدی اصفهانی در مشهد تأسیس کرد. این مکتب بر خالص‌سازی معارف دینی و جدایی آن از اندیشه‌های فلسفی و عرفانی بنا شده است. میرزا مهدی اصفهانی، محمود حلبی، محمدباقر ملکی میانجی، میرزا جواد تهرانی، حسنعلی مروارید، هاشم قزوینی، مجتبی قزوینی، جعفر سیدان و محمدرضا حکیمی از اندیشمندان این مکتب شناخته می‌شوند. کتاب‌ها و گفتگوهای فراوانی در رد و تأیید این اندیشه نگاشته و انجام شده است.

رک: جریان شناسی فکری فرهنگی ایران معاصر، عبدالحسین خسروپناه

۹. حکمت متعالیه، مکتب ملاصدرا است که بر پایه وجود و تمایز آن از ماهیت استوار است. جهت مطالعه بیشتر به سایت پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد حکمت اسلامی صدرا مراجعه فرمایید.

۱۰. فرهنگستان علوم اسلامی قم، موسسه‌ای علمی، پژوهشی و مذهبی است که بعد از انقلاب و در راستای حرکت در جهت جنبش نرم‌افزاری در تولید علم توسط علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی در شهر قم تأسیس شد. این مؤسسه در زمینه نظریه‌پردازی در تولید علم دینی فعال است و تاکنون ایده‌های جدیدی را در این زمینه طرح کرده است. بعد از مرگ علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی در سال ۱۳۷۹ سید محمدمهدی میرباقری مسئولیت این فرهنگستان را عهده‌دار است.



فرهنگستان علوم اسلامی راه‌حل‌های مشخصی راجع به تحولات فعلی‌ای که در سال ۱۳۹۵ و سال‌های اخیر به آن مبتلا هستیم به مسئولین ارائه نمی‌دهد.

این عرض بنده است و بنده بسیار صریح عرض می‌کنم که اگر این مسائل توسط جریان‌های دینی پاسخ پیدا نکنند - بنده سه مورد از مهم‌ترین جریان‌های دینی که مدعی هستند را نیز نام بردم - جریان توسعه‌گرا راه‌حل خود را تحمیل می‌کند، این ضرورت مسئله است. به‌عنوان مثال اگر شما برای ضرورتی که منجر به تصمیم گسترش مناطق آزادشده است راه‌حل ارائه ندهید، جریان توسعه‌گرا همین مدل خود را به‌پیش می‌برد. بالاخره ضرورتی وجود داشته که تصمیم به گسترش این مناطق گرفته‌اند. این موضوع نیازمند طراحی فکری است، اگرچه تخمینی باشد. در مورد عدالت جنسیتی، داستان بسیار خطرناک‌تر است؛ واقعاً برای بنده سؤال است که فمینیست در ایران در حال قانونی شدن است ولی ما در مقابل این معضل خطرناک عکس‌العمل فکری مناسب نشان نمی‌دهیم. قانونی شدن فمینیست چه عواقبی را ایجاد خواهد کرد؟ برخی از کارشناسان گفته‌اند - از نگاه بنده نظر این کارشناسان، نظر فنی و صائبی است - گسترش عدالت جنسیتی در ایران جزء بسته سیاست‌های کنترل جمعیت است؛ یعنی راکفلر<sup>۱۱</sup> و سازمان‌های بین‌المللی‌ای که در مورد ایران کار فکری انجام می‌دهند مجموعه‌ای از کارها را برای کنترل ایران در دستور کار قرار داده‌اند. تمام این مجموعه کارها ناظر به یک هدف محوری به نام کنترل جمعیت است؛ از تغییر نظام فکری - فرهنگی گرفته تا تغییر نظام حقوقی کشور به محوریت مسئله عدالت جنسیتی تا مسئله تراریخته و تلاش برای زمینه‌سازی برای ترور بیولوژیک ملت ایران و ده‌ها اقدام خرد و کلان دیگر. این‌ها مسائلی نیستند که شما بگویید من ۵۰ سال وقت می‌خواهم تا مبانی نظری خود را تکمیل نموده و به این مسائل پاسخ دهم. فرض بفرمایید تحلیلی که مجموعه شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در دوران فصل تدوین برنامه ششم بر روی آن به‌صورت مفصل تأکید کرد مبنی بر اینکه تراریخته‌ها برای ترور بیولوژیک زمینه‌سازی می‌کنند<sup>۱۲</sup> درست باشد؛ حتی اگر این تحلیل ۵ درصد به وقوع پیوندد، مُحتمَل این تحلیل بسیار بالا و خطرناک است، معنای تحقق این تحلیل، به چالش کشیده‌شدن نسل انسان‌های جمهوری اسلامی است. این‌ها غفلت‌های بزرگی است که از طرف جریان‌های فکری - فرهنگی‌ای که مدعی هستند فکرشان قدرت مدیریت تحولات را دارد صورت گرفته است. پس بنابراین باید به‌صورت جدی وارد این عرصه‌ها شد.

۱۱. خانواده راکفلر ثروتمندترین و بانفوذترین خانواده از نظر مالی و سیاسی در یک‌صد سال گذشته آمریکا شناخته‌شده است. این خانواده در سال ۱۹۱۳ «بنیاد راکفلر» را تأسیس کرد که یکی از مهم‌ترین مراکز تعیین‌کننده سیاست و اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود. این بنیاد نفوذ چشمگیری در سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی کاخ سفید دارد. هرچند در ظاهر در امور مربوط به بهداشت و آموزش در سطح جهانی فعالیت می‌کند اما در واقع یک شرکت تجاری جهانی محسوب می‌شود که به همراه شبکه‌های گسترده مالی و اقتصادی خود، مدیریت بازارهای بین‌المللی را در دست دارد. بنیاد راکفلر بدنه اجرایی نظام سیاسی آمریکا و مراکز حساس این کشور را از طریق عوامل خود در اختیار دارد؛ بطوریکه گفته می‌شود از سال ۱۹۴۵ تاکنون، اکثر قریب به اتفاق شخصیت‌های آمریکایی که پست‌های مهم سیاسی را به عهده گرفته‌اند مدتی در این بنیاد و یا سازمان‌های تابعه آن فعالیت داشته و یا از کمک‌های آن استفاده کرده‌اند. بنیاد راکفلر دارای بخش‌های مطالعاتی پیشرفته‌ای است که درباره چالش‌های آمریکا و تدوین راهبردها و سیاست‌های جهانی و اقتصادی آن فعالیت می‌کنند.

<http://yon.ir/CLdVw>

۱۲. بعداً همین تحلیل موردتوجه و پذیرش بسیاری از مسئولین قرار گرفت و تکرار شد.



البته فایده‌ی دیگری نیز بر این بحث مترتب است؛ ارائه پاسخ علمی حجیت‌یافته و کاربردی به یک مسئله، ملاک علمی بودن است. مادامی که شما هیچ صحنه‌ی هم‌آوردی و هیچ صحنه‌ی پیچیده‌ی اجرایی را در مقابل یک متفکر قرار نداده‌اید، رجز آن متفکر بالا بوده و پر از اصطلاحات و ادعاها است؛ اما وقتی به او گفتید ما به تو یک صحنه‌ی عملیاتی می‌دهیم و شما با علم خود آن را مدیریت کنید؛ اگر توانست حتی ۵۰ درصد این صحنه را مدیریت کند، این موضوع محکی خواهد بود برای درست‌بودن و کارآمدی مبانی نظری‌ای که به آن معتقد است. این کارکرد دوم [طرح سؤالات و مشکلات] است. لذا اگر ما بتوانیم این حرکت مبارکی که با دوستان شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در سراسر کشور آغاز کرده‌ایم<sup>۱۳</sup> را ادامه دهیم، این کار یک باقیات صالحات و یک الهام‌بخشی برای سایر جریان‌ها است تا آن‌ها نیز وارد این مسیر شوند. نمی‌توان مسائلی که بنده به برخی از آن‌ها اشاره کردم را رها کرد؛ چون رها کردن این مسائل، مساوی با گسترش توسعه غربی از پایگاه همین مسائل است، این نتیجه قطعی است.

### ۳. عدم ورود جریان‌های دینی به صحنه مدیریت تحولات؛ علت یکه‌تازی جریان توسعه در تصمیم‌های

#### مدیریتی کشور

جریان توسعه‌گرا در حال یکه‌تازی است. بنده بارها گفته‌ام که علت توهّم کارآمدی در جریان توسعه غربی، بی‌رقیب بودن این جریان در ایران است. در واقع علت اصلی این است که جریان صدرایی، جریان تفکیک، جریان فرهنگستان و ... مشغول حوزه مبانی نظری بوده و در عرصه‌ی مدیریت تحولات ورود جدی ندارند و وقتی ورود جدی نداشتند جریان توسعه غربی مدعی راه‌حل می‌شود و کسی هم وجود ندارد که راه‌حل آن‌ها را نقد کند و بسنجد. در نتیجه نیز مشکلات ناشی از اجرای یک نظریه توسعه‌گرا بر تمام ملت ایران تحمیل می‌شود.

### ۴. خواص تدوین گزارش راهبردی

نوشتن گزارش‌های راهبردی خاصیت‌های فراوانی دارد؛ خاصیت گزارش راهبردی برای یک کارشناس این است که علم را در ذهن او تثبیت می‌کند، خاصیت گزارش راهبردی برای جبهه این است که ضریب درگیری را با جریان توسعه غربی ارتقا می‌دهد؛

۴/۱. تثبیت علم در ذهن یک کارشناس

اگر ما بتوانیم گزارش راهبردی بنویسیم، این گزارش‌ها زیرساخت مرحله نظام‌مقایسه هستند و موجب می‌شوند که سطح نظام‌مقایسه ارتقا پیدا کند.

۴/۲. ارتقاء درگیری با جریان توسعه غربی

فایده گزارش راهبردی برای دوستان ما در جبهه فکری - فرهنگی انقلاب - باوجود اینکه اختلاف فکری داریم و آن‌ها صدرایی، تفکیکی و فرهنگستانی فکر می‌کنند - این است که این الهام را به آن‌ها می‌دهند که می‌توان این مسیر را در شرایط فعلی مدیریت کرد. این حرف خوبی نیست که برخی از دوستان می‌گویند ما تا ۵۰ سال آینده مشغول تولید علم هستیم؛ خُب برادر عزیز! در این ۵۰ سال چه کسی قرار است مسائلی که در جامعه اسلامی به وجود می‌آید را مدیریت فکری کند؟ آیا باید آن‌ها را رها کنیم تا جریان توسعه غربی آن‌ها را مدیریت کند؟ خُب نتیجه این کار برجام خواهد

۴/۳. امیدوار نمودن اعضای جبهه خودی به توانایی صف آرای در مقابل دستگاه توسعه

۱۳. آن حرکت این است که با اتکا به فکر الگو راجع به موضوعات مهم کشور در شرایط فعلی اظهارنظر می‌کنیم. انتقال از متن





بود. چرا ما دقت نمی‌کنیم که چه اتفاقی در حال وقوع است؟ برجام شکست خورده است و جنازه‌ی برجام بر روی دست ملت ایران مانده است ولی در چنین شرایطی وزیر محترمه خارجه ما و برخی دیگر از آقایان می‌گویند راه‌حل سوریه نیز نوشتن یک برجام دیگر است. اینکه وزیر محترم خارجه می‌گوید حوادث سوریه راه‌حل نظامی ندارد، مرادش این است که باید برجام دیگری نوشته شود<sup>۱۴</sup>. می‌دانید چقدر خسارت به وجود می‌آید؟ توسعه غربی در برجام ۱ شکست خورده است ولی چون میدان خالی است دوباره نگاه توسعه‌گرا اشتباهی خود را برای این حفظ کرده که سایر مسائل را تحلیل کرده و به سمت باقی مسائل برود.<sup>۱۵</sup> حالا اگر گزارش‌های راهبردی پردازش شوند،<sup>۱۶</sup> این سه خاصیتی که عرض کردم متصور خواهد بود. مهم‌ترین خاصیت این است که به دوستان هم‌فکر ما الهام‌بخشی می‌کند که این مسیر، نسبت به مسیری که خودشان انتخاب کرده‌اند کارآمدتر است. مسیر مختار آن‌ها عبارت از نقد مبانی نظری است. ان‌شاءالله خداوند متعال توفیق دهد که دوستان گزارش‌های راهبردی بیشتری را راجع به این مسائل و سایر مسائلی که در حال حاضر جواب دینی حجیت‌یافته‌ی کاربردی ندارند بنویسند.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۱۴. لینک خبر؛ خبرگزاری مهر: <http://yon.ir/lvuQ8>

۱۵. لذا همان‌طور که امام خامنه‌ای عجله تعالی فرجه فرمودند در شرایط فعلی مهم‌ترین کار ما جهاد کبیر است، یعنی باید تبیین گسترده راه بیندازیم و توضیح دهیم که چه اتفاقاتی در کشور در حال وقوع است، چه مسائلی نیاز عاجل به نظریات اسلامی دارند. این کارها جزء مهم‌ترین اقسام تبیین است. حالا همین همایشی که ما در قم طراحی کردیم (همایش حوزه انقلابی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) برای همین است که نظام سؤالاتی که نیاز به پاسخ دارند را در میان حوزویان بازخوانی کنیم تا آقایان روی آن‌ها فکر نموده و راه‌حل ارائه کنند. در قم بضاعت فکری کمی وجود ندارد ولی به قول یکی از آقایان مراجع از این بضاعت فکری برای پاسخ به شبهه‌ی عبائیه و ابن‌کمونیه استفاده می‌کنند، به شبهاتی که در حال حاضر یا وجود خارجی ندارند یا قائلین کمی به این شبهات مبتلا هستند. لذا عرض بنده این است که ما باید به این سمت حرکت کنیم.

۱۶. به فضل الهی دوستان مرتبط با اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سراسر کشور نوشتن گزارش راهبردی را در چند موضوع پردازش کرده و تجربه آن را در اختیار دارند و مهم‌ترین آن‌ها در قضیه برنامه ششم است که برکات آن امروز قابل مشاهده است. انتقال از متن

### فهرست تفصیلی

۱. بازخوانی برخی از تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیران و تدوین گزارش راهبردی پیرامون آنها ..... ۱۱۱
- ۱/۱. بازتعریف سیاست های اداری و استخدامی کشور بر مبنای عدالت جنسیتی ..... ۱۱۱
- ۱/۲. تأکید بر افزایش کمی مناطق آزاد و سیاست های اداره آن ..... ۱۱۲
- ۱/۳. توقف لایحه پیشگیری از جرم در نظام تصمیم گیری کشور ..... ۱۱۲
- ۱/۴. مسائل اجتماعی با تنوع آن؛ جزء مسائل مهم کشور ..... ۱۱۳
- ۱/۵. لایحه جامع مدیریت شهری به عنوان نقشه جامع اداره کشور ..... ۱۱۳
- ۱/۶. نحوه حمایت جمهوری اسلامی از مراکز تجمع شیعیان در اقصی نقاط جهان ..... ۱۱۳
۲. عدم وجود بحث راهبردی در مورد این موضوعات در هیچ یک از نهادهای علمی و پژوهشی نظام ..... ۱۱۴
- ۲/۲. عدم توجه به اهمیت مدیریت تحولات توسط جریان های دینی مدعی اداره جامعه ..... ۱۱۵
- ۲/۱. تحمیل راه حل های جریان توسعه گرا در صورت عدم ورود جریان های دینی به حل این معضلات ..... ۱۱۵
۳. عدم ورود جریان های دینی به صحنه مدیریت تحولات؛ علت یکه تازی جریان توسعه در تصمیم های مدیریتی کشور ..... ۱۱۶
۴. خواص تدوین گزارش راهبردی ..... ۱۱۶
- ۴/۲. ارتقاء درگیری با جریان توسعه غربی ..... ۱۱۶
- ۴/۱. تثبیت علم در ذهن یک کارشناس ..... ۱۱۶
- ۴/۳. امیدوار نمودن اعضای جبهه خودی به توانایی صف آراییی در مقابل دستگاه توسعه ..... ۱۱۶









## نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات دیگران	نظام اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
<p><i>IPC</i> - رآکتور - جنبش عدالت‌خواه - سیاست خارجی توسعه‌گرا - برنامه‌های توسعه غربی - تفکر پوزیتیویستی - <i>SCM - GIS - Gap</i> - عقل خود بنیاد - <i>UNIDO</i> سازمان توسعه صنعتی ملل متحد</p>	<p>گزارش راهبردی - جریان آرمان‌خواه - نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - بانک سؤالات جهت‌ساز - کارنامه‌خوانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی - جهت حرکت - تدبر - تجرب - تفقه - فرایندهای تربیت کارشناس - حسن‌الاستماع - تضارب - تدوین - نظام مقایسه - حسن‌السوال - افق‌نمایی - مدیریت تحولات - ظرفیت</p>

## نظام سؤالات

<p>۱. ابزارهای ارتقا سطح فعالیت جریان مطالبه گر در فضای فکری انقلاب اسلامی چیست؟</p> <p>۲. جایگاه گزارش راهبردی در ارتقا مطالبه‌گری جریان آرمان‌خواه چه نقشی ایفا می‌کند؟</p> <p>۳. جایگاه گزارش راهبردی در نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کجاست؟</p> <p>۴. جایگاه گزارش راهبردی در فرایند تربیت کارشناس کجاست؟</p> <p>۵. گزارش راهبردی چگونه به بهینه شدن تصمیمات مدیران و مسئولین نظام کمک می‌کند؟</p> <p>۶. دو عامل اصلی ایجاد مشکلات در روند حرکت انقلاب اسلامی چیست؟</p> <p>۷. اشکال اصلی فرایندهای تربیتی حوزه و دانشگاه به نسبت اداره جامعه چیست؟</p>	جلسه اول
<p>۱. دو کارکرد اصلی تدوین گزارش راهبردی چیست؟</p> <p>۲. نسبت تعریف گزارش راهبردی و سطوح پنج‌گانه فکر چیست؟</p> <p>۳. نسبت ساختار گزارش راهبردی و الگوی استخراج سؤال چیست؟</p> <p>۴. تدبیر به چه معناست و دارای چه ملاک‌هایی است؟</p> <p>۵. ملاک‌های تدبیر چگونه قابل تحلیل هستند؟</p> <p>۶. مشکل اصلی تفکر توسعه در تحلیل جهت‌سازها چیست؟</p>	جلسه دوم
<p>۱. ارتباط گزارش راهبردی و سطوح پنج‌گانه فکر چیست؟</p> <p>۲. بزرگ‌ترین مشکل سیطره تفکر پوزیتیویستی در جامعه چیست؟</p> <p>۳. ملاک‌های اصلی تدبیر چیست‌اند؟</p>	جلسه سوم
<p>۱. تفاوت تفکر اسلامی و تفکر مدرن در تحلیل مبدأ عالم چیست؟</p> <p>۲. مهم‌ترین ویژگی تعقل چیست؟</p> <p>۳. تفاوت مدیریت فقر انسان‌ها در تفکر اسلامی و تفکر مدرن چیست؟</p> <p>۴. نسبت سطوح فکر با یکدیگر چیست؟</p>	جلسه چهارم
<p>۱. پیش‌نیاز ورود به مرحله تدبیر چیست؟</p> <p>۲. نسبت خانواده و معرفه‌الامام چیست؟</p> <p>۳. اثرات اشتغال بانوان با توجه به ملاک‌های تدبیر چیست؟</p>	جلسه پنجم
<p>۱. بخش سوم گزارش راهبردی شامل چه موضوعاتی است؟</p> <p>۲. خطر عدم‌پردازش صحیح بخش سوم گزارش راهبردی چیست؟</p> <p>۳. اشتراک سه بخش نخست تدوین گزارش راهبردی چیست؟</p>	جلسه ششم



## نظام سؤالات

جلسه هفتم	<p>۱. بخش چهارم گزارش راهبردی شامل چه موضوعاتی است؟</p> <p>۲. علت لزوم بحث ارتباط بین جهت سازها با یکدیگر چیست؟</p> <p>۳. روش مدیریت زمینه‌های پیدایش تصمیم چیست؟</p> <p>۴. علت اتخاذ تصمیم‌های متفاوت بین کارشناسان توسعه و کارشناسان پیشرفت اسلامی چیست؟</p> <p>۵. جهت سازهای پشتیبان چگونگی پردازش می‌شوند؟</p> <p>۶. علت اتخاذ یک تصمیم غلط در یک بخش از مدیریت جامعه چیست؟</p>
جلسه هشتم	<p>۱. بخش پنجم گزارش راهبردی شامل چه موضوعاتی است؟</p> <p>۲. نتیجه تدوین بخش پنجم گزارش راهبردی چیست؟</p>
جلسه نهم	<p>۱. خال مهم موجود در نهادهای علمی و پژوهشی نظام چیست؟</p> <p>۲. خواص تدوین گزارش راهبردی چیست؟</p>

## فهرست منابع

---

۱. قرآن کریم
۲. بیانات مقام عظمای ولایت حضرت امام خامنه‌ای عج
۳. شهید ثانی / منیة المرید
۴. نهج البلاغه / شیخ رضی
۵. الکافی / شیخ کلینی
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد / المحاسن
۷. التوحید / شیخ صدوق
۸. علل الشرایع / شیخ صدوق
۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / حسین بن محمدتقی نوری
۱۰. غررالحکم و درر الکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی
۱۱. تاریخ یعقوبی / احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی
۱۲. دوره شماره ۳ کتب پژوهشی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی / رویش کاشان
۱۳. سلسله جلسات ۴۰ روزه تبیین مدل برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / دانشگاه صنعتی شریف
۱۴. سید منیر الدین حسینی الهاشمی / فرهنگستان علوم اسلامی
۱۵. میرزا مهدی اصفهانی / مکتب تفکیک
۱۶. محمدقاسم رضایی / اقتصاد جدید
۱۷. متن برنامه ۵ ساله ششم کشور
۱۸. کپلر / فیزیک اجرام سماوی
۱۹. سنت آگوستین / شهر خدایان
۲۰. توماس هابز / سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب
۲۱. رنه دکارت / رساله انسان
۲۲. فرانسیس بیکن / پیشرفت الهی؛ پیشرفت انسانی
۲۳. بیانیه‌ها و شعارهای سازمان بهداشت جهانی
۲۴. بنیاد خانوادگی راکفلر / دیوید راکفلر

# گزارش راهبردی

## بخش هشتم

گزارش راهبردی به طور خلاصه به معنای نظام مفاهیمی است که منجر به ایجاد تدبیر در مسئولین می شود. بنابراین گزارش راهبردی ماهیت تدبیر داشته و در سطح سوم وعاء فکر معنا می شود. یعنی مسئولین در حال تصمیم گیری هستند و ما با ابزار گزارش راهبردی آنها را نسبت به عواقب تصمیماتشان متذکر می کنیم. بنابراین قبل از تصمیم گیری، به وسیله گزارش راهبردی، در مسئول فکر عمیق تری اتفاق می افتد. از این رو در سطح سوم تفکر جای می گیرد. در واقع هر آنچه که در ایجاد تدبیر موضوعیت دارد، در ماهیت گزارش راهبردی نیز موضوعیت خواهد یافت.